



هیأت معارف جنگ
شهید شهید علی میاد شیرازی

عملیات والفجر مقدماتی

سرهنک زرهی ستاد سید یعقوب حسینی

سرشناسنامه:	حسینی ، یعقوب ، ۱۳۲۰
عنوان و نام پدیدآور:	عملیات والفجرمقدماتی/یعقوب حسینی؛[تهیه کننده] هیئت معارف جنگ شهیدسپهدعلی صیادشیرازی
مشخصات نشر:	تهران: ایران سبز، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری:	۱۵۲ ص .
شابک:	۲۵۰۰۰ ریال : ۳-۸۰-۷۶۰۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی :	فیپا .
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷—عملیات والفجر مقدماتی.
موضوع:	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷—خاطرات
شناسه افزوده:	ایران ارتش. هیئت معارف جنگ شهیدسپهدعلی صیادشیرازی
رده بندی کنگره:	DSR ۱۶۰۶/ ۲ و ۵۱۳۸۹
رده بندی دیویی :	۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی :	۲۱۰۶۶۰۲

: سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی

: اول / ۱۳۹۰

:

ناشر: انتشارات ایران سبز صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۶۷۶۵

شابک: ۳-۸۰-۷۶۰۷-۹۶۴-۹۷۸

- - :

:

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان
انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت
و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام
نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی(ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است. آیا
خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن
هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه بکند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

همکاران:

سر تیب ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا بررسی نهایی، آماده‌سازی، نشر
سر تیب ۲ ستاد محمد کامیاب بررسی تخصصی و اصلاحات تکمیلی
گروه‌بان یکم میلاد شادلو حروف‌نگاری اولیه
حامد خدمتی صفحه‌آرایی
محمد صالح واعظی ویرایش و تصحیح

سرهنگ زرهی سید یعقوب حسینی نویسنده

پیشگفتار

کتابی که ملاحظه می فرمایید از سلسله کتاب هایی است که جناب سرهنگ ستاد زرهی سید یعقوب حسینی در سالهای دفاع مقدس به رشته تحریر در آورد .

پس از پایان جنگ تحمیلی تعدادی از این کتابها با عنوان « ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس » توسط سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ، انتشار یافت و در زمره کتاب های معتبر دفاع مقدس محسوب و تا کنون مورد استفاده بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران این عرصه قرار گرفته است .

هیئت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی » با استفاده از بایگانی موجود، کتاب حاضر را مجدداً بررسی و با حذف اضافات و انجام تصحیحات لازم و هماهنگی با نویسندگان محترم در مرحله انتشار قرار دارد. امید است برای روشن شدن حقایق بخشی از تاریخ نظامی این کشور ، اقدامی مفید و ماندگار انجام شده باشد.

در ماه های پایانی سال ۱۳۸۸ قبل از آن که این کتاب به مرحله انتشار برسد ، متأسفانه اطلاع یافتیم که نویسنده محترم در تاریخ ۸۸/۱۰/۱۴ وفات یافته‌اند.

ایشان دوران پر افتخار و زندگی سالم و آبرومندانه را در کسوت نظامی و سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بویژه در ابتدای جنگ تحمیلی طی نمودند. پس از بازنشستگی نیز، تاریخ نظامی دفاع مقدس را در چند جلد تدوین و خدمت بزرگی در عرصه علمی نظامی کشور از خود به یادگار گذارده‌اند . آرزو داریم خداوند متعال، ایشان را با مجاهدان فی سبیل اله محشور و به بازماندگان آن مرحوم نیز سلامتی و سعادت دنیوی و اخروی نصیب فرماید .

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از بازیافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «**هیئت معارف جنگ**» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «**وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ**»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «**پژوهشی - آموزشی**» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از **رزمندگان اسلام** که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت کرده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشته‌های **تحریری، صوتی و تصویری**، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با **مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد** در مسیر تدوین قرار داده‌اند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت آموزش نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای هر سه دانشگاه افسری زمینی، هوایی و دریایی به اجرا در آمده و تا زمان چاپ این کتاب ادامه دارد و به یاری پروردگار ادامه خواهد داشت.

هیئت معارف جنگ «**شهید سپهبد علی صیاد شیرازی**»

فهرست مطالب

۸	معرفی نویسنده
۹	مقدمه
۱۳	کلیات
۲۰	وضعیت کلی منطقه عملیات (زمین-نیروهای دشمن-نیروهای خودی)
۲۰	الف- مشخصات زمین منطقه عملیات
۲۴	ب- استعداد و گسترش دشمن
۲۹	پ- استعداد و گسترش نیروهای خودی
۳۳	طرح ریزی و آمادگی عملیات والفجر مقدماتی
۷۶	هدایت عملیات
۱۰۲	یادداشت‌ها و خاطرات رزمندگان
۱۲۹	بازتاب جهانی عملیات
۱۳۵	گزارش‌های داخلی
۱۴۵	نقشه
۱۴۷	نمایه



معرفی نویسنده

سرهنک زرهی ستاد، سید یعقوب حسینی در سال ۱۳۱۱ در خانواده‌ای مذهبی در ابهر به دنیا آمد. تحصیلات خود را در ابهر و سپس در تهران ادامه داد و در سال ۱۳۳۱ وارد دانشکده افسری و سال ۱۳۳۴ با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل شد. پس از پایان دوره آموزش رسته زرهی، در لشکر اصفهان مشغول به خدمت شد.

در سال ۱۳۴۶ پس از طی دوره دانشکده فرماندهی و ستاد به لشکر ۹۲ اهواز منتقل شد که آن زمان مصادف با آغاز اختلافات مرزی ایران و عراق و صف‌آرایی نظامیان طرفین بود. وی به عنوان افسر عملیات و طراح طرح‌های عملیاتی مربوطه در لشکر تا سال ۱۳۵۴ و عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر فعال بود. از سال ۱۳۵۶، فرماندهی تیپ سوم لشکر ۹۲ زرهی را عهده‌دار و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مدیریت آمادگی رزمی معاونت عملیات و اطلاعات ستاد نیروی زمینی خدمت کرد و با آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ به عنوان جانشین عملیاتی نزاجا به خوزستان اعزام شد. در سال ۱۳۶۰ با درخواست شخصی، بازنشسته شد.

پس از بازنشستگی در دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی و سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، مشغول تهیه و تنظیم تاریخ جنگ شد و با حمایت فرمانده وقت نزاجا - سرهنک صیاد شیرازی توانست هفت جلد کتاب تاریخ جنگ که با نام دفاع مقدس نامگذاری شد تدوین کند و با این کار، خدمت ارزنده‌ای به روشن شدن حقایق جنگ تحمیلی کند. در دی ماه سال ۱۳۸۸ وفات و به دیار ابدی پیوستند. روحشان شاد.

مقدمه

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ

بگو، در روی زمین بگردید و ببینید پایان کار پیشینیان چگونه بوده است (سوره روم آیه ۴۲)

پیش‌گفتار درباره مدارک تاریخی جنگ تحمیلی

یادآوری مهم:

از بررسی‌کنندگان، خوانندگان و استفاده‌کنندگان این مدارک درخواست می‌شود قبل از بررسی به نکات زیر توجه فرمایند:

۱. دستورالعمل تهیه مدارک:

این مدارک در اجرای امریه ۶۰/۰۲/۱/۸۵ - ۶۱/۴/۳۰ معاونت آموزشی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران گردآوری، تنظیم و تدوین شده است.

۲. هدف‌های اصلی تهیه این مدارک طبق دستورالعمل یادشده بالا به شرح زیر بوده است:

الف) تجزیه و تحلیل هر یک از نبردهای عمده و بررسی علل پیروزی یا شکست آنها.
ب) ایجاد زمینه مطلوب برای تهیه مسائل آموزشی مراکز فرهنگی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

ج) بهره‌برداری آموزشی از تجربیات به دست آمده از جنگ تحمیلی.

۳. اسناد اصلی بهره‌برداری شده برای تهیه این مدارک:

الف) برآوردهای ستادی و طرح‌ها و دستورهای عملیاتی تهیه شده در ستاد مشترک، نیروی زمینی و لشکرها و تیپ‌های اجرا کننده عملیات که در پرونده‌های عملیاتی و اطلاعاتی نیروی زمینی و رده‌های پایین‌تر ثبت شده بود.

ب) پیام‌ها و دستورات و گزارش‌های مبادله شده بین قرارگاه‌ها، شامل ستاد مشترک، نیروی زمینی، لشکرها و تیپ‌های اجرا کننده عملیات که در پرونده‌های عملیاتی و اطلاعاتی این قرارگاه‌ها ثبت شده بود.

ج) خاطرات شخصی معدودی از فرماندهان و افسران ستاد که شخصاً در طرح‌ریزی و هدایت عملیات شرکت و یا حضور داشتند.

د) مدارک مورد نظر تا رده قرارگاه، لشکرها و تیپهای مستقل بوده است و پیامها و دستوراتی که بین قرارگاه تیپها و گردانها و ردههای پایین تر مبادله شده در بیشتر این مدارک منظور نشده است.

۴. از سازمانهای خارج از رده نیروی زمینی درخواست شد برای تکمیل این مدارک اسناد و مدارک عملیاتی مربوط به نبردهای جنگ تحمیلی را در اختیار نیروی زمینی قرار دهند، ولی تا تکمیل این مجموعه، مدارک خواسته شده را ارسال نکردند. این سازمانها عبارتند از:
الف) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که نقش فعال و سهمی بسیار ارزنده در این عملیات داشتند.

ب) ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران که در طرح ریزی و هدایت جنبه‌های سیاسی و اقتصادی جنگ تحمیلی نقش اصلی را به عهده داشته است.

ج) ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران که قسمت عمده یکانهای آن نیرو دوش به دوش برادران سرباز خود در یکانهای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در نبردها شرکت داشتند.

د) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در پشتیبانی نزدیک هوایی و ترابری یکانهای نیروی زمینی عامل مهمی بود.

ه) نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در منطقه آبادان و خرمشهر قسمتی از تلاشهای پدافندی و آفندی در این منطقه را عهده‌دار بود.

توجه: به تهیه‌کنندگان تاریخ کامل جنگ تحمیلی توصیه می‌شود ضمن بررسی این مجموعه، همکاری سازمانهای یادشده بالا را نیز درخواست کنند و مدارک عملیاتی آن سازمانها را دریافت و در جریان حوادث جنگ تحمیلی منظور کنند.
۵. روش گردآوری مدارک مورد نیاز:

الف) عین پرونده‌های عملیاتی و دستورات و طرحهای عملیاتی قرارگاههای شرکت کننده در عملیات درخواست و دریافت شد و تمام برگهای این اسناد و مدارک مورد بررسی قرار گرفت.

ب) از کلیه طرحها و دستورات عملیاتی و برآوردهای ستادی و دستورات جزء به جزء نسخه برداری شده و عیناً در کتاب آورده شده است.

ج) پرونده‌های ستادی معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی، قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب و لشکرهای ۱۶ و ۲۱ و ۷۷ و ۹۲ و تیپ‌های ۵۵ هوابرد و ۸۴ پیاده که در اختیار گروه بررسی قرار گرفت، همگی مطالعه شد و پیام‌ها و دستوراتی که بین قرارگاه‌های شرکت کننده در عملیات (تا رده تیپ داخل) مبادله شده بود و تأثیر قابل ملاحظه‌ای در هدایت نبردها داشت عیناً نسخه‌برداری شد و در کتاب آورده شد. ذکر این نکته لازم است که فقط پیام‌هایی نسخه‌برداری شد که از نظر افسر بررسی کننده حایز اهمیت تشخیص داده شد و ممکن است پیام‌هایی وجود داشته باشند که از نظر افسران دیگر مهم بوده‌اند ولی در کتاب منظور نشده‌اند.

د) طی امریه‌ای از طریق ستاد نیروی زمینی، از کلیه افسران، درجه‌داران، سربازان و غیر نظامیان شرکت کننده در جنگ تحمیلی درخواست شد خاطرات خود را بنویسند و برای گروه بررسی ارسال کنند تا به نام خود آنان ثبت شود، ولی پاسخ مثبتی به این خواسته گروه بررسی داده نشد.

۶. نکته مهمی که لازم است مورد توجه قرار گیرد، مطالب مربوط به استنباط و نظریات و مشاهدات و خاطرات شخصی افسر بررسی کننده از جریان حوادث با توجه به مدارک گردآوری شده و ارتباط دادن حوادث با یکدیگر است، از این رو به صورت یک نتیجه قطعی و کامل نباید تلقی شود، بلکه ممکن است بررسی کنندگان بعدی، مدارک دیگری از هر عملیات به دست آورند یا شخصاً در عملیاتی حضور داشته‌اند و شاهد عینی جریان حوادث نبردها بوده‌اند که در ارتباط حوادث، نتیجه‌گیری دیگری از هر عملیات بکنند و نظریات کامل تری ارائه کنند. مسلماً مدارک گردآوری شده در این کتاب ثبت و ضبط همه جریانات نیست و چه بسا اسناد و مدارک عملیاتی در پرونده‌های عملیاتی تیپ‌ها، گردان‌ها، گروهان‌ها و سایر سازمان‌ها وجود داشته باشند که می‌تواند جریان وقایع را روشن‌تر ارائه کند که این گونه مدارک در هنگام تدوین این کتاب در اختیار افسر بررسی کننده نبود و امید است در آینده بررسی کنندگان و محققان دیگر تاریخ جنگ تحمیلی برای تکمیل این مدرک گردآوری شده اقدام کنند تا تاریخ نظامی و در صورت امکان تاریخ سیاسی این جنگ تحمیلی که قسمتی از تاریخ میهن اسلامی ما برای نسل‌های آینده ملت ایران عزیز خواهد بود، هر چه کامل‌تر تهیه و تدوین شود.

غرض نقشی است کز ما باز ماند
که هستی را نمی‌بینم بقایی

افسر تهیه کننده: سرهنگ زرهی ستاد سید یعقوب حسینی

فروردین ماه ۱۳۶۲

عملیات والفجر مقدماتی تاریخ اجرا - ۱۷ بهمن ۱۳۶۱

کلیات

سال ۶۱ پر حادثه ترین و فعالترین سال در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود در این سال سری عملیات کربلا که از عملیات‌های طریق القدس به نام کربلا یک در آذرماه ۱۳۶۰ آغاز شده بود در ۹ ماه اول سال ۱۳۶۱ تا عملیات‌های کربلای ۶ در سطحی بسیار گسترده پیگیری شد و سرنوشت کلی جنگ تغییر جهتی کامل به نفع ایران پیدا کرد به نحوی که نیروهای متجاوز عراق بیش از ۹۰٪ مناطق اشغال شده در سرزمین ایران بیرون رانده شدند و نبرد به مناطق مرزی و حتی داخل خاک عراق کشانده شد.

یکی از سری عملیات‌های کربلا، عملیات کربلای ۵ بود که به نام عملیات مخرم در آبانماه سال ۱۳۶۱ در منطقه مرزی ارتفاعات حمرین واقع در غرب عین خوش و شرق استان میسان عراق اجرا گردید. نتیجه نهایی آن آزاد کردن قسمتی دیگر از مناطق اشغال شده ایران و تصرف قسمتی از سرزمین عراق در شرق شهرهای عماره و علی غربی آن کشور بود. بعد از عملیات مخرم فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر اساس تدبیر کلی رهبران سیاسی و مذهبی تصمیم گرفتند از هرگونه ایجاد رکود و سکون در جبهه‌های نبرد جلوگیری کنند و فرصت ندهند دشمن تضعیف شده، خود را بازسازی کند و آمادگی بیشتر و بهتری برای مقابله با عملیات تهاجمی نیروهای ایران پیدا نماید. طبعاً لازمه چنین اقدامی، بسیج نیروهای تازه نفس بیشتر، تجهیز، سازماندهی، آموزش و آماده کردن آنان برای ادامه نبردهای تهاجمی بود که این امر با اشتیاق اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران برای حضور در جبهه‌های نبرد و شرکت در نبردهای تهاجمی از نظر تأمین نیروی انسانی امکان پذیر بود. اما از نظر تهیه وسایل و جنگ افزار و تجهیزات نظامی محدودیت فوق‌العاده‌ای برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران وجود داشت که از جمله آن تحریم اقتصادی تسلیحاتی ایران از طریق کشورهای عمده فروش سلاح و تجهیزات بود. بنابراین برفرض بسیج نیروهای انسانی در سطحی وسیع، امکان تجهیز آنان چندان وسیع نبود و حتی می‌توان گفت از نظر جنگ افزار و وسایل و تجهیزات انفرادی نیز

محدودیت زیادی وجود داشت و از لحاظ وسایل و تجهیزات سنگین، مانند هواپیما و تانک و توپ و خودروهای دیگر زرهی و خودروهای چرخدار محدودیت فوق‌العاده بود آن‌چنان‌که افزایش توان رزمی نیروهای ایران با بسیج نیروهای مردمی فقط در حد افزایش پیاده نظام خالص بود. بدون افزایش هرگونه وسایل پشتیبانی سنگین مانند هوایی و زرهی و توپخانه در مقابل تلاش گسترده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح عراق نیز به تلاش خود جهت افزایش قدرت رزمی افزودند. با تفاوت این‌که حکومت عراق مورد پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای بزرگ و ابرقدرت‌ها و تقریباً تمامی کشورهای عربی بود و هیچ‌گونه محدودیتی برای تجهیز نیروهای نظامی خود از هیچ‌نظر، اعم از تأمین اعتبارات مالی، تهیه وسایل نظامی سنگین نداشت چنانکه حتی دولت فرانسه پیشرفته‌ترین هواپیماهای جهان را به عنوان اجاره در اختیار عراق قرار داد. تنها عامل برتری که برای نیروهای ایران تصور می‌شد نیروی انسانی بود که به نسبت حدود ۳ به ۱ نسبت به جمعیت کلی عراق برتری با ملت ایران بود. چنین برآورد می‌شد که به علت وجود این برتری نیروی انسانی که نه تنها از نظر تعداد بلکه از نظر کیفیت و ایمان و اعتقاد نیز فوق‌العاده برتر از افراد ارتش عراق بود. چنانچه ضربات مداوم و یا متناوب بر ارتش عراق وارد گردد ارتش عراق قدرت تحمل تلفات نیروی انسانی را در دراز مدت نداشته و سربازان عراقی روحیه و میل به جنگ را از دست خواهند داد و ملت عراق نیز از داخل بر علیه حکومت صدام حسین و حزب بعث قیام خواهند کرد. در نتیجه سرنوشت جنگ در مدت زمانی نه چندان طولانی به نفع ایران تمام خواهد شد.

بر اساس این استراتژی کلی ایران، با توجه به اینکه در ۳ نبرد وسیع بعد از عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر یعنی عملیات رمضان، مسلم ابن عقیل و محرم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران موفق به وصول به هدفهای نهایی نشدند و در این زور آزمائیها مشخص گردید که نیروهای مسلح عراق هنوز توانایی کافی برای عملیات پدافندی در خاک عراق را در مقابل عملیات تهاجمی با استعداد موجود نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را ندارند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به پیروی همان استراتژی کلی وارد کردن ضربات مداوم و یا متناوب در هر سطح ممکن به نیروهای عراق به طرح‌ریزی و اجرای عملیات آفندی ادامه دادند و تدبیر کلی پایان دادن جنگ از طریق اعمال فشارهای نظامی و نه توسل به راه‌حل‌های سیاسی اساس کلی استراتژی حکومت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. این امر سبب شد که

محافل و جوامع بین‌المللی بیش از پیش از حکومت ایران فاصله بگیرند و بر عکس به حکومت عراق نزدیک‌تر شوند و پشتیبانی عملی خود را به حکومت عراق افزایش دهند. تا آنجا که ارتش عراق بعد از دو سال جنگ نه تنها ضعیف نشد، بلکه به تدریج بر توانایی آن افزوده گشت. زیرا حکومت‌های ثروتمند عرب امکانات مالی چند صد میلیارد دلاری خود را در خدمت به حکومت عراق به کار گرفتند. حکومت مصر انبارهای ذخایر نظامی خود را برای ارتش عراق باز کرد و ابر قدرت‌ها و کشورهای فروشنده سلاح و تجهیزات به منظور چپاول دلارهای نفتی کشورهای جنوب خلیج فارس دروازه‌های کارخانجات نظامی خود را بر روی حکومت عراق باز گذاشتند. در حالی که آمریکا و بعضی از حکومت‌های اروپای غربی حتی از تحویل وسایل خریداری شده ایران در زمان رژیم سلطنتی که بهای کامل آن نیز پرداخت شده بود خودداری می‌کردند. تاکنون نیز (۵ سال بعد) چنین کرده‌اند. وسایل و تجهیزات و سلاح سنگین را بدون هیچگونه محدودیتی حتی به صورت اقساطی یا اعتباری و یا نسیه در اختیار دولت عراق قرار دادند. بعضی از کشورهای عرب مانند سودان که امکانات مالی کمک به عراق را نداشتند نیروی انسانی در اختیار حکومت عراق گذاشتند تا در خط مقدم جبهه یا پشت آن به نفع نیروهای عراق وارد عمل شوند.

این پشتیبانی‌های بی‌دریغ و همه‌جانبه پشتیبانان جهانی حکومت عراق توانست خطوط پدافندی بسیار مستحکمی در تمام طول جبهه بیش از هزار کیلومتری به ویژه در مناطقی که مورد تهدید جدی نیروهای ایران بود ایجاد کند. آن‌چنان که نظیر این‌گونه استحکامات را در تاریخ جنگ فقط در مواضع مشهور تاریخی مانند خط ماژینو و دیوار دفاعی نرماندی در فرانسه در جنگ جهانی دوم می‌توان یافت. با تفاوت این‌که نبردهای مرزی ایران و عراق عموماً در دشت‌های باز و یا کم‌عارضه و بدون استتار و اختفا انجام می‌گرفت. این وضعیت زمین منطقه برای پدافند در مقابل نیروهای مهاجم در صورت اتکا به موانع و مواضع مستحکم برتری فوق‌العاده‌ای برای نیروهای مدافع ایجاد می‌کرد به ویژه آن‌که نیروهای مدافع عراق از برتری کامل آتش زمینی و هوایی برخوردار بودند.

با توجه به مطالب مختصری که درباره توانایی‌های کلی نیروهای ایران و عراق در آغاز سال سوم جنگ - نیمه دوم سال ۱۳۶۱- بیان شد، از نظر محاسبات کلاسیک نظامی حداقل از نظر عددی برتری کامل با نیروهای عراق بود. تنها برتری نیروهای ایران از نظر کیفی و آن هم میل

به نبردهای تهاجمی در افراد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به ویژه سپاه پاسداران و نیروهای مردمی بود که این حالت نیز عمدتاً از ایمان و اعتقاد مذهبی تهییج شده در اثر انقلاب اسلامی در ایران سرچشمه می‌گرفت. مسائل دیگر انسانی مانند احساسات ناسیونالیستی تحت الشعاع احساسات مذهبی بود.

بنابراین سلاح اصلی نیروهای ایران ایمان و اعتقاد مذهبی افراد تحت السلاح آن بود در حالی که سلاح اصلی نیروهای عراقی جنگ‌افزار و وسایل و تجهیزات کاملاً مدرن و پیشرفته و بلوک شرق و غرب و پشتیبانی مالی و بی‌دریغ کشورهای پولدار عرب بود. لذا از نظر توان رزمی تجهیزاتی، برتری کامل با نیروهای عراقی بود. در چنین شرایط نامتعادل از نظر سلاح و تجهیزات، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر همان ایمان و اعتقادات مذهبی به تلاش پیگیر خود برای وصول به هدف نهایی که همان سرنگونی حکومت بعثی عراق بود، ادامه می‌دادند. در این راه هیچگونه موانع سیاسی هر قدر مستحکم نمی‌توانست در اراده قاطع مقامات تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی ایران برای وصول به هدف نهایی خللی وارد سازد.

عملیات والفجر مقدماتی در یکی از حساس‌ترین مراحل این شرایط نامتعادل توان رزمی بین نیروهای ایران و عراق به مرحله اجرا در آمد که در بررسی مراحل طرح‌ریزی و هدایت این عملیات به چگونگی این نابرابری اشاره خواهد شد.

درباره مقدمات اجرای عملیات والفجر مقدماتی، همانگونه که در بالا یادآوری شد استراتژی کلی نظامی ایران از آغاز سال ۱۳۶۱ وارد کردن ضربات مداوم یا متناوب بر نیروهای مسلح عراق و کاهش دادن توان رزمی آن بود. بر این اساس بعد از عملیات کربلای ۵ (محرم) در آبان سال ۱۳۶۱ فرماندهان نظامی ایران بررسی و تهیه طرح آفندی جدیدی شروع کردند.

تا قبل از عملیات محرم هدف اصلی استراتژیکی نیروهای مسلح ایران وصول به کرانه شط العرب در شرق بصره و تهدید جدی دومین شهر بزرگ عراق بود که از خصوصیات سیاسی و مذهبی ویژه‌ای در جنوب غربی کشور عراق برخوردار بود. بعد از عملیات رمضان و مواجه شدن با مشکلات عبور از موانع و مواضع مستحکم نیروهای عراقی در شرق بصره، هدف استراتژیکی دومی در جنوب شرقی عراق مورد توجه فرماندهان نظامی ایران قرار گرفت و آن شهر عماره در کرانه رودخانه دجله در استان میسان بود. عملیات محرم سرآغاز حرکت به سوی این هدف استراتژیکی در داخل خاک عراق بود. اما عملیات محرم به نتیجه مطلوب نهایی نرسید و فقط نیروهای عراقی از قسمتی از

مناطق اشغالی در منطقه آن عملیات بیرون رانده شدند و نیروهای ایران حدود ۳ تا ۱۰ کیلومتر در قسمتی از خاک عراق پیشروی کردند اما حتی به اولین هدف نظامی که پاکسازی تمام ارتفاعات حمرین از شمال فکه تا معبر بیات بود دست نیافتند.

بعد از عملیات محرم توجه مقامات نظامی ایران به منطقه شرق عماره و علی غربی عراق بیشتر جلب شد و تلاش اصلی نیروهای مسلح ایران برای نبرد در این منطقه به کار گرفته شد. به همین جهت اولین اقدام برای این منظور آن بود که قرارگاه اصلی هدایت عملیات در خوزستان به نام کربلا که تا پایان عملیات محرم در منطقه اهواز مستقر بود، بعد از آن عملیات و در اوایل آذرماه ۱۳۶۱ به منطقه غرب دزفول و شوش تغییر مکان کرد و در عین خوش مستقر گردید و تمام عناصر لشکرهای ۲۱ پیاده و ۱۶ زرهی نیز از مأموریت پدافندی در منطقه عملیاتی اهواز - خرمشهر رها شدند و به منطقه غرب شوش و دزفول تغییر مکان یافته و در حوالی ارتفاعات مرزی حمرین و میشداغ گسترش یافتند. پدافند منطقه عملیات اهواز - خرمشهر فقط به لشکر ۹۲ زرهی و ۷۷ پیاده و تعدادی از یگان‌های سپاه پاسداران و بسیج واگذار شد.

نظر به این که در عملیات محرم قسمتی از اولین هدف آن عملیات که پاکسازی قسمت جنوبی ارتفاعات حمرین در منطقه سمیده و شمال فکه بود، هنوز از وجود نیروهای متجاوز عراق پاک نشده بود، نظر اولیه فرماندهان نظامی در ادامه نبرد آن بود که این قسمت از مأموریت باقیمانده عملیات محرم اجرا شود و ارتفاعات حمرین در شمال فکه و همچنین جبل فوقی در خاک عراق تصرف و تأمین گردد. به همین جهت در دستور پدافندی شماره ۶ قرارگاه قائم که در اواخر آبانماه ۱۳۶۱ به منظور مشخص کردن روش ادامه عملیات محرم تهیه و منتشر گردید، ضمن این که اساس مأموریت در این طرح، مأموریت پدافندی از تنگ چزابه (شمال بستان) تا رودخانه چنگوله در شرق مهران بود، اما در بیان مأموریت گفته شده بود که این قرارگاه آماده می‌شود برای انهدام دشمن در ارتفاعات حمرین و جبل فوقی حمله را به سمت باختر ادامه دهد. در هنگام تهیه این طرح پدافندی عناصر زیر امر قرارگاه قائم عبارت بودند از:

- تیپ ۸ نجف اشرف که به لشکر تغییر نام یافته بود، با ۱۱ گردان پاسدار، یک گردان ژاندارمری و ۱۵ یگان رزمی و پشتیبانی دیگر در رده گردان و گروهان و دسته.

- تیپ ۲۵ کربلا که به لشکر تبدیل شده بود، شامل ۸ گردان پیاده پاسدار، یک گردان ژاندارمری و ۱۴ یگان رزمی و پشتیبانی دیگر در رده گردان و گروهان و دسته.
 - تیپ ۱۷ قم که به لشکر علی ابن ابیطالب تبدیل شده بود، شامل ۸ گردان پیاده پاسدار و ۱۱ یگان رزمی و پشتیبانی دیگر در رده گردان و گروهان و دسته.
 - تیپ ۱۴ امام حسین که به لشکر امام حسین تغییر نام پیدا کرده بود، شامل ۱۲ گردان پیاده پاسدار و ۱۳ یگان رزمی و پشتیبانی رزمی دیگر در رده گردان و گروهان و دسته.
 - تیپ قمر بنی هاشم، شامل ۲ گردان پیاده پاسدار و ۱۰ یگان رزمی و پشتیبانی رزمی دیگر در رده گروهان و دسته.
 - تیپ یک لشکر ۲۱ پیاده ارتش با ۳ گردان پیاده و یگان‌های پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی تیپ (زیر امر لشکر علی ابن ابیطالب)
 - تیپ ۸۴ مستقل پیاده ارتش شامل ۴ گردان پیاده، یک گردان تانک، یک گروهان سوار زرهی و عناصر پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی تیپ (زیر امر لشکر امام حسین (ع))
 - تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی شامل یک گردان مکانیزه، ۲ گردان تانک، یک گروهان سوار زرهی و عناصر پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی تیپ.
 - تیپ ۵۸ پیاده ارتش شامل ۴ گردان تکاور و یگان‌های پشتیبانی رزمی و خدمات رزمی تیپ.
 - یگان‌های آتش شامل ۳ گردان به اضافه یک آتشبار توپخانه علاوه بر توپخانه پشتیبان تیپ‌های ارتشی.
- تدبیر پدافندی فرماندهی قرارگاه قائم که مشترکاً به عهده سرهنگ ستاد منوچهر دژکام و برادر حسین خرازی بود، چنین بود که با یگان‌های یاد شده به جز تیپ ۵۸ پیاده در خط از چنگوله در شمال غرب تا تنگ چزابه در جنوب غرب پدافند کند و تیپ ۵۸ پیاده احتیاط در دسترس قرارگاه قائم باقی بماند و در حوالی ابوغریب در جنوب عین خوش مستقر گردد.

باتوجه به این طرح و نگرش به این که مأموریت دوم قرارگاه قائم حمله به غرب در شمال فکه بود، ولی یگان ویژه‌ای برای این حمله در نظر گرفته نشده بود. فقط به تمام یگان‌های در خط ضمن ارجاع مأموریت پدافندی دستور داده شده بود، آماده برای آفند به سمت غرب در منطقه مسئولیت خود باشند. بنابراین حمله در شمال فکه با یگانی که در آن منطقه پدافند می‌کرد به اضافه تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار امکان پذیر بود. با توجه به سوابق عملیات محرم طبعاً در اجرای چنین مأموریتی امید به موفقیت نمی‌توانست چندان قوی باشد. به همین جهت در ۱۷ آذر ۱۳۶۱ قرارگاه عملیاتی کربلا، عملیات محرم را به کلی خاتمه یافته اعلام کرد. در نتیجه ادامه عملیات آفندی در شمال فکه نیز منتفی گردید و یکی از دلایل صرف نظر کردن از این عملیات عدم آمادگی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران برای پشتیبانی از عملیات بود. چنانکه در دوم آذرماه نیروی هوایی اعلام کرد که پایگاه سوم شکاری به علت نیاز به تعمیر و نگهداری امکان پشتیبانی ندارد و در نامه‌ای دیگر درخواست کرد به علت مشکلات خلبانان، عملیات پشتیبانی هوایی تا ۱۵ آذر متوقف گردد.

بعد از تغییر مکان قرارگاه عملیاتی کربلا از منطقه اهواز به منطقه عین خوش، نام این قرارگاه به خاتم الانبیا تبدیل شد و هدایت صحنه عملیات خوزستان تحت فرماندهی و رهبری قرارگاه خاتم الانبیا قرار گرفت و این قرارگاه از ۲۲ آذرماه ۱۳۶۱ با این نام مشغول فعالیت گردید. اما هنوز قرارگاه‌های دیگر به نام قائم و کربلا نیز در منطقه اهواز، خرمشهر و غرب دزفول و شوش فعال بودند. تا این که در هفتم دیماه تجدید سازمان کلی در قرارگاه‌های اصلی به عمل آمد که در طرح‌ریزی عملیات والفجر چگونگی آن بیان خواهد شد.

با توجه به مطالبی که بیان شد طرح‌ریزی عملیات والفجر مقدماتی از اواسط آذرماه آغاز گردید و فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا (قرارگاه مشترک سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران) تصمیم قطعی گرفت، نبرد آفندی بعدی را در منطقه شرق عماره عراق اجرا نماید.

وضعیت کلی منطقه عملیات والفجر مقدماتی (زمین - نیروهای دشمن - نیروهای خودی)

مشخصات زمین منطقه عملیات

منطقه عمومی عملیات والفجر مقدماتی منطقه مرزی ایران و عراق در بین فکه در شمال و تنگ چزابه در جنوب بود. محدوده‌ای که در طرح عملیاتی برای این نبرد در نظر گرفته شده بود، عبارت بود از شمال: شاخه شرقی غربی رودخانه دویرج که از فکه وارد خاک عراق می‌گردد از جنوب: کرانه شمالی باطلاق هورالعظیم - در غرب بستان - از شرق ارتفاعات میشداغ و از غرب رودخانه دجله در خاک عراق (به خلاصه نقشه مراجعه شود) عرض متوسط جبهه نبرد قریب ۴۰ کیلومتر و عمق آن حدود ۷۰ کیلومتر بود.

قبل از آغاز عملیات مورد بحث خط تماس بین نیروهای ایران و عراق در این منطقه تپه‌های رملی واقع در شرق خط مرز و غرب ارتفاعات میشداغ بود. بنابراین مبنای عملیات آفندی نیروهای ایران از تپه‌های رملی غرب میشداغ شروع می‌گردید. وضعیت طبیعی زمین این منطقه بدین قرار است که در شرق، ارتفاعات میشداغ از تنگ چزابه در جنوب تا شرق فکه در شمال در امتداد و تقریباً به موازات خط مرز قرار گرفته است. ارتفاع این منطقه نسبت به زمین‌های اطراف چندان زیاد نیست و بلندترین نقطه آن قریب ۲۲۵ متر ارتفاع دارد که با شیب ملایم به سمت شرق و غرب گسترش می‌یابد اما ساختار این ارتفاعات به صورت بریدگی‌های متناوبی است که عبور از آن را مشکل می‌سازد و مشکل عبور با وجود تپه‌های رملی در غرب ارتفاعات به عمق بیش از دو کیلومتر شدیدتر می‌گردد به حدی که می‌توان این ارتفاع را با تپه‌های رملی غرب آن به عنوان یک مانع طبیعی سخت محسوب نمود. منطقه رملی کاملاً بین خط مرز ایران و عراق و ارتفاعات میشداغ قرار گرفته است. بدین جهت بعد از آن که نیروهای متجاوز عراق از قسمت عمده مناطق اشغالی در سرزمین ایران عقب رانده شدند، به علت وجود همین منطقه رملی، نیروهای ایران موفق نشدند نیروهای عراق را از غرب میشداغ تا غرب خط مرز عقب برانند یعنی در حقیقت امکان اجرای نبردی در آن شرایط وجود نداشت، تا نیروهای ایران بتوانند حمله‌ای در آن زمین‌های بسیار سخت اجرا کنند. از نظر محاسبات نظامی نیز مقرون به صرفه و صلاح نبود که نیرویی در آن منطقه صعب‌العبور درگیر شود. به همین لحاظ بعد از عقب راندن نیروهای عراقی به حوالی خط مرز در این منطقه، نیروهای عراقی قسمتی از

منطقه اشغالی را در شرق خط مرز که جزو سرزمین ایران بود در اختیار خود نگه داشتند. به نحوی که قسمتی از جاده مرزی سراسری ایران در این منطقه که از بستان به فکه و موسیان و دهلران متصل می‌گردید، در کنترل نیروهای عراقی باقی ماند و نیروهای عراق با تقویت موانع طبیعی تپه‌های رملی به وسیله موانع مصنوعی مانند میدان‌های مین و سیم‌خاردار و حفر کانال‌های عریض و عمیق مواضع پدافندی خود را در غرب میشداغ مستحکم کردند، تا بتوانند با حداقل نیرو از این منطقه دفاع کنند. زیرا گرچه این منطقه رملی در شرایط خشک بودن زمین تقریباً غیر قابل عبور به ویژه برای واحدهای موتوریزه و مکانیزه می‌باشد، ولی در صورت مختصر بارندگی، رملها بسیار سفت و سخت می‌شوند و زمین برای خودروهای چرخدار و شنی‌دار قابل عبور می‌شوند. نیروهای عراقی این شرایط جوی را نیز در نظر گرفته بودند.

مهمترین عارضه طبیعی دیگر منطقه غیر از ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رملی غرب آن، وجود باطلاق هورالعظیم در جنوب این منطقه می‌باشد که مبنای آن از آبریز ارتفاعات حمیرین در شمال شرقی استان میسان عراق شروع می‌شود و به سمت جنوب گسترش می‌یابد.

با آن که هورالعظیم از حوالی شهر عماره عراق تحت تأثیر افزایش آب رودخانه دجله قرار می‌گیرد و در خاک ایران نیز انتهای رودخانه کرخه به آن ملحق و آب این رودخانه نیز وارد آن می‌شود، یک منطقه وسیع آب‌گیر به وجود می‌آید که عرض متوسط آن در منتهی الیه شمالی بین شهر بستان در ایران و رودخانه دجله در خاک عراق بیش از ۶۰ کیلومتر است و طول آن نیز که تا حوالی کوشک ایران ادامه دارد حدود یکصد کیلومتر می‌باشد.

بر اثر بارندگی‌های فصلی که آب رودخانه‌ای این منطقه افزایش می‌یابد، هورالعظیم در شمال و شرق و جنوب گسترش بیشتری پیدا می‌کند و منطقه وسیع‌تری را غیر قابل عبور می‌سازد. به نحوی که در بعضی موارد حتی جاده ارتباطی مرزی ایران از بستان به طرف فکه قطع می‌گردد. بنابراین در هرگونه عملیات نظامی اثرات هورالعظیم در قسمت اراضی شمال آن در خاک عراق بایستی مورد توجه قرار گیرد.

غیر از دو عارضه طبیعی عمده یعنی تپه‌های رملی و باطلاق هورالعظیم عارضه مهم دیگری در این منطقه وجود ندارد مگر رودخانه دجله که آن هم خط حد غربی منطقه مورد نظر در این عملیات بود. بنابراین زمین اصلی منطقه عملیات که در غرب تپه‌های رملی و شمال غربی باطلاق هورالعظیم

قرار داشت منطقه‌ای است کاملاً صاف و هموار که به نام دشت شیب مشهور می‌باشد و این منطقه در مواقع خشکی کاملاً قابل عبور و در مواقع بارندگی غیر قابل عبور می‌گردد.

عوارض مصنوعی غیر نظامی مهم این منطقه که به وسیله ایران یا عراق ساخته شده بود، فقط جاده‌های ارتباطی بودند که مهمترین آن‌ها جاده مرزی ایران از بستان به فکه و جاده ارتباطی شهر حلفائیه عراق به شهر العماره و جاده‌های طولی ارتباطی عراق به پاسگاه‌های مرزی آن کشور در این منطقه بود اما در زمان جنگ به ویژه بعد از آنکه نیروهای متجاوز عراق به حوالی خط مرز عقب نشینی کردند. ارتش عراق جاده‌های ارتباطی حتی به صورت آسفالت‌ها در مناطق مختلف در عرض و عمق این منطقه احداث کرد، تا پشتیبانی یگان‌های گسترش یافته در این منطقه را امکان پذیر سازد. در حالی که در آغاز عملیات والفجر مقدماتی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به علت عدم استقرار یگانی در شرق این منطقه هیچ‌گونه فعالیتی برای ایجاد جاده‌های ارتباطی انجام نداده بودند. در نتیجه هیچ‌گونه جاده ارتباطی در سراسر این منطقه به عرض ۴۰ کیلومتر وجود نداشت و فقط یک جاده ارتباطی در جنوب منطقه از تنگ چزابه به طرف غرب و یک جاده ارتباطی در شمال آن از چنانه به طرف فکه وجود داشت که در سال‌های قبل از جنگ احداث شده بود. به همین جهت در بررسی و هدایت عملیات مورد بحث خواهیم دید که یکی از مشکلترین مراحل آمادگی این عملیات احداث جاده مواصلاتی بود.

مهمترین عوارض حساس منطقه که برای عملیات آفندی یا پدافندی نیروهای دو طرف متخاصم ارزش تاکتیکی و استراتژیکی داشت در خاک ایران شهر بستان و سوسنگرد و ارتفاعات میشداغ و در داخل خاک عراق شهرهای حلفائیه و عماره و کرانه شرقی رودخانه دجله بود. هرگونه حرکات نظامی از شرق به غرب و بالعکس به منظور دستیابی به این نقاط انجام می‌گرفت. بنابراین در عملیات مورد بحث که نیروهای ایران حالت آفندی داشتند مهمترین هدف‌ها شهر حلفائیه و عماره در خاک عراق بود. همان‌ها نیز به عنوان هدف اصلی این نبرد انتخاب شده بودند. البته عوارض مصنوعی دیگر مانند پل‌ها، جاده‌ها، کانال‌ها، نهرها از نظر هدایت عملیات مورد توجه قرار گرفته بودند. زیرا کنترل یا عدم کنترل هر یک از آن‌ها اثرات سرنوشت‌سازي در وصول یا عدم وصول به هدف‌های عمده استراتژیکی حلفائیه و عماره داشت که ما برای رعایت اختصار از تشریح آن‌ها خودداری می‌کنیم.

از خصوصیات مهم دیگر منطقه که از دیدگاه نظامی بایستی مورد توجه قرار گیرد، چگونگی میدان دید و تیر واختفا و پوشش زمین منطقه نبرد است. در منطقه مورد بحث به علت صاف و هموار بودن زمین در غرب خط مرز و در داخل خاک عراق هیچگونه محدودیتی برای میدان دید و تیر واحدهای حمله کننده یا دفاع کننده وجود نداشت. ولی خاکریزهایی که نیروهای عراقی در تمام عرض و عمق منطقه ایجاد کرده بودند به طور مصنوعی برای میدان دید و تیر محدودیت ایجاد شده بود و نبودن عوارض طبیعی و جنگل سبب عدم پوشش و اختفا گردیده بود.

لذا حرکت واحدهای آفند کننده در روز با خطرات زیادی مواجه بود. به همین سبب تکیه اصلی پوشش و اختفا به عملیات شبانه بود تا با استفاده از تاریکی شب کمبود پوشش و اختفا جبران گردد.

با توجه به کلیاتی که درباره زمین منطقه عملیات والفجر مقدماتی بیان شد، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در این عملیات مبدا عملیات خود را در منطقه رملی غرب ارتفاعات میشداغ قرار دادند و کرانه شرقی رودخانه دجله در حوالی شهر عماره را به عنوان مقصد نهایی عملیات انتخاب کردند. بنابراین در این عملیات نیروهای ایران بایستی در منطقه‌ای به عرض تقریباً ۴۰ کیلومتر و عمق حدود ۶۰ کیلومتر پیشروی می‌کردند، تا به هدف نهایی می‌رسیدند. با در نظر گرفتن شرایط زمین منطقه عملیات و مواضع و موانعی که نیروهای عراقی ایجاد کرده بودند و لزوم حمله شبانه به صورت واحد پیاده نظام و نبودن جاده مواصلاتی در تپه‌های رملی، حداقل در آغاز نبرد، مستلزم عبور از تپه‌های رملی به عمق حدود ۱۰ کیلومتر و مسائل دیگر عملیاتی بودند که اجرای این عملیات را با مشکلات و خطرات بسیار سختی مواجه می‌کردند که در بررسی مراحل طرح‌ریزی و آمادگی و هدایت عملیات خواهیم دید همین مشکلات و خطرات، اثرات منفی خود را بر جای گذاشتند و عملیات را با عدم موفقیت مواجه نمودند.

استعداد و گسترش نیروهای دشمن

طبق برآورد اطلاعاتی شماره ۱۴ که در آذرماه ۱۳۶۱ به عمل آمده بود، سپاه ۴ ارتش عراق در منطقه شرق عماره و علی غربی گسترش پدافندی داشت. در هنگام تهیه این برآورد عناصر زیر امر سپاه ۴ عراق عبارت بودند از: لشکرهای ۱۰ زرهی، یک مکانیزه و ۱۴ پیاده و تیپهای جدا شده از لشکرهای ۳ و ۶ زرهی و ۵ مکانیزه که در زیر امر سپاه ۴ عراق قرار داده شده بودند. همچنین تعدادی تیپ مستقل یا جدا شده از لشکرهای پیاده، و در مجموع تعداد تیپهای گسترش یافته عراق در شرق عماره و علی غربی ۲۷ تیپ زرهی و مکانیزه و پیاده بود که شامل ۵ تیپ زرهی، ۳ تیپ مکانیزه و ۱۹ تیپ پیاده و نیروی مخصوص می گردید بنابراین گرچه از نظر قرارگاه عمده لشکری فقط قرارگاه ۳ لشکر در این منطقه مستقر بود، ولی از نظر کل استعداد رزمی نیروهای گسترش یافته عراق در این منطقه با احتساب هر ۳ تیپ به استعداد یک لشکر، حدود ۹ لشکر توان رزمی داشت. بر اساس همان برآورد اطلاعاتی، ۱۴ گردان توپخانه از این نیروها پشتیبانی می کردند. علاوه بر یگانهای مذکور در برآورد یاد شده، احتمال استقرار ۵ تیپ زرهی و ۴ تیپ پیاده جمعا ۹ تیپ دیگر از عناصر لشکرهای دیگر در این منطقه نبرد منظور شده بود که در صورت صحت این احتمال ۳ لشکر دیگر بر ۹ لشکر قبلی اضافه می شد و استعداد رزمی سپاه ۴ عراق در این منطقه نبرد شامل ۱۲ لشکر زرهی و مکانیزه و پیاده می گردید و جمع تعداد تیپها به ۳۶ تیپ می رسید. گرچه این برآورد تا حدودی اغراق آمیز به نظر می رسد، اما باید توجه داشت که ارتش عراق در ۲ سال اول جنگ توانسته بود با تیپهای احتیاط و گارد مرزی که بیش از ۶۰ تیپ مستقل برآورد شده بودند تجدید سازمان کند و آنان را به صورت تیپهای کاملا رزمی در آورد و تعدادی از آنها را در لشکرهای سازمان یافته آماده عملیات سازد. با توجه به این که بر مبنای وضعیت کلی کشور عراق در همسایگی کشور ایران، قسمت جنوب شرقی عراق درست مانند جنوب غربی ایران از حساسیت نظامی و سیاسی فوق العاده ای برخوردار بود. از همان آغاز جنگ تحمیلی، ارتش عراق عمده قوای خود را در صحنه عملیات جنوب شرقی و در مقابل منطقه خوزستان ایران وارد عمل کرده بود که این وضع تا زمان نگارش این مطالب و در طول بیش از ۷ سال جنگ همچنان باقی بود. اما صحنه عملیات جنوب شرقی عراق از دیدگاه کلی جنگ شامل دو منطقه کلی حیاتی بود که به نام شرق بصره و شرق عماره و علی غربی نامیده می شد. باتلاق وسیع هورالعظیم این دو منطقه

اساسی را از هم جدا کرده بود. این مناطق علاوه بر جنبه های نظامی، از لحاظ جنبه های سیاسی و مذهبی نیز نسبت به سایر مناطق کشور عراق ویژگیهای خاص و مهمی دارند که از نظر مذهبی شیعه بودن اکثر اهالی این منطقه و از نظر سیاسی وجود شهر بصره به عنوان دومین شهر عراق بعد از بغداد می باشد. بنابراین از نظر اهمیت کلی منطقه طبیعی بود که ارتش عراق در هنگام عملیات والفجر مقدماتی در بهمن ماه سال ۱۳۶۱ بیش از ۱۵ لشکر سازمان یافته و احتمالاً حدود ۵۰ تیپ مستقل دارا بود. گسترش یگانهای یاد شده در بالا با استعداد کلی بیش از ۱۰ لشکر در منطقه شرق عماره چندان دور از واقعیت نمی تواند باشد به ویژه آنکه بعد از عملیات رمضان در شرق بصره و بعد از آن عملیات محرم در شرق علی غربی و نتایج کلی حاصله از آن دو نبرد میتوانست برای ارتش عراق مبنای برآوردی باشد که عملیات تهاجمی بعدی نیروهای ایران به احتمال زیاد در شرق عماره و علی غربی خواهد بود. تلاشهای کاملاً آشکار نیروهای ایران در عملیات محرم و بعد از آن در منطقه فکه و شرق ارتفاعات میشداغ هرگونه تردید احتمالی را نیز برای نیروهای عراقی از میان برد. برای فرماندهان عراقی مسلم گردید که حمله بعدی نیروهای ایران در همین منطقه خواهد بود. لذا آنچه مقدر بود نیروهای تقویتی را از مناطق عملیاتی دیگر برداشته و به منطقه شرق عماره و علی غربی اعزام نمودند. چنانکه در برآوردهای اطلاعاتی نیروهای ایران احتمال تغییر مکان عناصر لشکر ۳ زرهی و ۵ مکانیزه عراق به منطقه یاد شده مورد توجه قرار گرفت.

با توجه به این که منطقه شرق عماره و علی غربی از نظر وضعیت طبیعی زمین یک منطقه عملیاتی محسوب می شود، گسترش یگانهای زیر امر سپاه ۴ عراق در این منطقه از مقابل معبر چیلان در شمال شرقی تا مقابل تنگ چزابه در جنوب شرقی به نحوی بود که ضمن پوشش و پدافند در مقابل تمام معابر وصولی احتمالی نیروهای ایران، امکان تغییر مکان و تقویت و پشتیبانی متقابل برای نیروهای عراق در تمام منطقه وجود داشته باشد. برای این منظور جاده های ارتباطی و مواصلاتی بسیاری در عرض و عمق این منطقه احداث شده و بعضی از آنها آسفالت گردید بود. به نحوی که از نظر شبکه ارتباطی جاده ای هیچ مشکلی برای تغییر مکان نیروهای عراقی در تمام این منطقه وجود نداشت. در صورتی که برای حرکت نیروهای ایران وضعیت کاملاً معکوس بود زیرا وجود موانع طبیعی و مصنوعی در مسیر حرکت نیروهای ایران مشکلات زیادی را ایجاد می کرد. بر فرض این که نیروهای ایران به شبکه جاده های عراق دسترسی پیدا می کردند، پیش بینی هایی که ارتش

عراق از نظر موانع و تخریب به عمل آورده بود، می‌توانست در دهها نقطه جلوی پیشروی نیروهای ایران را سد نماید.

محورهای عمومی پیشروی که نیروهای ایران می‌توانستند با استفاده از آنها از ارتفاعات مرزی حمرین و میشداغ عبور کنند و وارد دشت عماره و علی غربی شوند، به ترتیب از شمال به جنوب عبارت بود از :

محور دهلران چیلات علی غربی که از دامنه جنوب غربی ارتفاعات حمرین تا علی غربی حدود ۳۰ کیلومتر بود و مستقیماً به شهر علی غربی عراق منتهی می‌شد.

محور ربوط زبیدات علی غربی که از خط تماس نیروهای ایران با عراق در حوالی زبیدات تا علی غربی حدود ۶۰ کیلومتر بود.

محور سمیده جبل فوقی پل رمیله روی رودخانه طیب در کرانه شرقی دجله که پس از عبور از رودخانه طیب به طرف شمالغربی به سمت علی غربی و به طرف جنوب غربی به طرف شهر الکمیت عراق امتداد می‌یافت.

محور فکه حلفائیه عماره که تا حلفائیه حدود ۴۰ کیلومتر از دشت غرب فکه عبور می‌کرد و از حلفائیه تا عماره جاده محدود شده و از بین منطقه باتلاقی ادامه هورالعظیم می‌گذشت.

محور چزابه حلفائیه عماره که تا حلفائیه حدود ۳۵ کیلومتر در منطقه آبگیر ادامه هورالعظیم و از حلفائیه به بعد در ادامه باتلاق هورالعظیم بود.

با توجه به معابر یاد شده بالا در منطقه غرب میشداغ بین محور، فکه و حلفائیه و محور چزابه، حلفائیه اصولاً هیچگونه محور وصولی وجود نداشت و حتی به علت وجود تپه‌های رملی در سرتاسر منطقه به طول ۴۰ کیلومتر، کوره راهی نیز برای عبور از میشداغ و تپه‌های رملی غرب آن وجود نداشت. تنها راه کاروان‌رو راه تنگ زلیجان در میان ارتفاعات میشداغ بود که مورد استفاده اهالی بومی منطقه قرار می‌گرفت. این راه فقط برای حرکت پیاده و چهارپایان مناسب بود.

گسترش نیروهای عراقی در شرق عماره و علی غربی به نحوی بود که در مقابل حرکت احتمالی نیروهای ایران در معابر یاد شده بتوانند مقاومت کنند. بر این اساس یگان‌های سپاه ۴ عراق عموماً در مقابل ۵ محور وصولی یاد شده در بالا مواضع پدافندی تهیه و آرایش و اشغال کرده بودند. چنین به نظر می‌رسید که در منطقه بین دو محور فکه حلفائیه و چزابه حلفائیه

استحکامات دفاعی عراق نایستی چندان قوی و مستحکم باشد. به همین جهت فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء همین منطقه را با وجود مشکلات فوق العاده ای که از نظر عبور از تپه های رملی وجود داشت، برای پیشروی انتخاب کرد. اما در عمل مشاهده گردید که استحکامات نیروهای عراقی در این منطقه هم نیز ضعیف تر از نقاط دیگر نبود. که چگونگی آن را در بیان هدایت عملیات شرح خواهیم داد.

به نسبت حساسیت معابر وصولی یاد شده ، سپاه ۴ ارتش عراق لشکر ۱۰ زرهی و تعداد زیادی از تیپهای مستقل دیگر را در منطقه عمومی شرق علی غربی در مقابل محور چیلان ، زبیدات، سمیده گسترش داده بود . لشکر یک مکانیزه را با تیپهای مستقل دیگر در مقابل محور فکه و غرب میشداغ حلفائیه قرار داده بود . با این گسترش تقریباً تمام عرض و عمق منطقه عملیات شرق عماره و علی غربی نیروی دفاعی کافی داشت . حتی منطقه غرب میشداغ را نیز صعب العبور فرض نکرده و به قدر کافی مواضع و موانع در آن منطقه ایجاد کرده و یگانهای مدافع مناسبی را البته سبکتر از نقاط دیگر استقرار داده بود.

نکته ای را که باید مورد توجه قرار داد آن است که در منطقه ای که برای عملیات والفجر مقدماتی انتخاب شده بود، قسمت عمده ای موانع طبیعی مرزی که در داخل خاک ایران قرار دارند و شامل تپه های رملی می باشند در دست نیروهای عراقی بود. نیروهای ایران برای ورود به دشت عراق بایستی با اجرای حمله این تپه ها را از دست دشمن خارج می ساختند. در نتیجه می توان گفت امتیازات زمین منطقه کلا در دست نیروهای عراق بود . زمین منطقه نه تنها هیچ گونه تسهیلات قابل ملاحظه ای برای نیروهای ما ایجاد نمی کرد، بلکه در مجموع بر علیه حرکت و پیشروی نیروهای ایران به طرف مواضع دفاعی نیروهای دشمن بود.

نکته حائز اهمیت دیگر این که نیروهای عراق بعد از عقب نشینی به حوالی خط مرز استحکامات بسیار قوی در تمام این منطقه ایجاد کرده بودند. لذا صاف و هموار بودن زمین هیچگونه تسهیلات قابل ملاحظه ای برای نیروهای ایران ایجاد نمی کرد. به ویژه این که عملیات یگانهای زرهی و مکانیزه در این دشت باز و در مقابل مواضع متوالی پدافندی نیروهای دشمن خطرات انهدامی در بر داشت و فقط پیاده نظام می توانست با خطرات کمتری پیشروی کند. اما قدرت پیاده نظام محدود است و در منطقه نبردی به عمق دهها کیلومتر نمی تواند نقش سرنوشت سازی ایفا نماید. بنابراین می توان نتیجه گیری کرد که مشخصات زمین منطقه

عملیات عموماً به نفع نیروهای عراق بود. از نظر توان رزمی نیز نیروهای عراق با استقرار یگانهایی با استعداد بیش از ده لشکر - بر مبنای برآورد اطلاعاتی به عمل آمده - برتری کامل نسبت به نیروهای ایران داشتند که در جدول مقایسه نیروها ملاحظه خواهد شد.

آخرین موضوعی که در مورد توان رزمی نیروهای دشمن باید مورد توجه قرار گیرد سازماندهی منظم، آموزش کامل، تجهیز مطلوب و کنترل و فرماندهی عالی نیروهای عراق بود که با این عوامل میتوان عامل روانی جنگ در دل خاک عراق را نیز اضافه نمود. گرچه در برآوردهای اطلاعاتی ستادهای نیروهای ایران، روحیه سربازان عراقی را خیلی ضعیف می‌نگاشتند، ولی حداقل در سال سوم جنگ که نبرد به داخل خاک عراق کشیده شد، این‌گونه برآورد، نتایج چندان صحیح و قابل قبول در بر نداشت و عملاً در طول چندین سال جنگ عدم صحت این برآوردها مشخص گردید و این‌گونه حقیر شمردن دشمن نتیجه مثبتی برای نیروهای ما به بار نیاورد.

استعداد و گسترش نیروهای خودی در عملیات والفجر مقدماتی

در بیان عملیات محرم گفته شد که مسئولیت عملیاتی منطقه غرب دزفول و شوش تا شرق عماره و علی غربی عراق به عهده قرارگاه عملیاتی قائم قرار داده شده بود. طبق دستور پدافندی شماره ۶ قرارگاه قائم که بعد از عملیات محرم در اواخر آبانماه منتشر گردید، منطقه مسئولیت این قرارگاه از شاخه رمیم رودخانه کرخه در جنوب تا رودخانه چنگوله در شمال شرق دشت مهران به عرض بیش از ۲۰۰ کیلومتر بود. اما قسمت اصلی منطقه پدافندی فقط بین رودخانه کرخه در جنوب و معبر چیلات در شمال بعرض تقریبی یکصد کیلومتر بود و از معبر چیلات تا چنگوله که ارتفاعات حمرین صعب العبور است. لذا فقط بوسیله یگانهای مرزبانی ژاندارمری پوشش می گردید.

یگانهایی که برای پدافند این منطقه در زیرامر قرارگاه عملیاتی قائم(عج) قرار داشتند، عبارت بودند از: تیپ یک لشکر ۲۱ پیاده، تیپ ۸۴ مستقل، تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی، تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار و حدود ۴ گردان توپخانه غیر از توپخانه کمک مستقیم تیپها از عناصر ارتش و لشکرهای ۸ نجف اشرف، ۲۵ کربلا، ۱۷ علی بن ابیطالب، ۱۴ امام حسین و تیپ قمر بنی هاشم از عناصر سپاه پاسداران و بسیج مردمی.

توضیح حائز اهمیت این است که لشکرهای سپاه پاسداران در طول عملیات محرم تیپ محسوب می شدند، ولی بلافاصله بعد از عملیات محرم عنوان لشکر به آنها داده شد، بدون این که استعداد رزمی آنها افزایش یابد.

یگانهای یاد شده در ۴ قرارگاه و دوتیپ مستقل سازماندهی شده و در خط پدافندی منطقه قرارگاه قائم گسترش یافته بودند، به نحوی که لشکر ۸ نجف در شمال منطقه در غرب منطقه عمومی موسیان دهلران، لشکر ۲۵ کربلا در منطقه غرب ربوط، لشکر علی بن ابیطالب با تیپ یک لشکر ۲۱ پیاده در غرب چم هندی، لشکر ۱۴ امام حسین و تیپ قمر بنی هاشم و تیپ ۸۴ پیاده در شمال فکه و تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی در جنوب شرقی فکه پدافند می کردند و تیپ ۵۸ پیاده در احتیاط قرارگاه قائم منظور شده بود.

در اوایل آذرماه تغییرات کلی در گسترش نیروهای ایرانی مستقر در صحنه عملیات جنوب داده شد و لشکرهای ۲۱ پیاده و ۱۶ زرهی نیز به منطقه عمومی عین خوش و شرق میشداغ تغییر مکان یافتند. قرارگاه عملیاتی کربلا نیز که در منطقه اهواز مستقر بود، به منطقه

عین‌خوش نقل مکان کرده و عنوان آن به قرارگاه خاتم الانبیاء تغییر نام یافت و هدایت عملیات منطقه شرق عماره وعلی غربی را مستقیماً به عهده گرفت و فعالیت آمادگی و طرح‌ریزی برای عملیات آفندی بعدی را از اوایل آذرماه آغاز کرد، که چگونگی آن در مطالب مربوط به طرح‌ریزی بیان می‌گردد.

در طرح عملیاتی قرارگاه خاتم الانبیاء که در ۲۴ آذرماه ۱۳۶۱ منتشر شد، یگانهای خودی گسترش یافته یا پیش بینی شده برای منطقه عملیات مورد بحث عبارت بودند از: تمام عناصر لشکر ۲۱ پیاده شامل ۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی تیپ ۳۷ زرهی، لشکر ۱۶ زرهی، تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار، تیپ ۸۴ پیاده، تیپ ۵۵ پیاده هواپرد و گروه ۳۳ توپخانه و قسمت هوانیروز از عناصر نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و لشکرهای ۷ فجر، ۲۷، محمد رسول الله (ص)، ۳۱ عاشورا، ۵ نصر، لشکر ۸ نجف، لشکر ۱۴ امام حسین، لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب، لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۴۱ ثارالله، لشکر یک قدس، لشکر ۳۰ زرهی و تیپهای مستقل ۲۱ سیدالشهدا، ۱۴ قمر بنی هاشم از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران. جمع تعداد تیپهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با احتساب هر لشکر سپاه ۳ تیپ حدود ۴۵ تیپ بود که شامل ۶ تیپ پیاده و ۵ تیپ زرهی از عناصر ارتش و حدود ۳۵ تیپ از عناصر سپاه پاسداران بود. با احتساب ۱۱ لشکر و دو تیپ مجزا.

اما نکته ای که باید در نظر گرفت اغلب لشکرهای سپاه پاسداران همانهایی بودند که در هنگام اجرای عملیات محرم یعنی در آبانماه و کمتر از یکماه قبل از تهیه طرح عملیاتی والفجر مقدماتی به نام تیپ بودند. این تیپ ها در عملیات رمضان و محرم قسمتی از تواناییهای خود را از دست داده بودند، ولی به ناگاه این تصمیم گرفته شد که به این تیپها عنوان لشکر داده شود و یک رده بالاتر از لشکر نیز به نام سپاه در سازمانها منظور گردد، که برای عملیات مورد بحث ۳ قرارگاه سپاه، به نام سپاه ۳ صاحب الزمان، سپاه ۱۱ قدر و سپاه ۷ فجر تشکیل شد. لشکرهای یاد شده در زیر امر این قرارگاه ها قرار داده شدند. همین موضوع خود از مطالبی بوده که در کل عملیات والفجر مقدماتی اثرات منفی برجای گذاشت و مورد اعتراض رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت که در بحث طرح‌ریزی عملیات تشریح خواهد شد. با توجه به مطالب کلی که درباره استعداد کلی نیروهای ایران در هنگام طرح‌ریزی عملیات والفجر مقدماتی بیان گردید، جمع کل استعداد رزمی پیش بینی شده برای عملیات مورد بحث شامل ۱۳ لشکر با ۴۵ تیپ بود و با توجه به استعداد نیروهای عراق که با استعداد حدود ۱۰

لشکر با ۲۷ تیپ بود، توان رزمی نیروهای ایران از نظر تعداد تیپ نزدیک به دو برابر تیپهای عراقی بود. اما آیا حقیقتاً از نظر عددی نیروهای ایران بر نیروهای عراقی برتری داشت یا نه، نکته مهمی است که بایستی بررسیهای بیشتری درباره آن به عمل آید. ولی حداقل نتایج نهایی عملیات ثابت کرد که چنین نبوده و توان رزمی نیروهای ایران در مقایسه با نیروهای عراق خیلی کمتر از آن بود که در قواره کاغذی سازمان منظور گردیده بود. ساده ترین شاهد مثال آنست که لشکرها و تیپهای سپاه پاسداران عموماً فاقد یگان توپخانه در سطح لشکر استاندارد بودند فقط هر لشکر یگانی حداکثر در حد یک گردان توپخانه داشت و از نظر عنصر زرهی و مکانیزه و وسائل سنگین دیگر نیز حتی ضعیفتر از توپخانه بودند فقط یک لشکر زرهی اسمی سازماندهی شده بود که در هیچ عملیاتی خاصیت وجودی آن جلوه گر نمی شد و غالباً به عنوان نیروی احتیاط منظور می گردید.

برای ارزیابی چگونگی تشکیل و تجهیز و سازماندهی یگانهای سپاه و بسیج مردمی مدارک لازم در دسترس ما قرار نگرفت. تنها امکان بررسی این موضوع مصاحبه با رزمندگان بود که ما به عنوان نمونه نظریات تعدادی از آنان را در پایان هر عملیات تحت عنوان یادداشتهایی از خاطرات رزمندگان بعداً منظور نموده ایم و سازمان کلی و یگانهای شرکت کننده در عملیات والفجر مقدماتی را مشخص کرده ایم.

قرارگاه خاتم الانبیاء که هدایت کلی صحنه عملیات خوزستان را به عهده داشت، منطقه عملیات شرق عماره وعلی غربی را به دو قسمت کلی تقسیم کرد. یک قسمت از شمال فکه تا رودخانه چنگوله بود که در آن قسمت ماموریت کلی یگانهای گسترش یافته پدافندی بود و برای این منطقه یک قرارگاه عملیاتی هدایت کننده به نام قرارگاه فجر تعیین شده بود. قسمت جنوبی منطقه از فکه تا چزابه نیز علاوه بر قرارگاه اصلی خاتم الانبیاء، دو قرارگاه فرعی به نام نجف و کربلا تعیین گردیده بود. بنابراین در این منطقه در رده بالاتر از لشکر سه رده واسطه دیگر نیز وجود داشت که عبارت بودند از: قرارگاه سپاه فجر، قرارگاه های نجف و کربلا و بالاخره قرارگاه خاتم الانبیاء.

نکته بسیار مهم در این قرارگاهها عدم وحدت فرماندهی و تصمیم گیری بود. زیرا قرارگاهها به صورت مشترک ارتش و سپاه بودند که غالباً وحدت فکری در عملیات نداشتند و هماهنگی بین نظریات افسران و فرماندهان یگانهای سپاه ضعیف بود و این ضعف همچنین در

رده های اجرائی لشکر و تیپ و گردان و گروهان وجود داشت . این موضوع یکی از نکات بسیار مهم وجه تمایز نیروهای عراق نسبت به نیروهای ایران بود. زیرا همان گونه که در شرح استعداد گسترش نیروهای عراق گفتیم قرارگاه هدایت کننده نیروهای عراق فقط یک قرارگاه سپاه بود که ۳ قرارگاه لشکر یگان اصلی اجرائی آن بود. ولی در سازمان فرماندهی نیروهای ایران اولاً قرارگاه خاتم به صورت مشترک ارتش و سپاه بود. ثانیاً در مقابل یک قرارگاه سپاه عراق نیروهای ایران بوسیله ۳ قرارگاه فرعی (نجف و کربلا و فجر) و خود قرارگاه خاتم الانبیاء یعنی جمعاً با ۴ قرارگاه هدایت می شدند و این امر یکی از نکات منفی نیروهای ایران در این عملیات بود. زیرا اصولاً در عملیات نظامی هر چقدر تعداد قرارگاههای واسطه بیشتر باشد، ناهماهنگی ها و عدم وحدت زیاد تر می گردد. مگر این که منطقه و حدود مسئولیت و مأموریت کاملاً جدا و مستقل از همدیگر باشد . به هر حال عناصر پیش بینی شده برای عملیات والفجر مقدماتی با روشی که بیان گردید، سازمان دهی شدند و در دو منطقه عمومی در داخل منطقه عملیات یعنی بین فکه و چزابه مستقر گردیدن. به نحوی که عناصر قرارگاه نجف در قسمت شمالی و قرارگاه کربلا در قسمت جنوبی منطقه نبرد متمرکز گشته و آماده برای اجرای عملیات شدند.

طرح‌ریزی و آمادگی عملیات والفجر مقدماتی

در بررسی عملیات محرم ملاحظه شد که این عملیات در دهه سوم آبان ماه ۱۳۶۱ کاملاً متوقف گردید. یگانهای هر دو طرف متخاصم ایران و عراق در دامنه غربی ارتفاعات حمیرین حوالی پاسگاههای زبیدات و ابوغریب و شرفانی عراق به حالت پدافندی در آمدند. بر اساس طرح استراتژیک نظامی ایران مبنی بر اجرای عملیات آفندی متناوب و وارد کردن ضربات پی در پی به ارتش متجاوز عراق و انهدام تدریجی آن بلافاصله بعد از پایان عملیات محرم، ستاد هدایت کننده عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برآورد وضعیت و بررسیهای مقدماتی را برای انتخاب منطقه جدید عملیات آفندی آغاز کرد. نظر به این که در آن موقع، یعنی اوایل آذرماه سال ۱۳۶۱ هنوز عمده قوای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در صحنه عملیات خوزستان مستقر بودند و با توجه به نتایج عملیات رمضان و محرم منطقه عملیاتی شرق عماره و علی غربی سهل الوصولتر به نظر رسیده بود. بنابراین همان منطقه برای ادامه عملیات آفندی انتخاب شد که هدف نهایی در آن وصول به کرانه شرقی دجله و تصرف شهرهای عماره و علی غربی در کرانه آن بود.

برای وصول بکرانه شرقی دجله در منطقه عماره و علی غربی ۳ محور وصولی عمده وجود داشت که عبارتند از:

محور عمومی دهلران چیلان علی غربی که نزدیکترین فاصله تا وصول به کرانه شرقی دجله در منطقه علی غربی را دارد و این مسافت حدود ۳۰ کیلومتر است.

محور عمومی دویرج ارتفاعات حمیرین بطرف علی غربی یا عماره که تا هر یک از شهرهای یاد شده حدود ۶۰ کیلومتر فاصله دارد.

محور عمومی فکه، حلفائیه عماره و محور چزابه حلفائیه

قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء که از اوایل آذرماه در منطقه عین خوش مستقر گردیده بود بررسی های مقدماتی خود را درباره ادامه عملیات در هر یک از محورهای یاد شده بالا آغاز نمود. اولین اقدام این قرارگاه به صورت قرارگاه مشترک ارتش و سپاه بود. تجدید نظر در سازمان قرارگاههای فرعی هدایت کننده عملیات و تغییرات عمده در گسترش یگانهای مستقر در خوزستان بود. بر اساس این تجدید نظر و تغییرات، علاوه بر یگانهای موجود در عملیات محرم در منطقه عملیاتی غرب شوش و دزفول که شامل ۶ تیپ از عناصر سپاه پاسداران بسیج مردمی

و ۳ تیپ از یگانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران بود، بقیه عناصر لشکر ۲۱ پیاده و ۱۶ زرهی و تیپهای ۵۸ پیاده از عناصر ارتش و لشکرهای فجر، ۲۷ رسول الله، ۳۱ عاشورا، ۵ نصر، ۴۱ نارالله، یک قدس، ۳۰ زرهی سپاه و تیپ ۲۱۰ مستقل سیدالشهدا از عناصر سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی از صحنه های دیگر عملیات به منطقه غرب دزفول و شوش تغییر مکان داده شدند و در اختیار قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) قرار گرفتند. علاوه بر اینها عنوان تیپهای قبلی نجف، کربلا، امام حسین، علی بن ابیطالب به لشکر تبدیل شد و ۳ قرارگاه سپاه نیز به نامهای سپاه ۳ صاحب الزمان سپاه ۷ فجر و سپاه ۱۱ قدر در سپاه پاسداران تشکیل گردید. بنابراین اولین تحول عمده ای که در نیروهای خودی قبل از آغاز عملیات والفجر به وجود آمد، ارتقاء عنوان یگانهای سپاه پاسداران بود که تیپها به لشکر تبدیل شدند و ۳ قرارگاه سپاه نیز در سازمان منظور گردید. اما این نکته از نظر تحلیل عمومی جنبه های نظامی تاریخ جنگ جای بسی تعمق و بررسی دارد. زیرا تشکیل یک یگان منظم نظامی معمولاً ماهها و گاهی سالها زمان لازم دارد. حال چگونه در مدت کمتر از یک ماه چندین قرارگاه تیپ و لشکر سپاه تشکیل شد و هدف از این تغییر عنوانها چه بود. مسئله ای است که در تحلیل عمومی جنگ تحمیلی باید مورد بررسی قرار بگیرد. ما در اینجا فقط به نامه ای که رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به عنوان غیر موجه دانستن آن نوشته است، اشاره می کنیم. این نامه بعد از انتشار طرح عملیاتی قرارگاه خاتم الانبیاء و ارسال یک نسخه از آن به ستاد مشترک در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۶۱ نوشته شده است و متن آن به شرح زیر است.

۱- در عملیات آفندی محرم برابر طرح شماره ۵ یگانهایی که از سپاه پاسداران در قرارگاه عملیاتی مشترک قائم (عج) مشارکت داشته اند شامل قائم ۱ (تیپ ۸ نجف اشرف) قائم ۲ (تیپ ۲۵ کربلا) قائم ۳ (تیپ ۱۷ علی بن ابیطالب) قائم ۴ (تیپ ۱۴ امام حسین) سازمان داده شده بود. برابر دستور عملیاتی شماره ۶ پدافندی تیپهای فوق الذکر به لشکر ۸ نجف، لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب، لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۱۴ امام حسین تغییر نام پیدا کرده اند.

۲- با عطف به تاریخ طرح دستور عملیاتی شماره ۶ (آبان ۱۳۶۱) و تاریخ وصول طرح به ستاد مشترک (۲۶ دیماه ۱۳۶۱) چنانچه طرح تغییر نام داده شده متضمن در برگیری استعداد واقعی یگان مورد نیاز نباشد هیچ واقعیتی را در اصل و ماهیت

موضوع دگرگون نخواهد کرد. و چنانچه صرفاً برای توجیه این مطلب باشد که تیپ که استعداد موقتی سپاه است به لشکر تبدیل شود تا یگانهای نیروی زمینی در زیر امر آن گذاشته شود، این نظریه و اقدام ملاً یک اقدام مناسبی نخواهد بود. لذا با در نظر گرفتن این‌که نیروی زمینی و سپاه پاسداران هر دو نیروی کاملاً مستقل بوده و باید استقلال خود را حفظ نمایند، خواهشمند است دستور فرمایید انگیزه این تغییر نام را اعلام فرمایند. امضاء . رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران: سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد.

محتوای نامه بالا حاوی نکات فوق العاده عمیق در روش سازماندهی و شرکت یگانهای سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی در جنگ تحمیلی می باشد که با ادامه جنگ گسترده تر گردید و سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی نقش فعالتر و سازنده تری و اساسی تر را به تدریج به عهده گرفتند . تدبیر کلی مقامات غیر نظامی موثر در هدایت جنگ که حالت مردمی دادن به جنگ در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بود، به تدریج به مرحله اجرا در آمد. مروری کوتاه بر سازماندهی یگانهای سپاه و بسیج مردمی از آغاز جنگ تا همین عملیات مورد بحث چگونگی آن را روشن می سازد.

در آغاز جنگ یگانهای بسیج و سپاه مردمی اصولاً هیچگونه سازمان مشخصی نداشتند فقط تعدادی از افراد مومن به انقلاب اسلامی در هر شهر دور هم جمع شده و گروهی را تشکیل داده و عازم جبهه های جنگ گردیدند. درست یکسال بعد و در عملیات ثامن الائمه که در اوایل مهرماه سال ۱۳۶۱ انجام شد حدود ۱۵ گردان سازمان یافته پاسدار و بسیج (با روش سازماندهی مخصوص خود) در این نبرد شرکت کردند. ۶ ماه بعد در عملیات فتح المبین و بیت المقدس تیپ های متشکله سپاه و بسیج وارد نبرد شدند. در پایان سال دوم جنگ قرارگاههای مشترک ارتش و سپاه تیپ هایی را زیر امر گرفتند و به صورت شبه لشکر عملیات را اجرا کردند . بالاخره در شش ماهه اول سال سوم جنگ لشکرهای سپاه تشکیل شدند و حتی قرارگاه سپاه نیز سازماندهی گردید و هماهنگ با این توسعه، قرارگاههای یگانهای رزمی یگانهای پشتیبانی رزمی و حتی پشتیبانی خدمات رزمی نیز توسعه یافت و یگانهای زرهی و توپخانه و مهندسی و مخابرات به تدریج تشکیل شدند. به نحوی که برای عملیات والفجر

مقدماتی در منطقه عملیاتی غرب دزفول و شوش ۱۱ لشکر و ۳ قرارگاه سپاه منظور گردید. گرچه استعداد رزمی این واحدهای سپاه و بسیج اصولاً پیاده نظام خالص با جنگ افزار سبک بود، زیرا با شرایط تحریم اقتصادی بین‌المللی که ملت ایران نه تنها با ارتش عراق بلکه با بیش از نیمی از دنیای استکباری می‌جنگید، خرید وسایل و تجهیزات سنگین نظامی مانند تانک، توپ، خودروهای سنگین و سبک، هواپیما، تفنگ ۱۰۶ ضد تانک، جنگ افزارهای ضد هوایی، موشکهای زمین به زمین و زمین به هوا و خلاصه آن تجهیزات عمده ای که قدرت آتش یک واحد رزمنده را تشکیل می‌دهد و حداقل نیمی از قدرت رزمی کلی هر واحد نظامی به حساب می‌آید مقدور نبود. در این شرایط فقط نیروی انسانی مجهز به سلاح سبک و بالاتر از آن مجهز به ایمن مکتبی و ملی و مصمم و قاطع می‌توانست با نیروهای متجاوز تا به دندان مسلح شده عراق مبارزه کند و الزاماً در عمل نیز همینطور بود. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران راهی دیگر غیر از همین راهی که طی کردند، برای مبارزه با ارتش متجاوز عراق نداشتند. برای اثبات این الزام کافی است یاد آور شویم که در مدت بیش از هفت سال تا زمان نگارش این مطلب، جنگ هنوز ادامه دارد. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به علت محدودیتهای تسلیحاتی که داشتند نتوانستند واحدهای توپخانه، زرهی و مکانیزه سازماندهی کنند. چنانچه تعدادی تجهیزات سنگین خریداری می‌شد یا از ارتش متجاوز عراق به غنیمت گرفته می‌شد، حتی برای جایگزینی وسایل و تجهیزات از بین رفته نیروهای موجود خودی کافی نبود. چنان‌که در آغاز جنگ ارتش ایران دارای ۳ لشکر زرهی ۹۲، ۸۱، ۱۶ و یک تیپ مستقل زرهی-۳۷ و یک لشکر زرهی در حال تشکیل-۸۸ بود^۱. این یگانها به بیش از یک هزار دستگاه تانک چيفتن ساخت انگلستان و تانک ام ۶۰ ساخت آمریکا مجهز بودند و علاوه بر آنها هر لشکر پیاده دارای دو گردان تانک ام ۴۷ بود که جمعا بیش از ۴۰۰ دستگاه از این نوع تانکها در سازمان ارتش ایران بود. ولی در زمان نگارش این مطالب (دیماه ۱۳۶۶) کمتر از ۵۰ این تانکها سالم باقیمانده بود و تانکهای جایگزین شده ساخت کره شمالی و اغتنامی از نیروهای عراق نیز تعداد قابل ملاحظه ای نبود. ضمن این‌که اصولاً بعد از عملیات بیت المقدس در اواخر سال دوم جنگ دیگر نیروهای ایران موفق نشدند واحدهای بزرگ عراق را به دام بیندازند و وسایل و تجهیزات آنها را به غنیمت بگیرند. وسایل اغتنامی قبلی نیز به تدریج منهدم گشته یا آسیب دیده و از صحنه عملیات خارج شده بودند. در حالی‌که در این مدت، ارتش عراق با پشتیبانی همه

جانبه شرق و غرب و کشورهای مرتجع عرب توانسته بود ۱۲ لشکر مجهز خود را تا زمان نگارش این مطالب به بیش از ۳۰ لشکر مجهز افزایش دهد و ما در بررسی مدارک اطلاعاتی به وجود واحد های لشکر ۳۲ عراق نیز برخورد کردیم.

بنا بر مطالبی که بیان شد، روش تشکیل واحدهای رزمنده سپاه پاسداران و بسیج مردمی در آن شرایط کلی کشور ایران امکان پذیر ترین راه حل ممکن بود. اما شاید درباره سازماندهی، آموزش، تجهیزات و روش وارد عمل کردن این یگانها، راه کارهای مفیدتری وجود داشت. این موضوع مسئله ای است که در تحلیل مسائل جنگ باید مورد بررسی قرار گیرد زیرا جنبه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مکتبی آن مقدم بر جنبه های نظامی می باشد و نظر به این که در این قسمت از بررسی مسائل جنگ، هدف اصلی ما اصولاً جنبه های نظامی می باشد بحث درباره چگونگی تشکیل واحدهای سپاه و بسیج مردمی را در همین مختصر به پایان می رسانیم و به ادامه مطالب طرح ریزی و آمادگی عملیات والفجر مقدماتی می پردازیم.

گفتیم که قرارگاه خاتم الانبیاء از اوایل آذرماه ۱۳۶۱ بررسی عملیات آفندی آینده را در منطقه عملیاتی شرق عماره و علی غربی شروع کرد. هدف نهایی که برای عملیات انتخاب نموده بود، شرق دجله در منطقه شهرهای عماره و علی غربی عراق بود. برای وصول به این هدفها ۳ محور عملیاتی عمومی مورد بررسی قرار گرفت، که شامل محور عمومی دهلران، چیلات، علی غربی، محور عمومی دویرج، حمیرین، طیب، علی غربی و محور های عمومی فکه، چزابه (ارتفاعات میشداغ) به سمت حلفائیه، عماره بود. محور عمومی اول یعنی چیلات فوق العاده باریک و غیر قابل گسترش تا وصول به دشت عراق بود. برای عبور از ارتفاعات حمیرین لازم بود، ابتدا دامنه غربی جنوبی این ارتفاعات در داخل خاک عراق کاملاً تامین گردد، تا حرکت واحدهای بزرگ از معابر اجباری این منطقه که شامل چیلات و بیات بود ند امکان پذیر شود و این امر در شرایط بحرانی احتمالاً خالی از خطرات غیر قابل جبران نبود.

محور عمومی دوم یعنی دویرج، ارتفاعات حمیرین به طرف علی غربی در عملیات محرم مورد ارزیابی قرار گرفت. گرچه نتیجه مثبت نسبی در برداشت، ولی شرایط زمین و استحکامات دشمن به نیروهای ایران اجازه نداد، حتی تا کرانه شرقی رودخانه طیب در خاک عراق برسند. و پیشروی نیروهای ایران از پاسگاه زبیدات در حدود ۱۰ کیلومتری خاک عراق فراتر نرفت. این نتیجه نهایی در برآوردهای ستادی نیروهای ایران نتیجه منفی بر جای گذاشت. به نحوی که برای عملیات بعدی خود

به خود این منطقه کنار گذاشته شد. در صورتی که چنین به نظر می‌رسد که در هر شرایطی این منطقه برای عملیات آفندی مناسب تر از منطقه غرب فکه و جزابه بود. حداقل کرانه شرقی رودخانه طیب یک هدف واسطه مناسبی برای آفند نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً پیاده نظام بودند تشکیل می‌داد. در صورت عدم امکان ادامه آفند به طرف غرب، آن رودخانه می‌توانست خط پدافندی مناسبی در مراحل اولیه عملیات باشد. ولی در برآورد اطلاعاتی شماره ۱۴ که قرارگاه عملیاتی در آذرماه ۱۳۶۱ برای عملیات در شرق عماره علی غربی به عمل آورده بود، در تجزیه و تحلیل زمین منطقه عملیات و گسترش پدافندی نیروهای دشمن، ضمن بررسی معابر وصولی به شهرهای عماره و علی غربی چنین نتیجه گرفته بود که - در قسمت جنوبی فکه زمین برای آفند نیروهای خودی مناسب است در قسمت شمالی منظور شمال فکه تا چیلات به علت وجود تپه های رملی، هور و رودخانه طیب مناسب نیست ضمناً زمین در قسمت غربی رودخانه طیب برای آفند مناسب است -.

قضاوت درباره این که آیا این نتیجه نهایی عوامل اطلاعاتی نیروهای ما درست بوده است یا نه چندان آسان نیست. زیرا در هر گونه قضاوتی بایستی در شرایط و موقعیت موجود در آن زمان قرار گرفت تا امکان بررسی همه جوانب امر روشن گردد. ولی صرف نظر از مسئله یاد شده در شرایط متعادل و معمولی نظامی، زمین کاملاً باز به هیچ وجه برای عملیات آفندی مزایا محسوب نمی‌گردد. بویژه آن که یگانهای پدافند کننده دشمن در عرض و عمق آن استحکامات سنگین ایجاد کرده باشند و نیروی حمله ور پیاده نظام در ساده ترین شرایط نبرد و مشابه راهپیمایی تاکتیکی توام با نبرد سبک ۳ تا ۶ روز زمان لازم دارد تا مسافت ۶۰ کیلومتری را طی نماید. مگر آن که ماموریت پیاده نظام فقط شکافتن خط مقاومت دشمن باشد و عملیات استفاده از موفقیت و تعاقب به وسیله نیروهای زرهی و مکانیزه انجام گیرد. بهترین تجربه در این رابطه همان عملیات محرم بود که نیروهای پیاده نظام در مدت ۱۵ روز فقط توانستند حداکثر ۲۰ کیلومتر پیشروی کنند. در حالی که آمادگی دشمن در شروع عملیات محرم ضعیف تر از عملیات والفجر بود. زیرا بعد از شروع عملیات محرم، نیروهای عراق متوجه شدند که تلاش اصلی عملیات آفندی نیروهای ایران در منطقه شرق عماره و علی غربی بکار گرفته شده است. بدین ترتیب تا آخرین حد امکانات خود و پشتیبانان خود، آن منطقه را تقویت و مستحکم کرده بودند.

یادآوری مجدد این نکته ضروری است که اصولاً این‌گونه تلاش‌های ستادی و برآورد وضعیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی و لجستیکی تاثیر چندانی در تصمیم‌گیری‌های نهایی برای اجرای عملیات نداشت. در تصمیم‌گیری فرماندهان نیروی ایران، مسائل پرسنلی، حاکم بر عملیات بود. همین‌قدر که برآورد می‌شد چند یگان سپاه پاسداران و بسیج مردم را می‌توان بسیج نموده و به میدان نبرد فرستاد، برای اجرای عملیات آفند کافی به نظر می‌رسید و عملیات به مرحله اجرا در می‌آمد. در این‌گونه برآوردها مسائل پرسنلی نیروهای دشمن به نحوی تجزیه و تحلیل می‌شد که به نفع نیروهای ما نتیجه‌گیری می‌گردید. به عنوان نمونه روحیه افراد دشمن در تمام برآوردها ضعیف‌تر از آن بود که به حساب می‌آمد. چنین تصور می‌شد که افراد دشمن در مقابل حمله نیروهای ما یارای مقاومت نخواهند داشت و تسلیم خواهند شد یا فرار خواهند کرد. چنانکه در برآورد اطلاعاتی شماره ۱۴ نیز درباره ویژگی‌ها و نقاط ضعف دشمن درباره مسائل پرسنلی چنین نتیجه‌گیری شده بود که: با طولانی شدن جنگ و شکست‌های پی‌در پی در عملیات‌های مسلم بن عقیل و محرم و ادامه آن و عدم موفقیت پاتک‌های متوالی عراق در منطقه عملیات محرم، کاهش شدید روحیه پرسنل نیروهای عراق به چشم می‌خورد. تلفات مستمر و عدم جایگزینی به موقع پرسنل، استعداد پرسنلی یگانهای دشمن را به حدود ۵۰٪ رسانیده است که اکثراً افراد احتیاط فاقد آموزش و روحیه لازم هستند.

درباره این‌گونه برآوردها باید بگویم که از دقت و صحت چندانی برخوردار نبود. آن ارقام درستی که درباره تلفات دشمن گفته می‌شد دقت قابل ملاحظه‌ای نداشت. همان‌گونه که ادعاهای دشمن درباره تلفات نیروهای ما عاری از هرگونه دقت بود. به هر حال همان‌گونه که یادآوری شد این‌گونه برآوردهای ستادی در مراحل تصمیم‌گیری نهایی اثرات چندانی نداشت، اعم از این‌که از بینش درست و کافی برخوردار بود یا نبود و ما برای روشن شدن اثرات این‌گونه تلاش‌های ستادی در مطالب آینده به قسمتی از مباحثات که در قرارگاه خاتم الانبیاء جریان یافت اشاره خواهیم کرد.

مراحل مقدماتی برآوردهای ستادی و طرح‌ریزی برای عملیات و الفجر مقدماتی در آذر سال ۶۱ به پایان رسید و تصمیم نهایی برای اجرای عملیات آفندی در غرب فکه چزابه گرفته شد و در ۲۴ آذرماه طرح عملیات کتبی به نام طرح عملیاتی شماره ۱ به وسیله قرارگاه

عملیاتی خاتم الانبیاء (قرارگاه مشترک ارتش و سپاه) تهیه و منتشر گردید که نکات اصلی آن به شرح زیر می باشد:

در مقدمه این طرح راجع به مدارک مورد استفاده گفته شده که اصول این طرح بر مبنای دستورات شفاهی ابلاغی به فرماندهان در جلسه های مورخ ۱۶ و ۱۷ و دستور العمل تعویض ۲۲ آذر ماه می باشد. بنابراین تصمیم قطعی برای اجرای عملیات والفجر مقدماتی کمتر از یک ماه بعد از خاتمه عملیات محرم اتخاذ شده بود.

سازمان رزمی پیش بینی شده عملیات

قرارگاه فجر شامل: لشکر ۲۱ پیاده با ۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی، تیپ ۳۷ مستقل زرهی، لشکر ۷ فجر سپاه پاسداران شامل: تیپ ۳۳ المهدی و تیپ ۳۵ امام سجاد.

قرارگاه نجف اشرف شامل: لشکر ۱۶ زرهی با ۲ تیپ زرهی، تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار، سپاه ۱۱ قدر با لشکرهای ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ۳۱ عاشورا، ۵ نصر (شامل تیپ های ۱۸ جواد الائمه، ۲۱ امام رضا، ۱۳۹ امام صادق و تیپ مستقل ۲۱۰ سید الشهداء(ع))

قرارگاه کربلا شامل: قرارگاه قائم (عج) که تیپ ۸۴ پیاده، تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی، سپاه ۳ صاحب الزمان با لشکرهای ۸ نجف، ۱۴ امام حسین، ۱۷ علی بن ابیطالب، ۲۵ کربلا و تیپ مستقل ۱۴۴ قمر بنی هاشم را زیر امر داشت و غیر از یگانهای قرارگاه قائم، سپاه ۷ پاسداران شامل لشکرهای ۴۱ ثارالله و یک قدس، ضمناً تیپ ۷ ولی عصر و ۱۵ امام حسن نیز در کنترل عملیاتی قرارگاه کربلا منظور شده بود.

لشکر ۳۰ زرهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

تیپ ۵۵ پیاده هوابرد.

گروه ۳۳ توپخانه ارتش.

یگان هوانیروز. (۳ پایگاه از گروه های اصفهان، کرمان و مسجد سلیمان در ۳ منطقه مستقر گردیده و آماده اجرای عملیات شدند. و پس از شروع عملیات و پیشروی نیروهای خودی که پاتک های عراق نیروهای خودی را در شرایط بحرانی قرار داده بودند، تیم های هوانیروز در سه محور وارد عمل شده و ستونهای زرهی دشمن را منهدم و شمار زیادی از افراد دشمن را کشته و زخمی نمودند.

ضمناً هوانیروز با اجرای عملیات هلی برن، نسبت به انتقال نیروهای رزمنده به منطقه نبرد، حمل تدارکات (آذوقه و مهمات) و تخلیه مجروحین به رزمندگان کمک نمود.

وضعیت عمومی

درباره وضعیت و ماموریت کلی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، چنین بیان شده بود که نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن پدافند در تمام جبهه ها با قسمتی از نیروهای قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء (ص) در منطقه بین فکه و هورالعظیم به منظور آزاد سازی استان العماره عملیات آفندی را هدایت و اجرا می نمایند. در این قسمت یادآوری شده بود که کلیه یگانهای منظور شده در سازمان رزمی تاروز(۵-ر) در منطقه عملیات مستقر خواهند شد. همین امر یکی از مسائلی بود که سبب به تاخیر افتادن عملیات و کشف شدن آن به وسیله دشمن گردید. زیرا زمان آمادگی بیش از آن مدت به طول انجامید که برآورد شده بود.

ماموریت ویژه قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) چنین بیان شده بود که ضمن پدافند در قسمت شمالی منطقه نبرد غرب شوش و دزفول در منطقه عمومی فکه - چزابه حمله کرده، نیروهای دشمن را منهدم و شهرهای حلفائیه و العماره را تصرف می کند و برحسب ایجاب وضعیت حمله را به سمت شمال غربی تا تصرف شهر علی غربی ادامه دهد.

تدبیر عمومی فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء برای اجرای ماموریت یاد شده آن بود که با استفاده از غافلگیری و شرایط دید محدود از فکه در شمال تا هورالعظیم در جنوب بایگانهای قرارگاه نجف و کربلا حمله کند و این حمله را تا وصول به هدفهای پیش بینی شده که حلفائیه و عماره و علی غربی بودند در ۳ مرحله به شرح زیر اجرا نماید (به خلاصه نقشه مراجعه شود) در مرحله اول قرارگاه نجف در شمال و قرارگاه کربلا در جنوب در خط مقدم پدافندی دشمن رخنه کنند و تا عمق حدود ۱۰ کیلومتری در خاک عراق پیشروی نمایند.

در مرحله دوم یگانهای دو قرارگاه حمله ور پیشروی به سمت غرب را ادامه داده و شهر حلفائیه را تصرف نمایند.

در مرحله سوم پیشروی به طرف شهر العماره را ادامه داده و آن شهر را تصرف می نمایند بعداً برحسب ایجاب وضعیت حمله به طرف علی غربی ادامه خواهد یافت.

در این طرح عملیاتی ماموریت قرارگاه فجر ادامه پدافند در منطقه از شمال فکه تا رودخانه چنگوله و ماموریت قرارگاه های نجف و کربلا آمادگی برای اجرای آفند به سمت جنوب غربی به طرف رودخانه طیب بر

حسب دستورات بود. لشکر ۳۰ زرهی سپاه پاسداران و تیپ ۵۵ پیاده هوابرد به عنوان احتیاط در نظر گرفته شده بودند. درباره قرارگاه حمزه سیدالشهدا و چگونگی سازمان و ماموریت آن مطلبی عنوان نگردیده بود. در قسمت دستورات هماهنگی این طرح، نکات ویژه عبارت بودند از این که در کلیه رده‌ها وحدت فرماندهی مورد توجه ویژه قرار گیرد. در بند دیگر گفته شده بود ادغام یگانهای ارتشی و سپاه پاسداران ۵ روز قبل از آغاز عملیات خاتمه یابد. این دو نکته به صورت جمع بین الاضداد است و اجرای آن در شرایط نبرد که مسئولیت حیاتی مطرح است چندان امکان پذیر نیست. این طرح به امضای سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش و برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران رسیده بود.

پشتیبانی هوایی که برای عملیات مورد بحث در نظر گرفته شد، روزانه ۱۲ سورتی پرواز عملیات بود. ضمناً روزانه ۶ پرواز پوشش هوایی نیز منظور گردیده بود.

از لحاظ پشتیبانی آتش توپخانه علاوه بر توپخانه سازمانی لشکرها و تیپهای مستقل که معمولاً هر لشکر ۴ گردان و هر تیپ مستقل یک گردان توپخانه داشت، گروه ۳۳ توپخانه با ۴ گردان توپخانه ۱۳۰ و ۱۷۵ میلیمتری و همچنین گروه ۵۵ توپخانه، عملیات والفجر مقدماتی را پشتیبانی می کردند. پشتیبانی هوانیروز شامل هلی کوپترهای رزمی و لجستیکی با حداکثر مقدرات موجود فراهم گشته بود. از لحاظ پشتیبانی لجستیکی مسئله مهم مقدار مهمات که قابل پشتیبانی بود، به شرح جدول زیر تعیین گردیده بود.

نوع جنگ افراد	۳ روز اول عملیات برای هر قبضه در روز	روز چهارم تا پانزدهم برای هر قبضه در روز
هویتزر ۱۰۵ م م	۴۰ تیر آنی ۲۰ تیر زمانی	۱۵ تیر آنی، ۸ تیر زمانی
هویتزر ۱۵۵ م م	۱۵	۵
هویتزر ۲۰۳ م م	۵۰	۱۰
توپ ۱۷۵ م م	۷۰	۲۰
توپ ۱۳۰ م م	۱۰	۳
موشک کاتیوشا	۱۸۰	۵۰
خیمپاره ۸۲ م م	۲۵	۷
خیمپاره ۸۱ م م	۲۵	۷
خیمپاره ۶۰ م م	۱۵	۵
خیمپاره ۱۲۰ م م	۵	۵

توضیح این که مهمات بیشتر که برای توپ ۱۷۵ م م و کاتیوشا منظور گردیده است، به علت تعداد کم این جنگ افزارها بوده نه فراوانی مهمات .

و بالاخره آخرین مسئله مهم در تهیه طرح مورد نظر ، برآورد وضعیت دشمن بود که برای این منظور همان برآورد اطلاعاتی شماره ۱۴ که در اوایل آذرماه ۱۳۶۱ تهیه گردیده بود، مورد استناد قرار گرفته بود . بدین طریق طرح عملیات والفجر مقدماتی در ۲۴ آذرماه تهیه و منتشر گردید .

بر اساس تصمیم نهایی که درباره روش سازماندهی و اجرای عملیات والفجر مقدماتی گرفته شد، لازم بود تغییرات و جابجایی‌هایی در گسترش یگانها داده شود . مهمترین این تغییرات در منطقه شمال فکه بود. زیرا قبل از این تصمیم ۴ لشکر عمده سپاه پاسداران که برای نبرد مورد نظر پیش بینی گردیده بودند، در ادامه عملیات محرم در آن منطقه گسترش داشتند، لذا به فرماندهی قرارگاه فجر که مسئولیت پدافندی شمال فکه را عهده دار بود، دستور داده شد با عناصر زیر امر خود که لشکر ۲۱ پیاده با ۴ تیپ (۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی) ، تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار و لشکر ۷ فجر با تیپهای ۳۳ المهدی و ۳۵ امام سجاد و یگانهای ژاندارمری مستقر در منطقه از شمال فکه تا چنگوله پدافند نموده و عناصر لشکرهای نجف ، کربلا، علی بن ابیطالب و امام حسین را رها سازد تا برای شرکت در عملیات آفندی در جنوب فکه آماده شوند. با تشکیل قرارگاه های عملیاتی مشترک سپاه و ارتش، فرماندهان ارتشی قرارگاه‌ها بدین شرح است:

سرهنگ ستاد منوچهر دژکام فرمانده نظامی قرار گاه کربلا، سرهنگ ستاد سیروس لطفی فرمانده نظامی قرارگاه نجف و سرهنگ حسین حسینی سعدی فرمانده نظامی قرارگاه فجر، و سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی در قرارگاه خاتم الانبیاء عهده دار یگان ها بود. ضمناً سرهنگ ستاد مسعود منفرد نیاکی به عنوان جانشین فرمانده نیروی زمینی فرماندهی عملیاتی یگان‌های مستقر در منطقه اهواز خرمشهر را عهده دار گردید.

در هنگام انجام تغییرات در سازمان گسترش، یگان‌های عمده لشکر فجر سپاه پاسداران در منطقه خرمشهر گسترش داشت و با لشکر ۷۷ پیاده به صورت قرار گاه مشترک مسئولیت پدافند منطقه خرمشهر را به عهده گرفته بودند. با تغییراتی که داده شد مسئولیت پدافندی منطقه خرمشهر آبادان به لشکر ۷۷ و یک تیپ از سپاه پاسداران محول گردید و لشکر فجر منهای یک تیپ به منطقه غرب عین خوش تغییر مکان یافت و با لشکر ۲۱ پیاده ارتش قرارگاه فجر را تشکیل داده و در شمال فکه پدافند نمود.

در ۲۲ آذر ماه در یک جلسه مشترک ارتشی و سپاهی، فرماندهان نظامی و فرماندهان سپاه قرار گاه نیز معرفی شدند. فرماندهان ارتشی همان‌هایی هستند که در بالا نام برده شدند. فرماندهان سپاه عبارت بودند از: برادر مجید بقائی در قرار گاه کربلا همکار سرهنگ دژکام، برادر عزیز جعفری در قرارگاه نجف همکار سرهنگ لطفی، برادر محمد نبی رودکی در قرارگاه فجر همکار سرهنگ حسنی سعدی، ضمنا برادر محسن رضائی فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در قرارگاه خاتم الانبیاء با فرمانده نیروی زمینی ارتش اشتراک مساعی می‌نمود. اما چنین به نظر می‌رسد که در جلسات مشترک برادر رحیم صفوی به جای ایشان انجام وظیفه کرد. با توجه به مطالبی که درباره مراحل طرح ریزی بیان گردید، این مرحله از فعالیت ستادی عملیات تا ۲۴ آذر ماه خاتمه یافت و طرح نهائی تهیه و منتشر شد که خلاصه آن بیان گردید.

بعد از انتشار طرح، مرحله آمادگی برای اجرای آن آغاز گردید. اما این طرح نیاز زیادی به اقدامات آمادگی داشت. زیرا یکی از وسیع‌ترین عملیات‌های آفندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در یکی از نامناسب‌ترین مناطق عملیاتی بود که به مرحله اجرا در می‌آمد. بدین لحاظ مرحله آمادگی با مشکلات زیادی مواجه و این امر سبب به تاخیر افتادن بیش از حد زمان اجرای عملیات و در نتیجه کشف شدن کامل طرح، به وسیله نیروهای متجاوز عراق گردید. نظر به اهمیت فوق‌العاده‌ای که این مرحله در کل عملیات داشت، لازم است موانع و مشکلات موجود و تلاش‌های فوق‌العاده یگانها در مرحله آمادگی را کمی مشروح تر بیان کنیم.

بعد از انتشار طرح، فعالیت‌های مقدماتی به‌وسیله یگان‌های اجرائی به منظور شناسائی منطقه و برآوردن نیازمندیها آغاز شد. چنین به نظر می‌رسد که از همان زمان، مشکلات بی‌شمار این طرح تا حدودی روشن گردید.

اولین جلسه عمومی برای بررسی مشکلات و نیازمندیهای برآورده شده در ۴ دیماه در قرارگاه خاتم الانبیاء تشکیل شد که در آن جلسه فرمانده نیروی زمینی ارتش، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهان قرارگاهها، افسران ستاد قرارگاه خاتم الانبیاء شرکت داشتند. نیازمندیهای کلی که در گفت و گوهای این جلسه مشخص شد بدین شرح است.

- ۱- تهیه و یا تکمیل تاسیسات کلیه قرارگاه های شرکت کننده در منطقه عملیات
- ۲- ادامه شناسائیهای لازم و تهیه طرح مقدماتی برای اجرای عملیات.
- ۳- آماده کردن جادههای مواصلاتی و پلهای مورد لزوم.
- ۴- آماده نمودن محللهای فرود هلیکوپترها در محل مناسب و مورد نظر.
- ۵- تعیین و آماده کردن محل استقرار سایت هاگ (موشک زمین به هوا)
- ۶- برآورد نیازهای توپخانه و مخابرات
- ۷- تهیه طرح پوشش و فریب به وسیله قرارگاه فجر، بابکار بردن یک تیپ پیاده ارتش و یک تیپ سپاه پاسداران در منطقه شمال فکه (از فکه تا چیلات)

با یک دید دقیق نظامی به مطالب یاد شده بالا روشن می‌گردد که انجام کارهای ساختمانی مورد نظر با فرض وجود مصالح، و وسائل و ابزار کار مورد نیاز، هفته ها زمان لازم داشت و یکی از مهمترین موارد آن احداث جاده ها و پلها بود. زیرا تلاش اصلی این عملیات آفندی بایستی در قسمت شمالی منطقه نبرد انجام می‌گرفت که برای این منظور نیروهای حمله و ما بایستی از ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رملی دامنه‌های شرقی و غربی آن عبور می‌کردند و در این منطقه که عمق آن تا وصول به اولین مواضع پدافندی نیروهای متجاوز عراق بیش از ۲۰ کیلومتر مسافت بود، هیچ‌گونه جاده ای برای حرکت خودروها اعم از شنی دار یا چرخدار وجود نداشت. در عملیات فتح المبین قسمتی از نیروهای ما از تنگ ذلیجان گذشته و به سمت تپه رقابیه حمله کرده بودند. اما این مسیر نیز بعد از گذشت ۹ ماه تحت تاثیر شنهای روان قرار گرفته بود و ضمن این که در آن عملیات یک واحد در حدود یک تیپ عموماً به حالت پیاده از آن معبر گذشت و قسمتی از ارتفاعات میشداغ را طی کرد، ولی وارد تپه‌های رملی غرب میشداغ نشد. در صورتی که در عملیات والفجر مقدماتی، حدود ۵ لشکر از

جمله عناصر یک لشکر زرهی بایستی از این مسیر عبور می‌کردند. بنابراین نیاز به محورهای مواصلاتی مطمئن و مضاعف بود. متأسفانه در برآورد اطلاعاتی شماره ۱۴ به هیچ وجه به راه‌های مواصلاتی داخلی منطقه اشاره نشده بود. و بر عکس در خاک دشمن جاده‌های مواصلاتی غرب رود خانه دجله مورد بررسی قرار گرفته بود. در صورتی که اولین مانع عمده در مسیر حرکت نیروهای ایران، ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رملی طرفین آن بود که عاری از هر گونه جاده برای عبور پیاده بود. بنابراین اولین مسئله و یا مشکل عمده که نیروهای ما با آن مواجه شدند، چگونگی عبور از میشداغ و تپه‌های رملی طرفین آن بود. ارتش برای فعالیت جاده سازی امکانات قابل توجهی نداشت و سپاه پاسداران نیز متکی به جهاد سازندگی بود. بنابراین انجام فعالیتهای ساختمانی به عهده جهاد سازندگی محول گردید و آن سازمان یک تلاش شبانه روزی فوق العاده را آغاز کرد. متأسفانه در اسناد و مدارک موجود ارتشی مطالبی در باره این گونه تلاشها درج نشده است و ما برای پی بردن به چگونگی آن از خاطرات و یادداشت‌های رزمندگان استفاده کردیم. در یکی از این یادداشتها که از مذاکرات جلسات مشورتی فرماندهان در تاریخ ۲۶ دی ماه (بیشتر از یک ماه بعد از انتشار طرح) مطلبی که در باره جاده‌های مورد نیاز عنوان گردیده چنین بوده است (برادر جعفری اظهار داشت قرار گاه نجف برای عملیات آماده است مهمترین موضوعی که باقیمانده، اتمام جاده است. جاده تا بیت شایه رسیده و تا پل امتداد یافته، کمبود کمپرسی مشهود است. اگر ۱۰۰ دستگاه کمپرسی باشد تکمیل جاده ۴ روز دیگر طول می‌کشد.) با توجه به این نکته کار جاده سازی تا پایان دی ماه بعید به نظر می‌رسد و تا هنگامی که این جاده آماده نمی‌شد، اساساً عبور یگان‌های قرار گاه نجف از تپه‌های رملی میشداغ غیر ممکن می‌گردید بنابراین تعیین زمان شروع عملیات کاملاً وابسته به خاتمه جاده سازی بود و جاده سازی هم با مشکلات فوق العاده ای مواجه شده بود. اما جهاد گران جمهوری اسلامی ایران با تمام نیرو و امکانات سعی می‌کردند این مشکل عمده را از سر راه بردارند. منتهی این کار زمان لازم داشت. هر قدر زمان بیشتر به تاخیر می‌افتاد عناصر اطلاعاتی عراق بیشتر به هدفهای نیروهای ایران پی می‌بردند و جزئیات طرح بیشتر کشف می‌گردید. تا آن جا که اعلام گردید که نیروهای عراقی به خوبی می‌دانند که نیروهای ایران به حلفائیه و عماره حمله خواهند کرد. بنابر این آمادگی کامل برای مقابله را دارند. بدین سبب هر قدر زمان عملیات به تاخیر می‌افتاد طرح بیشتر افشا می‌شد. ضمن این که یگان‌های

بسیجی که معمولاً برای مدت ۳ ماه به منطقه عملیات اعزام می‌شدند، با افزایش طول زمان خسته و فرسوده می‌شدند. بنا به اظهار نظر یکی از رزمندگان، عده‌ای از آنان که به عنوان مرخصی منطقه را ترک می‌کردند، دیگر بر نمی‌گشتند (به یادداشتهایی از خاطرات رزمندگان مراجعه شود) این موضوع در جلسات شورای فرماندهان، کراراً مطرح می‌گردید. ولی به علت کمبود امکانات و وسعت حجم کار، انجام آن در مدت زمان کوتاه مقدور نبود. ضمن این‌که علاوه بر جاده سازی، مسائل مهم دیگری نیز وجود داشت که هنوز حل نشده بود. ما برای روشن شدن این‌گونه مسائل، خلاصه‌ای از یادداشتهای یکی از فرماندهان نظامی را بازگو می‌کنیم:

جلسه مورخه ۶۱/۱۰/۲۱ شورای فرماندهان

محل تشکیل جلسه قرارگاه کربلا در تنگ ذلیجان، شرکت کنندگان: فرماندهان و مسئولین ستاد ارتش و سپاه پاسداران، خلاصه اهم مذاکرات در این جلسه به شرح زیر بود.
برادر رحیم صفوی اظهار داشت تجمع نیرو در منطقه خیلی زیاد است هر چه زود تر باید حمله اجرا گردد زیرا برای دشمن مشخص شده است.

برادر کاظمی گفت افراد اعتراض می‌کنند، چرا حمله نمی‌کنیم. در عملیات قبل، از این محور ۷ گردان ۲۷ کیلومتر راه طی کرد (منظور عملیات فتح المبین) و دشمن این مسیر را می‌داند حالا دو لشکر باید از آن عبور کند. قلم رو روشن است که می‌رویم و به هدف می‌رسیم. یا باید برویم به هدف برسیم یا شهید شویم. ایشان ضمناً طرح عملیاتی قرارگاه کربلا را تشریح کرد و اظهار داشت، سپاه هفتم با لشکرهای قدس، امام حسن، ولی عصر، ثارالله، نجف از چزا به عبور می‌کنند و تا پاسگاه مرزی طاووسیه گسترش می‌یابند بعد جزئیات طرح حمله را بیان کرد و در پایان گفت نیروهای ما برای اجرای حمله آماده هستند و از تاخیر آن نگرانند.

سرهنگ صیاد شیرازی گفت: کارها دارد پیش می‌رود.

سرهنگ دژکام به وجود بعضی ناهماهنگی‌ها بین فرماندهان ارتشی و سپاهی اشاره کرد. برادر رحیم صفوی گفت: به هر حال وحدت، عامل مهم و رمز پیروزی ما است. سرهنگ صیاد شیرازی گفت: بهتر است همه مطالب عنوان شود تا راه حلی برای آن پیدا شود. آن‌چه لازم است، بایستی عناصر ارتش و سپاه با هم همکاری اجرائی داشته باشند و در کنار هم باشند.

سرهنگ ذاکری افسر اطلاعات گفت: دو روز است که رادیو بغداد می‌گوید، ما می‌دانیم نیروهای ایران از سه راهی حلفائیه حمله خواهند کرد. برادر رحیم صفوی گفت: به هر حال ما حمله می‌کنیم.

سرهنگ دژکام و سرهنگ جمشیدی، مسئله کمبود جاده و اهمیت آن را مطرح کردند. سرهنگ شیرازی، ضمن قبول آن گفت: باید درباره جاده فکراساسی بشود و اضافه کرد که در عملیات طریق القدس در داخل رملها ۱۵ کیلومتر جاده احداث شد و دو گردان ما از آن استفاده کردند و این امر در موفقیت آن عملیات نقش مهمی داشت. در این عملیات نیز که در منطقه رملی به عمق ۸ کیلومتر است، دشمن تصور نخواهد کرد، ما بتوانیم از آن بگذریم. و این کار مهمی است که از آن بگذریم و این کار ممکن است به ایجاد غافلگیری کمک نماید. اما در عین حال باید مراقب هدف دشمن نیز بود. ممکن است بخواهد ما را به عمق بکشانند. (احتمالاً به منظور بریدن خطوط مواصلاتی عقب) بعد از مذاکراتی در باره جزئیات بعضی مسائل سرهنگ صیاد شیرازی به عنوان نتیجه نهائی مذاکرت گفت: بزرگترین مشکل، جاده است. مسئله دیگر تراکم بیش از حد نیروها در منطقه که قطعاً دشمن از این منطقه عکس هوائی گرفته و با شناسائی‌هایی که انجام داده متوجه تمرکز ما و هدف آن گردیده است. درباره جاده باید حداقل دو محور مواصلاتی عریض دو طرفه ایجاد شود که هم برای پیشروی عده‌ها و هم برای تخلیه مجروحین مورد استفاده قرار گیرد.

جلسه شورای فرماندهان در ۶۱/۱۰/۲۲

جلسه در ساعت ۹/۳۰ صبح در قرارگاه کربلا با شرکت فرماندهان نظامی و سپاه قرارگاه‌های عمده و افسران ستاد آنان تشکیل گردید و از سپاه پاسداران برادر شمخانی به جای فرمانده سپاه شرکت کرده بود. خلاصه اهم مذاکرات در این جلسه بشرح زیر بود.

مشکلات قرارگاه نجف که عنوان گردید، عبارت بودند از: عدم تکمیل جاده سازی، مشکلات عبور توپها و خودروهای سنگین، نداشتن نیروی احتیاط، کمبود نفر بر زرهی، پیچیدگی طرح مانور عملیات، حرکت خودروهای حامل مجروحین از جلو به عقب، مشکل سوخت رسانی، چگونگی استقرار ۸۰۰ دستگاه خود رو در یک منطقه مناسب که بتوان آنها را تا زمان حمله استتار کرد و حفظ نمود. و نیاز به عکس هوائی که تا ۴۸ ساعت قبل از آغاز عملیات می‌بایستی به طور متناوب تهیه شود.

قرار گاه نجف، باید حداقل دو محور موازی به عرض ۱۰ متر در اختیار داشته باشد که هم برای پیشروی به سمت جلو و هم تخلیه به سمت عقب مورد استفاده قرار گیرد. درباره طرح مانور و راه کار مناسب چنین به نظر می‌رسد که اگر قرار گاه نجف بتواند در یک شب به هدف اول خود برسد، قرار گاه کربلا در یک مرحله به هدف عمده اول (احتمالاً حلفائیه) می‌رسد. بنابراین قرار گاه نجف در شب اول تا کانال می‌رسد و در شب دوم از کانال عبور می‌کند. البته بایستی قبلاً یک تیپ کاملاً مکانیزه شود و این عملیات را در زمین مشابه تمرین نماید تا با محاسبه دقیق مشخص گردد، که آیا انجام این عملیات امکان پذیر است یا نه؟

تراکم حدود ۸۰۰ دستگاه خود رو چرخدار و شنی دار که در یک منطقه متمرکز می‌شوند حفاظت آنها و سوخت رسانی آنها نکات حساسی هستند. بهتر است در چند نقطه متفرق شوند و نقاط سوخت رسانی متعددی پیش بینی گردد.

مشکلات قرار گاه کربلا

تعداد پلهای تی ام ام (پل متحرک سوار بر خودرو)، تعداد نفر بره‌های مورد نیاز و نحوه کاربرد تیپهای زرهی لشکر ۱۶ زرهی.

سرهنگ صیاد شیرازی گفت: تصمیم گرفته ایم مشکلات را از نزدیک لمس کنیم و راه کار مناسب انتخاب نمائیم تا هر چه زودتر عملیات شروع شود. زیرادیروز هواپیمائی در فراز منطقه پرواز کرد. اول تصور شد که خودی است، بعد معلوم شد هواپیمای شناسائی دشمن بوده و احتمالاً از منطقه ما عکس برداری کرده است.

برادر بقائی (فرمانده سپاهی قرار گاه کربلا) گفت: در شناسائی منطقه چیلات متوجه شدیم که تعداد زیادی شیار وجود دارد که برای حرکت واحدهای کوچک مناسب است. مشکل اساسی فعالیت مهندسی (جاده سازی) است که مشغولند ولی پیشرفت آن کند است. نکته دیگر آمدن تیپهای فاطمه زهرا به منطقه و قرا رگرفتن آن در احتیاط است که تاکنون نیامده است. مشکل دیگر عدم تهیه عکس هوائی از منطقه دشمن است که تاکنون حل نشده است.

برادر همت گفت: اگر یک عکس هوایی هم بگیرند کافی است. برادر رشید گفت: دشمن برای روشن کردن منطقه از فیلر استفاده می کند. اگر برای نیروهای خودی نیز میسر باشد، کمک خوبی خواهد بود تا حداقل منطقه پل غزیه را روشن نماید (در هنگام ضرورت)

سرهنگ خلبان جعفری گفت: از نظر وسایل امکان پذیر است. اما مسئله پدافند هوایی دشمن را نیز باید در نظر گرفت. توضیح این که در باره کاربرد هواپیماهای عکاسی بین افسران نیروی هوایی و فرماندهان سپاه اختلاف نظر نسبتاً شدیدی وجود داشت، به نحوی که یکی از موضوعات مهم مباحثات در طول جلسات بعدی نیز همین مسئله گرفتن یا نگرفتن عکس هوایی از منطقه دشمن بود. حتی به صورت طنز شایع شده بود، حالا که هواپیماها نمی توانند در منطقه دشمن پرواز کنند، زیر پای کلاغها دوربین عکاسی ببندند و آنها را در منطقه دشمن به پرواز در آورند، تا برای نیروهای ما عکس بگیرند.

در پایان این جلسه برادر همت گفت: بسیار خوب مشکلات را متوجه شدیم، برای حل آن اقدام کنید. جاده می خواهیم، بکشید. عکس هوایی می خواهید، تهیه کنید. نفر بر می خواهیم، بدهید. بالاخره مشکلات را حل کنید، تا بیش از این، عملیات به تاخیر نیفتد. امروز از یگان های لشکر محمد رسول الله آمار گرفته شد، تعداد آن از ده هزار نفر بیشتر است. هر قدر تمرکزات بیشتر شود، طرح بیشتر به وسیله دشمن کشف می گردد. بنابراین اجرای عملیات را بیش از این به تاخیر نیندازید.

بعد از پایان جلسه عمومی، در ادامه آن، یک جلسه خصوصی با شرکت تعدادی از فرماندهان ارتشی و سپاهی رده بالاتر تشکیل شد. در این جلسه طرح کلی مانور بار دیگر مطرح گردید و برای قرارگاه کربلا و نجف همان طرح تهیه شده قبلی مجدداً مورد تأیید قرار گرفت. در باره یک تک فریبنده فرعی از محور چیلات مذاکره شد و هماهنگی گردید که ۴۸ ساعت قبل از آغاز حمله اصلی یک حمله فریبنده در منطقه چیلات اجرا گردد. مسئله دیگر که مورد بحث قرار گرفت، تامین نفربرهای مورد نیاز سپاه پاسداران بود. سرهنگ صیاد شیرازی گفت: تا حداکثر توانائی، از نفربرهای نیروی زمینی، در اختیار یگان های سپاه قرار داده می شود، ولی باید توجه داشت که اصولاً منطقی نیست همه امکانات یک واحد را که خود نیز می خواهد وارد عمل شود از او بگیرند و در اختیار یگان دیگر قرار دهند. بنابراین باید به فراهم کردن خودروهای تویوتا و کمپرسی بیشتر توجه شود و حتی الامکان از این نوع خودروها جمع آوری و در اختیار یگان های سپاه قرار گیرد.

در باره فعالیت جاده سازی، سرهنگ جانگذار افسر مهندس قرار گاه گفت: تمام امکانات ارتشی حدود ۲۰ دستگاه است و نماینده جهاد پیشنهاد کرد همه امکانات در اختیار جهاد قرار گیرد، تا با ۳

نوبت کار ۲۴ ساعته کار جاده سازی ادامه یابد. برادر جعفری فرمانده سپاهی قرارگاه نجف گفت: قسمت شمالی منطقه عملیات آن قرارگاه در کرانه دویرج و ارتفاعات حمرین مشکلات قابل ملاحظه‌ای در مقابل دارد، مسیر بسیار طولانی و حدود ۲۰ کیلومتر در زمینهای سخت و ذو عارضه است و نمی‌توان این مسافت را یک‌شبه طی کرد. زیرا استحکامات و مواضع دشمن قوی است و می‌تواند تلفات سنگینی به نیروهای ما وارد سازد. ۶ مانع طبیعی و مصنوعی در مسیر پیشروی نیروهای ما وجود دارد. به طور کلی در جناح راست خطر زیاد است. مگر این‌که نیروی کافی در اختیار باشد. در شناسائی منطقه، تا اول دشت خلف چشمه شناسائی شد. زمین سفت و محکم است و جاده سازی لازم ندارد. (برای خودروهای کمک دنده دار) مسئله مهم جاده سازی از منطقه رملی تا جنگل عمقر است و زمان زیادی لازم دارد. اگر فعالیت جاده سازی شدید باشد، حداقل یک‌هفته دیگر زمان لازم است.

از لحاظ توان رزمی نیز کمبود نیرو علاوه بر یگان احتیاط احساس می‌شود. خودروهای مورد نیاز برای تغییر مکان عده‌ها نیز مسئله‌ای است و حساب شده برای یگان‌های سپاه حدود ۴۱۲ دستگاه خودرو لازم است.

برادر همت گفت: برای حمله یگان، او ۲۰۰ دستگاه نفر بر نیاز دارد که ۷۰ دستگاه موجود است و اگر از یگان‌های ارتش ۱۳۰ دستگاه نفر بر به آن یگان واگذار شود، نیاز آن یگان تامین می‌گردد. در ادامه مباحثات، بار دیگر عکس هوایی مطرح شد. برادر حسن باقری گفت: منبع اطلاعات فقط عکس هوایی نیست و ما اکنون با استفاده از منابع اطلاعاتی دیگر وضعیت دشمن را بررسی می‌کنیم. برادر غلامپور، ضمن تأیید صحبت‌های برادر باقری گفت: اینطور نیست که اگر عکس هوایی فراهم نشود ما نمی‌توانیم عملیات را اجرا کنیم.

سرهنگ جانگداز (افسر مهندس) گفت: برای حرکت از روی رملها حدود ۱۱۰۰ قطعه ورق عاج دار فلزی داریم و می‌توانیم ۵۰۰ متر جاده درست کنیم. در پایان این جلسه برادر رشید گفت: نتیجه کلی مذاکرات این‌است که مشکلات اساسی ما در این عملیات فعالیت مهندسی، مکانیزه کردن یگانها، تهیه عکس هوایی و کمبود نیرو می‌باشد. بقیه مسائل در عملیات‌های گذشته نیز کم و بیش وجود داشت. یکی از شرکت کنندگان گفت: ما در عملیات گذشته هیچ‌وقت هدفی در عمق ۶۰ کیلومتری نداشتیم.

برادر رشید در ادامه سخنانش ادامه داد: درباره مشکل مهندسی تا جاده کشیده نشود نمی‌توانیم عملیات را شروع کنیم. به احتمال زیاد دشمن از منطقه تنگ ذلیجان عکس گرفته که اظهار کرده ما میخواهیم به حلفائیه حمله کنیم. با این وجود ما تصمیم داریم از همین جا حمله کنیم. در باره کمبود نیروی قرارگاه نجف، ما آنرا افزایش دادیم. اگر تیپ پیاده هوابرد و یک تیپ دیگر از عناصر سپاه در اختیار این قرارگاه قرار گیرد، این موضوع حل می‌شود.

جلسه شورای فرماندهان در ۶۱/۱۰/۲۴

در این جلسه طرح ما نور عملیات بار دیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و چنین تصمیم گرفته شده که عملیات مرحله بندی شود و در ۳ مرحله کلی اجرا گردد. مرحله اول پیشروی تا حلفائیه، مرحله دوم پیشروی تا العماره، مرحله سوم پیشروی تا علی غربی. منطقه عملیات قرار گاهها نیز تقریباً برابر طرح شماره یک والفجر مقدماتی و به ترتیب (از شمال به جنوب) قرارگاه فجر شامل: لشکر ۲۱ پیاده و لشکر فجر سپاه از شمال فکه تا چیلات و چنگوله، قرارگاه نجف از جنوب فکه تا پاسگاه مرزی رشیده و قرارگاه کربلا از پاسگاه رشیده تا تنگه جزابه تعیین گردید.

درباره استحکامات دشمن برآورد شد که دشمن در مسیر فکه حلفائیه ۷ کانال و در مسیر دیگر بنام خال ۳ کانال ایجاد کرده و لشکرهای یک مکانیزه ۳ و ۶ و ۱۰ زرهی ۱۴ پیاده را در منطقه شرقی عماره و علی غربی مستقر ساخته است.

برای حالت اضطراری در صورت به خطر افتادن یگان‌های حمله ور پیش بینی شد که سپاه ۳ صاحب الزمان جزو قرارگاه کربلا به نحوی وارد عمل شود که در صورت محاصره شدن یگان‌های حمله ور در مرحله اول حمله کند. و خط محاصره را بشکند و برای اجرای تلاش فریبنده فرعی در محور چیلات نیز سه تیپ اختصاص یافت.

این مذاکرات در جلسه تا ساعت ۳ بعداز ظهر آن روز ادامه یافت که موضوعات عمده مورد بحث: هدایت عملیات، مسئله جاده، نفر برهای مورد نیاز بود. سرهنگ صیاد شیرازی گفت: بایستی واقعیت‌های موجود را در نظر بگیریم و نفربر به قدر کافی نداریم کمبود آنها بایستی با استفاده از خودروهای کمپرسی که گنجایش بیش از نفر بر دارند جبران کرد.

نکته دیگری که مطرح شد، طرز ادغام تیپ های ارتشی با تیپ های سپاه به ویژه تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده بود. سرهنگ صیاد شیرازی در ادامه صحبت گفت: مسئله کنترل یگانها باید قبل از شروع عملیات با دقت فوق العاده حل شود و گرنه بعد از شروع عملیات چنانچه نظم واحدها به هم بخورد کنترل فرماندهان گردان امکان پذیر نخواهد شد. برای وصول به پل غزیه، محور چزابه حلفائیه را نیز باید به حساب آورد. ضمن این که احتمال تخریب آن پل توسط دشمن را نیز بایستی در بر آورد ها منظور کرد. دشمن ما خیلی احمق است اگر تا کنون نفهمیده باشد ما چه کار می خواهیم بکنیم. زیرا این همه گسترش ما آشکار است. ما باید هر چه زود تر آماده برای حمله شویم. برای عبور از کانال ها باید پل آماده شود برادر کاظمی گفت: پلکان پیش بینی شده که در هر معبر دو پلکان بر قرار شود افراد از یکی وارد شوند و از دیگری خارج گردند.

برادر غلام پور گفت: در منطقه عقب، تمرکز عده ها قدری زیاد است و نفرات در رفت و آمد مداوم هستند. که این موضوع منطقه عقب را در آستانه خطر قرار داده است و در جنگل عمقر نیز مشکل قبل از عملیات و بعد از عملیات وجود دارد. و هر قدر یگان بیشتری وارد این منطقه شود خطرات افزایش می یابد.

خلاصه مذاکرات جلسه شورای فرماندهان در مورخه ۶۱/۱۰/۲۶

جلسه در قرارگاه خاتم الانبیاء در ساعت ۱۷:۳۰ با حضور فرماندهان نظامی تشکیل شد. در این جلسه ابتدا مسائل عمومی یگانهای نظامی شرکت کننده در عملیات مانند تعویض و جابه جایی و تهیه مهمات مطرح گردید. بعد سرهنگ جمشیدی (فرمانده نظامی قرارگاه نجف) در باره طرح عمومی قرارگاه نجف گفت: وضعیت تیپ ۱ خوب است. گردان توپخانه ۱۱ قبضه توپ حاضر به کار دارد و فرمانده گردان قول داده بقیه توپها را نیز قبل از شروع عملیات آماده سازد. تیپ ۵۸ پیاده که از شاخه رمیم رود خانه کرخه تا تپه سبز گسترش پدافندی دارد، با لشکر ۵ نصر سپاه ادغام می شود، و در جنوب فکه وارد عمل می گردد. یک تیپ خط شکن و به دنباله آن یک تیپ دیگر پیش روی می کنند و تا سه راهی جاده تا حوالی پاسگاه دویرج پیش می روند. و کانال را قطع می کنند در این مرحله تیپ ۵۸ عمل کننده است. تیپهای ۳ و ۱ زرهی به عنوان قسمتی از قرارگاه نجف ۱ با دو تیپ سپاه خط را می شکنند و تا جاده شنی آخر کانال پیش می روند. بعد لشکر حضرت رسول با تیپ ۳ ادغام می شود و از تیپ عمار عبور از

خط می کند. در این مرحله تیپ ۳ زرهی با تیپ ابوذر سپاه ادغام می شود و از جاده شنی عبور می کنند و تا جاده آسفالت پیش روی می نمایند. اگر لشکر نصر نتواند ماموریت خود را اجرا، کند این تیپ باید در کنار جاده متوقف شده و پدافند نماید.

تیپ ۱ زرهی (لشکر ۱۶) با دو تیپ سپاه ادغام می شود. محاسبه کردیم هر تیپ چند دستگاه خودرو می خواهد. در این محاسبه هر گردان سپاه را ۳۰۰ نفر منظور کردیم. ولی برادر رشید _ اعتراض کرد و گفت: هر تیپ سپاه ۵ گردان و هر گردان ۴۵۰ نفر پرسنل دارد. فرمانده لشکر نصر می گفت: هنوز آمادگی کامل ندارد، خودرو مورد نیاز به او واگذار نشده، نیروهای او تا زه به منطقه رسیده اند و افراد کادر (منظور سپاهی آموزش دیده و با تجربه برای مشاغل فرماندهی) ندارد.

برادر جعفری به فرمانده لشکر نصر گفت: باید خودتان کمبودها را برطرف سازید. در پاسخ، فرمانده لشکر نصر گفت: به هر حال قرارگاه نجف باید ما را پشتیبانی کند. ما هنوز فرمانده گردان ورزیده نداریم. آنها تازه آمده اند و هنوز با افراد آشنا نشده اند. سرهنگ صیاد شیرازی با قطع کردن صحبت های سرهنگ جمشیدی گفت: فعلا جای این گونه صحبت ها نیست. سرهنگ جمشیدی در ادامه صحبت گفت: به علت کمبود خودرو تصمیم گرفتیم فعلا تا سه راهی بندبزرگان نرویم. با این امر دو تیپ از نیازمندی ها کم می شود. مسئله دیگر وجود تعداد زیاد خودرو در منطقه تجمع است. حساب کردیم طول ستون این خودروها با احتساب ۲۰ متری فاصله بین دو خودرو حدود ۲۲ کیلو متر می شود. قرار شده است حداقل دو منطقه پراکندگی برای خودروها انتخاب شود.

_سرهنگ صیاد شیرازی از روش تجزیه و تحلیل دقیق عملیات اظهاررضایت کرد، گفت: ما نمی خواهیم شانسی وارد عمل شویم. نهایت توکل را به الطاف خداوند داریم، اما با تفکر و تعقل کار می کنیم. چنین به نظر می رسد که قرارگاه نجف هنوز آمادگی لازم را برای شروع عملیات ندارد. درباره وضع جاده سرهنگ جمشیدی گفت: حداقل یک هفته دیگر کار دارد. از سایت تا بیت شایه، جهاد تبریز کار می کند که حدود ۸۰۰متر آن رملی است. کار به سستی پیش می رود این جاده حداقل ۱۰ روز دیگر زمان لازم دارد.

این جلسه بعد از ادای نماز مغرب ادامه یافت. سرهنگ صیاد شیرازی گفت: از نظر ما باید تلاش کنیم کارها بیش از ۵ روز به دارازا نکشد.

__ سرهنگ دژکام فرمانده نظامی قرارگاه کربلا درباره وضعیت آن قرار گاه گفت: اشکال مهمی ندارد. تیپ ۸۴ در احتیاط منظور شده و درباره یگان سپاه که بایستی با این تیپ ادغام شود، هنوز فرمانده سپاهی تصمیم نگرفته است. اشکال عمده کمبود وسایل ترابری و جاده است. محاسبه شده از جاده چزابه تا تنگ زلیجان ۶ کیلومتر منطقه رملی است. اگر از جاده عمقر به چزابه راهپیمائی شود، باید جاده احداث گردد از آن عبور شود. در غیر این صورت بایستی از مسیر بستان چزابه یا عبدالخان زلیجان استفاده شود. برای تیپهای ۳ و ۳۷ زرهی هنوز جاده آماده نشده است. بعد سرهنگ دژکام درباره روش ادغام گردانهای ارتشی با تیپهای سپاه مطالبی گفت و سرهنگ صیاد شیرازی اظهار کرد که توافق شده بود یگانهای ارتشی در سطح تیپ باقی بمانند. سرهنگ دژکام در ادامه صحبت درباره بعضی از نا هماهنگی ها با برادران سپاه اظهار گله کرد. از جمله گفت: رئیس رکن ۳ تیپ ۸۴ برای دریافت بعضی از نظریات سپاه به فرمانده لشکری از عناصر سپاه مراجعه کرده ولی آن فرمانده لشکر حتی حاضر نشده است با او ملاقات کند. در این جلسه بعضی از مسائل ویژه یگانهای ارتشی نیز مطرح شد که از جمله مسائل تدارکاتی و پلهای مورد نیاز برای عبور از کانالهای دشمن، وسایل ارتباط و مخابرات، مهندسی، و غیره بود.

__ سرهنگ ممقانی افسر اطلاعات قرارگاه کربلا درباره پل حلفائیه گفت: این پل حدود ۱۲۰ متر طول دارد. اما فقط در زمان خشک بودن منطقه قابل اعتماد است. اگر بارندگی شود و آب هور بالا بیاید قابل اطمینان نیست. درباره آخرین وضع جاده ها گفته شد، فقط جاده زلیجان به چزابه که ۶ کیلو متر است ساخته شده و بقیه ناتمام است، که حدود ۲۴ کیلو متر تا چزابه طول دارد. البته فقط حدود ۶ کیلو متر آن غیر قابل عبور است و بقیه قابل عبور می باشد.

__ درباره یگانهای هوا نیروز مذاکره و گفته شد که ۳ گروه از اصفهان و کرمان و مسجد سلیمان به منطقه ذلیجان آمده اند و مشغول بررسیهای مقدماتی هستند.

__ مسئله عکس هوایی هم تا حدودی حل شد و سرهنگ داد پی افسر هوایی گفت: امکانات عکسبرداری فراهم شده است.

__ سرهنگ ممقانی درباره فعالیت دشمن گفت: "اخیرا" اقدامات جابجایی یگان ها و فعالیت شناسائی و عکس برداری دشمن شدیدتر شده است. دیروز ۵ نفر از افراد ما را به اسارت گرفته اند. توضیح آن که اسارت این ۵ نفر سبب نگرانیهای شد، زیرا آنان از افراد نسبتا مسئول سپاه بودند. سرهنگ جمشیدی گفت:

احتمالاً " در منطقه ذیلمه (یا دیلمه) اسیر شده اند. سرهنگ شیرازی ناراحت شد و گفت خیلی بد شد . سپس سرهنگ سلیمانجاده معاون لشکر ۲۱، اطلاعات کلی در باره منطقه چیلان ارائه نمود .

جلسه مشترک فرماندهان ارتش و سپاه در ۲۶/۱۰/۶۱

در ساعت ۲۱/۰۰ جلسه مشترک با حضور فرماندهان رده بالا ی یگانهای ارتش و سپاه در قرارگاه خاتم الانبیاء تشکیل شد.

بعد از افتتاح جلسه به وسیله سرهنگ صیاد شیرازی، برادر بقائی فرمانده سپاهی قرارگاه کربلا آغاز سخن کرد و اظهار داشت: اقدامات آمادگی به نتایج مطلوبی رسیده و حدود ۹۰٪ مشکلات حل شده است. مسائل باقی مانده عبارتند از: کمبود عنصر مکانیزه، عدم عکس هوایی از منطقه دشمن ، و مشکلات مهندسی و تشکیل پست امداد پزشکی در جنگل عمق می باشد. درباره منطقه چیلان به علت بعد مسافت، هنوز اطلاعات کافی به دست نیآورده ایم. منطقه غرب دهلران ۴ بار بوسیله هواپیما های دشمن بمباران شده است.

_ برادر جعفری فرمانده سپاهی قرارگاه نجف اظهار داشت: مهمترین موضوع باقی مانده تکمیل جاده است. جاده تا بیت شایه رسیده و تا پل امتداد یافته ، کمبود کمپرسی محسوس است و اگر یکصد دستگاه کمپرسی باشد، تکمیل جاده تا ۴ روز دیگر پایان می یابد. زمان حمل نفرهای زرهی از منطقه داخلی به منطقه عملیات هنوز مشخص نیست. مسائل دیگر مانند آمادگی لشکر نصر ، کمبود وسایل شنی دار، آماده شدن بیمارستان ها ، نیامدن یک واحد کاتیوشا از غرب ، کمبود پل متحرک از جمله مشکلات حل نشده می باشد. برادر جعفری در ادامه سخنانش گفت: عملیات دارد کشف می شود. بنابراین هر چه زود تر باید شروع گردد. با توکل به خدا مشکلات حل می شود.

بعد از صحبت های برادر جعفری، مسائلی درباره تمرین عملیات در زمین مشابه و تغییر مکان و تعویض عده ها و ادغام یگانهای ارتشی و سپاهی مورد مذاکره قرار گرفت. همچنین مسئله عکس برداری هوایی و اختلاف نظر نیروی هوایی و سپاه درباره آن مطرح گردید. بعد برادر قربانی که تازه از شناسائی منطقه چیلان مراجعه کرده بود، مشاهدات خود را بیان کرد. و اظهار داشت که از چیلان تا پاسگاه ابو غریب (غرب چم هندی) حدود ۴۰ کیلو متر فاصله دارد و جاده سازی بسیار مشکل است. اما برای رسیدن به جاده آسفالته عراق دو معبر وجود

دارد که عملیات را مقدور می‌سازد. در نظر گرفته شده تیپ ۳۳ المهدی با تیپ ۳ لشکر ۲۱ پیاده در آن منطقه وارد عمل شوند. دشمن امروز ۵ بار دهلران را بمباران کرد. منطقه عملیات چیلات حدود ۲۰ کیلو متر عرض دارد که بجز یک تپه رملی بقیه دشت صاف است و ۲ تیپ برای آن منطقه بسیار کم است. سرهنگ سلیمان نجاه گفت: از نظر کلی میتوان در چیلات وارد عمل شد اما محور مواصلاتی که یک معبر اجباری است، برای این عملیات کافی نیست. بعد از مذاکرات تاکتیکی و تکنیکی که در این جلسه بین فرماندهان به عمل آمد، برادر شمشانی قائم مقام سپاه پاسداران (در آن موقع) مطالبی درباره جنبه های سیاسی داخلی و خارجی بیان کرد که خلاصه به شرح زیر بود:

((با توجه به مسائل جهانی باید تکلیف العماره را روشن سازیم. یا با جنگ به صلح برسیم یا به جنگ ادامه دهیم. اگر بخواهیم صلح کنیم، چه نوع صلحی را باید بپذیریم، صلحی که حرکت انقلاب و حرکت اسلام را در منطقه کور نکند. شرایطی را که در سخت‌ترین شرایط اعلام کردیم مبنی بر پرداخت غرامت و تنبیه متجاوز باید عملی شود. اما آمریکا و حکومت‌های مرتجع منطقه حاضر به قبول آنها نیستند. آنها صلحی را می‌خواهند تحمیل کنند که ۴۵ هزار اسیر عراقی (در هنگام آن عملیات) آزاد شوند و ارتش عراق دوباره بازسازی شود. اگر صلح را بپذیریم آتش نیروهای عراقی بار دیگر بر سر هموطنان ما خواهد ریخت. مردم می‌گویند ما این همه شهید و معلول دادیم تا کربلا را زیارت کنیم. اگر میسر نشود چه پاسخی می‌توانیم به مردم بدهیم. امام ۲ سال پیش، آزادی قدس را وعده دادند و بعد از حمله اسرائیل به لبنان فرمودند، راه قدس از کربلا می‌گذرد. اگر صلح کنیم همه امکانات موجود از بین می‌روند. ما معتقدیم باید از مظلومین دفاع کنیم. اگر صلح کنیم تکلیف آنها چه می‌شود. اگر همه این مسائل را در نظر بگیریم نتیجه خواهیم گرفت که جز ادامه جنگ راهی وجود ندارد. شرق و غرب اعتقاد دارد اگر از عراق پشتیبانی کنند، ایران در جنگ فرسایشی موفق نخواهد شد و برای این منظور مدرن‌ترین سلاح و تجهیزات را در اختیار عراق قرار داده‌اند. شوروی هم مایل است صدام بماند. اما در عین حال معتقد است ایران نیز باید از نفوذ آمریکا خارج بماند.

اکنون روز ۲۲ بهمن ماه (روز پیروزی انقلاب اسلامی) و همچنین تشکیل هفتمین کنفرانس کشور های غیر متعهد نزدیک است و گویا قرار است جنگ ایران و عراق در آن مطرح شود. اگر ما پیروزی جدیدی به دست نیاوریم، در این مذاکرات قدرت مانور سیاسی قوی نخواهیم داشت. بنابراین ما باید دقیق عمل کنیم و پیروز شویم. با این پیروزی صدام و پشتیبانهای او به ویژه در عربستان سعودی را در

موقعیت ضعف قرار دهیم. به یاری پروردگار باید سریع و قاطع عمل کنیم و منتظر تکمیل وسائل جزئی نباشیم. باید ابزار و اسباب تبلیغاتی آمریکا را از کار بیاندازیم و حمایت کویت و عربستان را از صدام قطع کنیم. دنیا به نفع صدام و بر علیه ما تبلیغات وسیعی انجام می دهد، ما باید همه را خنثی سازیم. برای رسیدن به این هدف حساس نباید مسائل کوچک مانند به اسارت رفتن ۵ نفر سبب ایجاد شک و تردید در ما باشد و بگوئیم همه عملیات به وسیله دشمن کشف شده است. این خود به نفع دستگاه های تبلیغاتی دشمن است. ما باید تلاش کنیم سریع عمل کرده و پیروز شویم و گر نه بهمن ماه که ماه مناسبی برای اجرای عملیات است، سپری خواهد شد. هر چند که خداوند حلال مشکلات است.))

ادامه جلسه مورخ ۶۱/۱۰/۲۶

در ساعت ۲۳/۵۵ بار دیگر جلسه مشورتی فرماندهی تشکیل شد. سرهنگ صیاد شیرازی بعد از افتتاح جلسه گفت: ترتیبی داده شده که ۱۳۰ دستگاه نفربر از لشکر های زرهی (۸۱،۸۸،۹۲،۱۶) گرفته شود و در اختیار یگانهای سپاه قرار گیرد. با هماهنگی با وزیر سپاه قرار شد، سریعاً برای حمل این نفر برها تریلر فراهم گردد. حداقل یک هفته برای این کار وقت لازم است. درباره مهمات سرهنگ صیاد شیرازی گفت: ۲۰ هزار گلوله توپ خریداری شده از خارج به بنادر ایران رسیده و در حال حمل به منطقه دزفول است.

در این جلسه مسائل لجستیک مطرح گردید و تا حدودی حل شد.

برادر رحیم صفوی درباره طرح مانور گفت: باید طرح، حداکثر قابلیت انعطاف را داشته

باشد.

در پایان این جلسه، مسائلی درباره نحوه تبلیغات جهانی و توجیه دلایل وارد شدن نیروهای ایران به داخل خاک عراق مطرح گردید. برادر شمخانی گفت: بعد از عملیات رمضان این موضوع حل شده است. سپس اقدامات بعد از عملیات در صورت پیروزی این نبرد مورد گفت و گو مختصر قرار گرفت. شهرهای مندلی و بعقوبه عراق به عنوان هد فهایی احتمالی بعدی مطرح شد و نتیجه نهائی گفت و گو این بود که چنانچه نیروهای ما در این نبرد تا علی غربی برسند، سازمان ارتش عراق به کلی متلاشی می گردد و امکان اجرای عملیات بعدی برای نیروهای ما فراهم تر می شود. اما نکته قابل توجهی هم در پایان یادداشتهای این جلسه به چشم می

خورد و آن این است که سرهنگ صیاد شیرازی گفته است "مهمات ما تا سطح تیپ خوبست ولی از تیپ به بعد باید از دشمن به غنیمت بگیریم." جلسه با گفتارهای احساسی درباره هدفهای دور برد استراتژیکی، امثال سقوط بصره و بغداد پایان یافت.

جلسه مشورتی فرماندهان در مورخ ۶۱/۱۰/۲۷

سرهنگ صیاد شیرازی جلسه را با نام خدا و دعای فرج افتتاح کرد و گفت: بحث امروز درباره دو مسئله اساسی است.

(۱) ماموریت و امکانات (۲) نیازمند یها .

هدف اصلی در این عملیات شهر العماره است. نیروهای دشمن در این منطقه، عناصر لشکر ۱۴ پیاده و قسمتی از لشکر ۱ مکانیزه است. اگر این عناصر دشمن منهدم شوند، ضربه سختی به دشمن وارد می‌گردد. ما نیرو به اندازه کافی داریم و می‌توانیم جنگ را با نیروی تازه نفس ادامه دهیم. اگر در شب اول، تک موفقیت آمیز باشد و نیروهای ما به حلفائیه برسند، نشان آن است که جنگ را در شب بعد می‌توانیم ادامه دهیم .

ماموریت مخصوص زمانی است که حلفائیه گرفته شود و ۳ لشکر با آرایش به طرف عماره پیش روی کنند. هدف اصلی، فرودگاه نزدیک عماره است. مرکز قرارگاه سپاه ۴ عراق در آن مستقر است. سیستم کنترل عراق کلاسیک است در حالی که سیستم کنترل ما آن طور نیست و بستگی به عملیات واحدهای بسیج دارد. لذا واحدهای عراق از مرکز سپاه ۴ کنترل می‌شود و چنانچه ما در این سیستم اختلال به وجود آوریم و مرکز سپاه را منهدم کنیم، در وضعیت واحدهای عراق اختلال ایجاد می‌شود و می‌توان تبلیغ کرد که عماره سقوط کرده است. بنابراین انهدام قرارگاه سپاه ۴ عراق بسیار مهم است و این ماموریت به عهده یگان هوا نیروز خواهد بود که صبح زود بعد از شروع حمله به محض روشن شدن هوا با چند فروند هلیکوپتر به قرارگاه سپاه ۴ حمله کند و آن را منهدم سازد. اگر هنگام رفتن به سمت هدف موفق شوند و هدف را بزنند، در برگشتن هر گونه خطری را قبول کنیم ارزش دارد. بلافاصله بعد نیروی هوایی وارد عمل می‌شود و با هر تعداد هواپیما که مقدور باشد هدف را مورد حمله قرار می‌دهد.

سرهنگ دادپی افسر نیروی هوایی گفت: نکته مهم برای نیروی هوایی اینست که هدف زده شود. بعد هرچه می خواهد پیش آید و اگر نتواند هدف را بزند و پیش آمد سوئی پیش آید اشکال دارد.

_ سرهنگ صیاد شیرازی گفت: به هر حال هدف ما انهدام قرارگاه سپاه ۴ عراق است، به هر قیمتی که باشد. بقیه به دست خدا است. ادامه این جلسه به بحث درباره مشکلات انجام ماموریت یاد شده برای یگان هوانیروز و نیروی هوایی اختصاص یافت.

جلسه مشورتی شبانه در قرارگاه خاتم الانبیاء(ص)

در ساعت ۲۱/۳۰ روز ۶۱/۱۰/۲۷ جلسه شورای فرماندهان نظامی بار دیگر تشکیل شد .

سرهنگ صیاد شیرازی بعد از افتتاح جلسه گفت: بررسی مسائل اجرایی طرح عملیات ومشکلات آن را ادامه می دهیم.

درباره طرح مانور در منطقه رملی، بررسی دقیق تری به عمل آید و نتیجه در جلسه مشترک با فرماندهان سپاه پاسداران مطرح گردد و اضافه کرد ، باید بررسی را آنقدر ادامه دهیم تا راهکار موفقیت آمیز پیدا کنیم. زیرا نتیجه این عملیات از اهمیت ویژه برخوردار است. اگر موفق نشویم اثر نا مطلوبی به بار خواهد آمد. زیرا یکی از گسترده ترین عملیاتی است که اجرا می کنیم. ما در عملیات رمضان روی این مسائل کار نکردیم و گفتیم که یگانهای قرارگاه فجر با هم پیشروی خواهند کرد (البته نتوانستند این چنین عمل کنند)

سرهنگ موسوی قویدل گفت: در آن عملیات تا حدودی دچار غرور شده بودیم . سرهنگ صیاد شیرازی به سخن ادامه داد و گفت: تا من خودم از نزدیک حرکت روی رملها را نبینم نمی توانم به خودم بقبولانم که برای حمله آماده ایم. البته اگر دشمن تقویت شود برای ما چندان مهم نیست. حال راجع به طرح مانور بررسی کنیم.

سرهنگ موسوی قویدل گفت: در بررسی های قبلی پیشنهاد شد، ارتش نقش اصلی را در هدایت عملیات داشته باشد، ولی اکنون نیروهای سپاه و بسیج خیلی بیشتر است و ارتش نمی تواند در هدایت عملیات نقش اصلی را ایفا نماید.

سرمایه گذاری خیلی شده حدود ۱۱ لشکر خودی، برای انهدام یک لشکر دشمن بسیج گشته، با این وجود میترسیم بروند و گرفتار شوند، هدایت عملیات مشکل است. ۱۱ لشکر

بریزند در یک میدان نبرد، اگر کنترل کافی روی آنها نباشد، با توجه به عمق ۴۰ کیلومتری منطقه نبرد و بدون مرحله بندی عملیات آن که عقب مانده با آن که جلو رفته نخواهد رسید. بدین جهت چنانچه یگانهای قرارگاه نجف موفق شوند، خط اول مقاومت دشمن را بشکنند نباید به پیشروی ادامه دهند. (احتمالا منظور آن بوده که تا عناصر قرارگاه کربلا نیز پیشروی کنند و به آن خط برسند)

سرهنگ حسنی سعدی گفت: دو حالت ممکن است پیش آید. حالت اول، آن که یگانها به هدف خود می رسند و حالت دوم آن که تا وسط منطقه نبرد بیشتر نتوانند جلو بروند. باید بررسی کنیم اگر این حالت پیش آمد و یگانها قفل شدند چه کار می توانیم بکنیم. حالت سوم نیز ممکن است پیش آید و آن این که اصولا یگانها خط اول را بشکنند و تا کانال پیش روند ولی در آنجا میخ کوب شوند (متوقف گردند) چه کار باید بکنیم (اتفاقا در عملیات همین وضع پیش آمد)

سرهنگ مفید افسر اطلاعات قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) گفت: دشمن دقیقا می داند از کجا حمله خواهیم کرد.

سرهنگ موسوی قویدل گفت: برادر محسن رضائی پیام فرستاده اند که هواپیمای دشمن واحدهای ما را به رگبار بسته اند. برای پوشش هوائی اقدام جدی به عمل آید. سرهنگ شیرازی گفت: در کمیسیون مشترک مطرح شود.

سرهنگ مفید افسر اطلاعات قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) بار دیگر روی کشف شدن طرح حمله به وسیله دشمن به ویژه با توجه به اسارت ۵ نفر از رزمندگان ما تاکید کرد و گفت: دشمن دقیقا آگاه شده که ما چه کار می خواهیم بکنیم و این بمبارانهای دشمن به همان علت است. سرهنگ صیاد شیرازی گفت: این گونه بمبارانها معمولا ایذایی است.

سرهنگ شاهان گفت: اگر ما در هنگام پیشروی در شب اول پشت کانال بمانیم و در مدت روز بعد همانجا متوقف باشیم، دشمن می تواند ضربات سنگینی به نیروهای ما وارد کند. بنابراین باید ترتیبی بدهیم که در حین حمله هر جا مجبور به توقف شدیم، سریعا مواضع پدافندی تعجیلی تهیه کنیم. و برای تک روزانه نیرو به پای کار بیاوریم و از تک شبانه استفاده از موفقیت کنیم و گرنه نیروهای عراق می توانند عکس العمل شدید نشان دهند. اما نیروهای ما در این صورت احتیاج به نیروی تازه نفس و آتش پشتیبانی قوی خواهند داشت. این موضوع

سبب بحث حاکی از نگرانی در فرماندهان شد و نتیجه آن بود که اجرای تک روزانه برای نیروهای ما تقریباً امکان پذیر نیست.

سرهنگ قویدل گفت: مأموریت اصلی قرارگاه نجف پوشش جناح راست قرارگاه کربلا است. چیزی که مهم است این که آن قرارگاه راه ورود دشمن به منطقه نبرد را ببندد. و دیگر آن که دشمن را منهدم نموده و آنرا باقی نگذارد. در سمت راست، رودخانه و کانال و موانع طبیعی وجود دارد (منظور شمال فکه) و کمک می کند، ولی در سمت چپ جنوب، عوارضی وجود ندارد. باید فکر کنیم که وسایل مهندسی را چگونه جلو ببریم. برادران سپاه می گویند، بلدوزرها را با تریلر به جلو می بریم. ولی آیا این کار در میدان نبرد امکان پذیر است؟ و اگر بلدوزرها با راهپیمایی به منطقه بروند، هنگامی به محل‌های مورد نظر می رسند که دیگر مورد نیاز نخواهد بود.

حسنى سعدى: مگر بولدوزر می تواند ۵۰ کیلومتر راه برود. ما اصلاً نمی توانیم به آن خاکریزها متکی شویم.

سرهنگ شاهان درباره نقاط برجسته و ضعف نیروهای ما گفت: نقطه برجسته ما عملیات شبانه است. در حالی که نقطه ضعف ما عملیات روزانه است. با توجه به این که نیروهای عراق سمت حمله ما را می دانند، جلوی نیروهای ما را خواهند گرفت. ما باید به هر مقدار ممکن در روز نیز به تلاش آفندی ادامه دهیم، حتی اگر تظاهر به تک کنیم.

سرهنگ محمد زاده مشکلات حمله روزانه را با توجه به برتری هوایی دشمن بیان کرد و سرهنگ صیاد شیرازی گفت: به هر حال ما به هیچ وجه در روز نایستی حمله کنیم. مخصوصاً یگانی که در شب قبل حمله کرده، نمی تواند در روز به حمله ادامه دهد. بنابر این احتمال دارد که تک محدود کنیم، چون تک روزانه و عملیات عبور از خط کار ساده ای نیست.

سرهنگ محمدزاده گفت: برادران سپاه می گویند که اگر به یک واحد بگوئیم در مرحله دوم وارد عمل شود، روحیه خود را از دست می دهد. خدا کند ناملایماتی پیش نیاید. زیرا در این صورت بکلی کنترل از بین خواهد رفت. مگر این که یک توقف کامل بکنیم و هدایت عملیات را به دقت تحت کنترل بیاوریم.

سرهنگ حسنى سعدى گفت: دیگر درباره اصل غافلگیری نباید مطلبی را مطرح کرد، زیرا چنین به نظر می رسد که دشمن به کلیات طرح حمله ما پی برده است.

سرهنگ محمدزاده بار دیگر درباره لزوم کنترل دقیق هدایت عملیات تاکید کرد. سرهنگ صیاد شیرازی نتیجه نهائی این مذاکرات را چنین جمع بندی کرد که کنترل مهمترین عامل است. برای امکان برقراری کنترل بایستی عملیات مرحله بندی شود و ماموریت یگانها در هر مرحله کاملاً مشخص گردد. به نحوی که پیشروی هماهنگ باشد و واحدی پیش از حد تعیین شده جلو نرود، تا مجبور شویم دستور بدهیم به عقب برگردد. نکته دیگر کنترل به وسیله زمان است. نظر به این که در تاریکی شب تشیخص عوارض زمین چندان ساده نیست، بایستی یک عامل کنترلی دیگر با تعیین مدت زمان پیشروی در نظر گرفت. به هر حال بهترین راهکار این است که در حمله شب اول همه یگانها فقط تا پشت کانال پیشروی کنند و بعد از وصول بان متوقف شوند و منطقه را پاکسازی کنند.

سرهنگ موسوی قویدل گفت: باید بپذیریم که یگانهایی که شب اول حمله کردند، به علت خستگی و بیخوابی نمی توانند شب دوم حمله را ادامه دهند. اما سرهنگ صیاد شیرازی این نکته را قبول نکرد و گفت: دشمن از ما خسته تر است، زیرا پرسنل ما از شوق و خوشحالی نمی خوابند، ولی دشمن از ترس و وحشت خوابش نمی برد و در ادامه سخنانش گفت: اگر عملیات متوقف گردید، باید تدابیر انهدام نیروی دشمن را بکار ببریم و از سه جهت بویژه از محور چیلات به نیروهای دشمن فشار وارد کنیم. نتیجه نهائی آن که عملیات در دو مرحله در دو شب متوالی انجام گیرد راه کار مناسبی به نظر می رسد.

در ادامه این جلسه تلاش هوائی دشمن مورد بررسی قرار گرفت و چنین نتیجه گیری شد که نیروی هوائی دشمن خیلی فعال شده و در هدفهای زمینی تلاش خود را متمرکز به تنگ چزابه و ایستگاههای رادار منطقه کرده و آسیبهای سختی نیز وارد نموده است. به نظر رسید که پوشش هوائی نیروهای ایران در بازداشتن حملات هوائی عراق موثر نبوده است.

ادامه آمادگی

با توجه به مطالبی که در جلسات شورای فرماندهان مطرح گردیده و اظهار نظرهایی که درباره آنها شده می توان نتیجه کلی چنین گفته شود که بیش از یکماه پس از صدور دستور عملیاتی هنوز درباره امکان موفقیت آن عملیات شک و تردید شدید و اختلاف نظر قابل ملاحظه وجود داشت. هنوز اولین نیازمندی سرنوشت ساز که جاده بوده احداث نشده بود و

سایر مشکلات حساس نیز در عمل حل نگردیده بود. تنها عاملی که سبب تصمیم قاطع بر اجرای این عملیات بود، روحیه مبارزه جوئی بسیار قوی رزمندگان سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی بود. این عامل تمام موانع و مشکلات موجود حقیقی یا تصویری را تحت الشعاع قرار داده بود. به حدی که هیچ‌گونه عامل بازدارنده ای نمی‌توانست در مقابل این اراده قاطع ایستادگی کند و مانع این عملیات گردد. قاطعیت تصمیم درباره اجرای این حمله به قدری قوی بود که لزوم اختفاء و پوشش آن در محافل داخلی و بین‌المللی به هیچ وجه احساس نمی‌شد و تمام محافل داخلی و خارجی از حمله وسیع قریب الوقوع نیروهای ایران در صحنه عملیات خوزستان و شرق عماره آگاه بودند. در این باره نامه ای از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به نیروی زمینی نوشته شده که بسیار جالب به نظر می‌رسد. متن این نامه که در ۲۱ دیماه نوشته شده چنین بوده است:

اکنون که خبر حمله بزرگ خانه به‌خانه، مغازه به مغازه در همه جا و در همه محافل گفته می‌شود و با این ترتیب هیچ بعید نیست حتی محافل جهانی هم پی برده باشند. خواهشمند است دستور فرمائید یک نسخه از طرح عملیاتی این حمله را که به نیروی هوائی نیز اعلام گردیده است، هر چه سریعتر به ستاد مشترک ارسال دارند که مورد بررسی و اظهار نظر قرار گیرد.

ستاد مشترک در همه حال از خدای بزرگ توفیق پیروزی نیروی زمینی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در شکست لشکریان صدام کافر مسئلت می‌نماید. امضاء سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد لازم به یادآوری است که اصولاً در جنگ تحمیلی ستاد مشترک از نظر اداره عملیات جنگ نقشی را ایفا نمی‌کرد. ستاد نیروی زمینی در تاریخ ۲۵ دیماه یک نسخه از طرح اصلی را برای ستاد مشترک فرستاد: این طرح مورد بررسی افسران ستاد مشترک قرار گرفت و نواقصی به نظر رسید که به نیروی زمینی اعلام شد و سبب مکاتباتی گردید که حاکی از عدم هماهنگی کلی بین این دو ستاد بود. از بازگو کردن تمام آن مطالب به‌منظور اختصار خودداری گردید. ولی بیان قسمتی از آن ضروری به نظر می‌رسد. رئیس ستاد مشترک در ۲۶ دیماه بعد از بررسی کامل طرح عملیاتی نظریات کلی خود را که در حقیقت مخالفت با آن طرح بود، به نیروی زمینی اعلام کرد. خلاصه آن به شرح زیر بود:

جمع آوری همه امکانات موجود در یک منطقه نبرد محدود به صلاح نمی‌باشد. مگر آن‌که به طور قطع و یقین سرنوشت جنگ در این نبرد تعیین گردد. بنابراین اگر برآورد شود که الزاماً در آینده بایستی نبردهای سرنوشت ساز تری اجرا گردد، توان رزمی ارتش باید حفظ شود و مداومت مبارزه امکان پذیر باشد. بنابراین چنانچه همه امکانات در نبرد مورد نظر مصرف شود، کار فردای دشمن و دشمنان مملکت و انقلاب ساده تر و آسانتر خواهد بود.

با فرض این‌که ارتش عراق در این نبرد شکست بخورد، قبول این‌که با وجود تمام امکانات و پشتیبانی‌هایی که برای دشمن وجود دارد، این شکست به عنوان شکست نهائی دشمن باشد، چندان منطقی نیست. بنابراین با فرض موفقیت این نبرد، لازم است برای ادامه مبارزه، نیروی کافی برای یگان‌های خودی موجود باشد. با فرض احتمال عدم موفقیت، اهمیت این موضوع قوی تر می‌گردد. بنابراین چنانچه به حکم اجبار اجرای این عملیات ضروری است، باید در قالب و برش تشکیلات قابل قبول در سیستم فرماندهی و عوامل اجرائی و تدارک کننده باشد والا این قبیل سازماندهی‌ها که تاکنون انجام شده نتایج مطلوب در برداشته است.

سرنوشت جنگ و سرنوشت مملکت در این جنگ فوق سرنوشت فرماندهی است. باید فقط به سرنوشت انقلاب و کشور اندیشید، جنگ فقط امروز نیست و عملیات فقط منحصر به این عملیاتی که در نظر است انجام شود نخواهد بود. امضاء سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد

در ۲۸ دیماه، ستاد مشترک در نامه دیگری از نیروی زمینی علت تغییر ناگهانی تیپهای سپاه پاسداران به رده لشکر را سؤال کرد و اظهار نظر نمود که چنانچه این تغییر نام متضمن در برگیری استعداد واقعی یگان مورد نیاز نباشد هیچ واقعیتی را در اصل و ماهیت موضوع دگرگون نخواهد کرد. و چنانچه صرفاً برای توجیه این مطلب باشد که تیپ استعداد موقتی سپاه است به لشکر تبدیل شود، تا یگان‌های نیروی زمینی در زیر امر آنها گذاشته شوند این امر ملاً یک اقدام مناسبی نخواهد بود.

در این مکاتبات نظر ستاد مشترک آن بود که افسری از ستاد خاتم الانبیاء به آن ستاد اعزام شود و حضوراً رئیس ستاد را توجیه نماید. ولی نیروی زمینی حاضر به این امر نشد و از ستاد مشترک خواست آن ستاد افسری به قرارگاه خاتم الانبیاء اعزام کند تا در محل توجیه شود. این نکات کوچک نشانه عدم هماهنگی کلی می‌باشد. ستاد مشترک نیز حاضر نشد افسری

بفرستد و در تاریخ ۲۹ دیماه در نامه دیگری نظرات خود را به نیروی زمینی اعلام کرد که خلاصه آن به شرح زیر می باشد.

نکات آشکار در سیستم فرماندهی که مشتمل برقرار گرفتن یگان‌های نیروی زمینی در کنترل عملیاتی یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است. این امر بوضوح سبب پائین آمدن کیفیت روحی رزمندگان نیروی زمینی خواهد بود. و منظور نمودن یگانها به صورت ارتش و سپاه نمیتواند دلیل موجهی برای قرار گرفتن یگان‌های نیروی زمینی در کنترل و تحت فرماندهی سپاه پاسداران داشته باشد. در این رابطه دو راه کار زیر توصیه میگردد.

(۱) راه کار ۱. فرماندهان نظامی از عناصر زمینی هم عرض و هم استعداد مشابه فرماندهی سپاه پاسداران تشکیل و یگان‌های نظامی در کنترل عملیاتی فرماندهی نظامی در منطقه مستقل و نیروهای سپاه پاسداران در کنترل عملیاتی فرماندهی سپاه در منطقه مستقل دیگر به صورت یگان‌های مجاور و هماهنگ عمل نمایند.

(۲) راه کار ۲. فرماندهی نظامی تشکیل و فرماندهی سپاه نیز تشکیل گردد بر حسب مورد و شرایط منطقه عملیات و دشمن عناصری یا یگانی از واحدهای نیروی زمینی در کنترل عملیاتی سپاه قرار گرفته و همچنین عناصری و یگانی از سپاه پاسداران در کنترل عملیاتی فرماندهان نظامی قرار گیرد و باز هم تحت فرماندهی فرماندهان نظامی و سپاه به صورت دو یگان مجاور مستقل و در نهایت در کنترل عملیاتی قرارگاه متشکله در عملیات شرکت نمایند.

نامه هائی که ستاد مشترک درباره عملیات والفجر مقدماتی به ستاد اصلی نیروی زمینی نوشت، بالاخره سبب گردید که ستاد نیروی زمینی پاسخ مناسبی بدهد و برای این منظور با کسب اجازه تلفنی از فرمانده نیروی زمینی، جلسه ای با حضور جانشین فرمانده نیرو و افسران ستاد در ستاد اصلی نیروی زمینی تشکیل شد. ضمن بررسی نامه‌های ستاد مشترک نظریاتی به منظور تهیه پاسخ تهیه گردید. این نظریات ابتدا برای اخذ نظر فرمانده نیروی زمینی به قرارگاه عملیات خاتم الانبیاء ارسال شد. این نامه نسبتاً طولانی حاوی ۱۲ ماده مطالب درباره مشخصات طرح عملیاتی والفجر مقدماتی بود که بعضی از مطالب آن جنبه انتقادی نیز داشت به عنوان مثال در ماده ۷ این نامه چنین آمده بود:

با توجه به اینکه بیاری خداوند بزرگ پس از موفقیت طرح حدود ۱۵۰ کیلومتر از خط تماس متکی به موانع طبیعی می‌شود و به نظر می‌رسد نیروهای عمل کننده قادر بحفظ مواضع و زمینهای متصرفی باشند. ضمن این‌که انشاءالله مردم مسلمان منطقه بهترین پشتیبان رزمندگان اسلام در منطقه خواهند بود.

با توجه به این‌که عموماً یگان‌های سپاه پاسداران و بسیج بعد از هر عملیات آفندی نگهداری منطقه را به عناصر نیروی زمینی واگذار می‌کردند و خود آن منطقه را به منظور اجرای عملیات آفندی دیگر رها می‌نمودند، طبعاً نگهداری مناطق جدید در خاک دشمن برای عناصر باقیمانده نیروی زمینی چندان امکان پذیر نمی‌توانست باشد.

به هر حال سرنوشت نهائی مکاتبات بین ستاد مشترک و نیروی زمینی آن شد که ستاد نیروی زمینی در ۴ بهمن ماه یک نامه طولانی که حالت توجیه اقدامات انجام شده و احترام به نظر ستاد مشترک را داشت به ستاد مشترک ارسال نمود که خلاصه آن به شرح زیر بود:

- ۱- منظور از اعزام افسر از ستاد مشترک به قرارگاه خاتم الانبیاء مشاهدات حضوری نماینده آن ستاد از تلاشهای عملیاتی بود.
- ۲- علت تاخیر ارسال طرح به آن ستاد آن بود که ریاست ستاد مشترک در جلسات شورای عالی دفاع در جریان کلیات قرار می‌گرفتند.
- ۳- درباره روش ادغام یگان‌های ارتش و سپاه با توجه به تجربیات عملیات‌های گذشته، مناسب ترین راه کار انتخاب گردیده است که مشابه همان راه کار دوم مورد نظر ستاد مشترک می‌باشد.
- ۴- علت انتخاب مانور رخنه ای این است که برآورد شده باید ضمن توجه به جناح شمالی منطقه نیروهای قوی دشمن در جبهه نابود شوند.
- ۵- مانور احاطه ای به علت وضعیت زمین منطقه عملیات و گسترش دشمن مناسب نیست.
- ۶- با اجرای عملیات پوشش و فریب، دشمن مجبور شده نیروهای خود را در تمام منطقه گسترش دهد و از تمرکز آن کاسته شود.

۷- با توجه به اینکه بیاری خداوند در صورت موفقیت این عملیات حدود ۱۵۰ کیلومتر از عرض منطقه متکی به موانع طبیعی خواهد بود (منظور رود خانه دجله) نگهداری منطقه امکان پذیر خواهد شد.

۸- با توجه به حملات گسترده هوایی دشمن، لازم است نیروی هوایی خودی پشتیبانی کافی از این عملیات به عمل آورد.

۹- امید است با توجه به شرایط منطقه و فعالیت مجلس اعلای اسلامی عراق، مشکلی برای نگهداری مناطق تصرف شده به وجود نیاید.

۱۰- آسیب پذیری ستونهای تدارکاتی متصور است. لکن مانع اجرای عملیات نمی تواند باشد.

۱۱- تدابیر کنترلی در طرح به نحوی انجام گرفته که مشکلی در هدایت عملیات به وجود نیاید.

۱۲- کلیه فرماندهان از توجیه ها و نظرات آن ستاد بهره برداری نموده و توفیق همگان را در جهت نیل به اهداف جمهوری اسلامی ایران از خداوند متعال آرزومندند امضاء سرهنگ صیاد شیرازی.

نیروی دریائی جمهوری اسلامی ایران نیز بعد از آگاهی از عملیات آینده نیروهای ایران، برآورد وضعیت کلی از عکس العمل احتمالی دشمن در آبهای خلیج فارس کرد و نظرات خود را به ستاد مشترک اعلام و درخواست نمود به علت این که با احتمال زیاد نیروی هوایی برتر عراق برای جبران ضعف خود در نبرد زمینی تلاش متقابل خود را در آبهای خلیج فارس به وسیله نیروی هوایی بکار خواهد برد زمان اجرای عملیات چند روز قبل به نیروی دریائی اعلام شود تا آن نیرو فرصت کافی برای تفرقه ناوها و اتخاذ تدابیر پدافندی داشته باشد.

در اوایل بهمن ماه با استفاده از اطلاعاتی که از نیروهای دشمن در دسترس بود وضعیت زمین منطقه عملیات واستعداد و گسترش نیروهای دشمن بار دیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. درباره وضعیت زمین نکته جدیدی مشاهده نشد (برحسب برآورد) و درباره استعداد و گسترش نیروهای دشمن نیز تغییرات محسوسی نسبت به برآورد اطلاعاتی شماره ۱۴ که در آذر ماه به عمل آمده بود، مشاهده نگردید. براساس برآورد جدید یگانهای گسترش یافته دشمن در مواضع پدافندی شامل لشکر ۱۰ زرهی، یک مکانیزه و ۱۴ پیاده بود که با تیپهای مستقل و

زیرا امر جمعا ۷ تیپ زرهی ۴ تیپ مکانیزه و ۲۵ تیپ پیاده و نیروی مخصوص می‌شدند. علاوه بر یگان‌های یاد شده، یگان‌های دیگری نیز در مناطق نزدیک و دور مستقر بودند که می‌توانستند یگان‌های خط مقدم عراق را تقویت نمایند. این یگانها عبارت بودند: عناصری از لشکرهای ۳ و ۶ زرهی و چند تیپ مستقل که جمعا شامل ۶ تیپ زرهی و ۳ تیپ مکانیزه و یک تیپ پیاده می‌گردید. بنابراین و در صورت صحت کافی این برآورد نیروهای عراق که در منطقه عملیاتی شرق عماره و علی غربی مستقر شده بودند حدود ۴ لشکر زرهی ۲ لشکر مکانیزه و ۳ لشکر پیاده بودند. در صورتی که جمع کل نیروهای ما یک لشکر زرهی، یک لشکر پیاده، یک تیپ مستقل زرهی و دو تیپ مستقل پیاده از عناصر نیروی زمینی و حدود ۱۱ لشکر اسمی از عناصر سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی بدون هر گونه یگان‌های پشتیبانی رزمی کافی بود.

باری روزهای بهمن ماه نیز به تدریج سپری می‌شد و دهه فجر انقلاب اسلامی فرا می‌رسید ولی هنوز مرحله آمادگی برای عملیات تکمیل نگردیده بود. این امر - طولانی شدن زمان آمادی - سبب نگرانی همه دست اندرکاران این عملیات گردیده بود. باید توجه داشت عملیاتی که بایستی با ۱۳ لشکر در یک منطقه عملیاتی صعب العبور و در مبارزه با بیش از ۱۰ لشکر کاملا مجهز و سازمان یافته دشمن انجام می‌گرفت، نیاز به چنان اقدامات آمادگی را داشت. اما به نظر می‌رسد، نحوه این اقدامات آنچنان مطلوب نبود که بتواند با حفظ اصل غافلگیری اجرا گردد. بویژه این که عمده قوای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، نیروی بسیج مردمی بودند. احضار و اعزام آنان به منطقه عملیات، سازماندهی، آموزش، تجهیز و آماده کردن آن برای شرکت در یک عملیات آنچنان وسیع و حساس کاری بس دشوار بود. تا حدی که می‌توان گفت، فقط عامل احساسات انقلابی اسلامی، انگیزه اصلی قبول چنین خطری می‌توانست باشد.

بالاخره چنین به نظر می‌رسد که از اوایل دهه دوم بهمن ماه اقدامات اجرائی عملیات آغاز شد و احتمالا عملیات پوشش و فریب که قرار بود با حملات فریبنده در منطقه چیلات با ۲ تیپ اجرا گردد انجام شد. زیرا در ۱۵ بهمن ماه قرارگاه خاتم الانبیاء اجرای آن عملیات را کافی اعلام کرد و دستور داد عملیات آفندی به هر نحو در منطقه چیلات متوقف گردد و در آن منطقه فقط عملیات غیر عامل پدافندی اجرا شود. هدف از این دستور آن بود که یگان‌هایی که

برای حمله در منطقه چیلان تعیین شده بودند از آن ماموریت رها کردند تا در صورت لزوم در منطقه اصلی عملیات آفندی که منطقه فکه چزابه بود وارد عمل شوند. همزمان با آن به تیپ ۵۵ پیاده هوابرد نیز دستور داده شد، در ۱۶ بهمن ماه از جوفیر در جنوب اهواز به منطقه عین خوش تغییر مکان نماید و در اختیار قرارگاه فجر قرار گیرد.

طبق مدارک در دسترس، اقدامات بالا آخرین اقدام نیروی زمینی قبل از شروع عملیات بود که با ابلاغ آن مرحله آمادگی ۷۵ روزه این عملیات پایان یافت و یگانها منتظر صدور فرمان حمله شدند.

قبل از پرداختن به بررسی چگونگی اجرای این نبرد به منظور روشن تر شدن وضعیت کلی یگان‌های خودی به برخی نکات دیگر اشاره می‌کنیم.

مهم‌ترین موضوع در سازمان دهی یگان‌های خودی، ادغام عناصر ارتش با عناصر سپاهی بود. از جمله این نوع ادغام، ترکیب لشکر ۱۶ زرهی ارتش با سپاه ۱۱ قدر سپاه پاسداران بود که مجموعاً قرارگاه نجف را تشکیل می‌داد. روش ترکیب ۲ تیپ لشکر ۱۶ با سپاه ۱۱ قدر بدین شرح بود که تیپ یک زرهی با لشکر عاشورا و تیپ ۳ زرهی با لشکر محمد رسول الله (ص) ادغام می‌شد و تیپ ۲ زرهی در زیر امر قرارگاه کربلا قرار می‌گرفت.

یگان‌های تیپ یک و ۳ زرهی بدین ترتیب با یگان‌های سپاه پاسداران ادغام می‌شدند. یک گردان تانک و یک گردان مکانیزه با تیپ یک لشکر عاشورا و مشابه آنها با تیپ ۹ لشکر عاشورا ادغام می‌شد. یک گردان مکانیزه از عناصر تیپ ۳ زرهی با تیپ عمار لشکر حضرت رسول (ص) و ۲ گردان سوار زرهی با تیپ ۲ سلمان و تیپ ابوذر همان لشکر ادغام می‌گردید. گردانهای ارتش ادغام شده با تیپهای در رده‌های پائین تر نیز با گردانهای سپاه ادغام می‌شدند. بنابراین اساس تیپهای ارتش بکلی شکل سازمانی خود را از دست می‌دادند و لشکر ۱۶ نیز یگان سازمانی ویژه ای در اختیار نداشت. عملاً یگان‌های ارتشی در یگان‌های سپاه تجزیه شده بودند و خاصیت وجودی یک واحد زرهی در سطح تیپ و لشکر را از دست داده بودند.

درباره تشکیل قرارگاههای موقت و هماهنگی فعالیت آنها با قرارگاههای رده بالاتر و پائین تر تا تاریخ هفتم دیماه تصمیم قاطع گرفته نشده بود. تا این که در آن تاریخ طی امریه ای که از قرارگاههای عمومی عملیات جنوب صادر شد، وظائف کلی قرارگاههای عملیاتی واسطه روشن گردید. براساس آن قرارگاه خاتم الانبیاء مسئول کلی طرحریزی و هدایت عملیات

منطقه عملیاتی غرب دزفول و شوش اعلام شد و قرارگاههای تابعه آن بنام کربلا، نجف، فجر تعیین گردید. قرارگاه قائم که قبلا وجود داشت جزو قرارگاه کربلا قرار گرفت. دستور داده شد نامه‌های صادره از قرارگاه‌های عملیاتی مشترک به‌امضای هر دو فرمانده ارتشی و سپاهی تهیه و ارسال گردد. براساس این دستور، قرارگاه مشترک نجف (لشکر ۱۶ زرهی و سپاه ۱۱ قدر) در تاریخ ۱۱ دیماه تشکیل و در حوالی چنانه مستقر شد.

با وجود این‌که از اوایل آذرماه، مقدمات طرح‌ریزی عملیات والفجر مقدماتی شروع شده بود، تا تاریخ ۱۳ دی‌ماه یعنی قریب ۴۵ روز بعد، هنوز وظائف و مسئولیت پدافندی یگان‌های درخط پدافندی مشخص نگردیده و سازمان دفاع منطقه روشن نشده بود. نظر به این‌که یگان‌های ارتشی شرکت کننده در این عملیات آفندی عموماً در خط پدافندی گسترش داشتند، برای آماده شدن جهت اجرای آفند باید تغییراتی در سازمان و گسترش یگانها داده می‌شد. این عمل تا اواسط دیماه ادامه یافت.

قرارگاه عملیاتی مشترک نجف یک منشعب از قرارگاه نجف در تاریخ ۱۴ دیماه در حوالی تپه رقابیه تشکیل و آغاز به کار کرد. این قرارگاه در تاریخ ۱۷ دی‌ماه نامه‌ای به‌قرارگاه نجف نوشت و در آن اظهار داشت که این قرارگاه تعداد ۱۰ تیپ عملیاتی (ارتش و سپاهی) را هدایت می‌کند. حداقل به ۷ گردان توپخانه ۱۰۵ و ۱۵۵ میلیمتری برای مأموریت کمک مستقیم تیپها و ۲ گردان ۱۳۰ میلیمتری برای پشتیبانی عمومی نیاز دارد. در این نامه اظهار نظر شد که گردانهای توپخانه کشتی نمی‌توانند در تپه‌های رملی حرکت کنند. بنابراین هنگامی که تیپ‌های حمله ور پیشروی کنند و از برد پشتیبانی توپخانه‌ها جلوتر بروند، از این پشتیبانی محروم خواهند شد. ضمناً به علت وسعت زیاد منطقه، تمام تیپ‌ها در خط حمله قرار خواهند گرفت که در این صورت بعضی از تیپها گردان توپخانه کمک مستقیم نخواهند داشت. با توجه به این امر عدم واگذاری توپخانه‌های ۱۳۰ میلیمتری برد بلند، سبب ایجاد مشکلاتی در پشتیبانی آتش تیپهای رزمنده خواهد شد.

در تاریخ ۱۸ دی‌ماه تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار، گزارش داد که عناصر گشتی اعزامی از آن تیپ که بنا به دستور قرارگاه نجف و هماهنگی فرمانده لشکر نصر سپاه پاسداران به منطقه جلو و شرق رودخانه دویرج اعزام گردیده بود، با دشمن درگیر شده و ۲ نفر از افراد گشتی شهید و ۲ نفر مفقود الاثر گردیده‌اند - احتمالاً اسیر شدند - جنازه شهداء به‌عقب تخلیه گردید. با توجه به این نامه، در شرق فکه هنوز قسمتی از مناطق اشغال شده ایران در کنترل نیروهای عراقی بود.

در تاریخ ۱۷ دی ماه قرارگاه عملیاتی فجر، شامل لشکر ۲۱ پیاده و سپاه ۳ صاحب الزمان، در سازمان پدافندی منطقه مربوطه در شمال فکه تا چنگوله تغییراتی داد و قسمتی از یگان‌های گسترش یافته را رها کرد و به عقب آورده، تا برای عملیات آفندی آماده سازد. در این موقع عناصر این قرارگاه عبارت بودند از: لشکر ۲۱ پیاده با ۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی ۲، گردان ژاندارمری، تیپ‌های ۳۳ المهدی و ۳۵ امام سجاد و تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی که بعداً در تاریخ ۲۹ دی ماه، این تیپ با تیپ ۳۷ مستقل زرهی تعویض شد و در اختیار قرارگاه نجف قرار گرفت.

در تاریخ ۲۷ دی ماه، تیپ زرهی رمضان احتمالاً از یگان‌های لشکر ۳۰ زرهی سپاه پاسداران، در کنترل عملیاتی قرارگاه نجف یک قرار گرفت. این تیپ قبلاً به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه نجف اشرف منظور شده بود.

در تاریخ ۲۲ دی ماه، طرح عملیاتی شماره یک مورد تأیید مجدد فرماندهی عملیات قرار گرفت و تصویب شد که همان طرح، با تغییراتی که در سازمان یگانها داده شده بود، در ساعت (س) روز (ر) به مرحله اجرا درآید. دو روز قبل از اجرای آن طرح، یک عملیات آفندی به صورت پوشش و فریب به وسیله قرارگاه فجر در منطقه عمومی چیلات اجرا گردد. در ابلاغ این دستور اضافه شده بود که به منظور مکانیزه کردن تعدادی از یگان‌های پیاده عمل کننده، نیروی زمینی از لشکرهای خارج از این منطقه نبرد، تعدادی نفربر زرهی دریافت و به یگان‌های مستقر در منطقه عملیات والفجر مقدماتی واگذار خواهد کرد. درباره تامین کمبود وسائل سنگین مهندسی اعلام شد که ۱۵ دستگاه از لشکرهای ۷۷ و ۹۲ گرفته می‌شود و ۶۰ دستگاه موجود در بندرعباس خریداری از خارج - به وسیله جهاد سازندگی به منطقه عملیات حمل می‌گردد. در مطالب قبل گفتیم که درباره روش ادغام یگان‌های ارتش و سپاه، بین ستاد مشترک و نیروی زمینی و سپاه، اختلاف نظر وجود داشت.

نظر به اینکه این مسائل به صورت کتبی درآمد و جنبه کاملاً رسمی پیدا کرد، این موضوع ایجاد حساسیت نمود. در نیروی زمینی تصمیم گرفته شد، کمیسیون مشترکی تشکیل شود و چگونگی ادغام عناصر ارتشی و سپاهی به طور دقیق بررسی گردد. طبق نامه ای که لشکر ۱۶ زرهی در تاریخ ۲۶ دی ماه به تیپ‌های تابعه نوشته، از آنها خواسته شده است که نظریات خودشان را تا ۳۰ دی ماه کتبا ارائه دهند تا از طریق نیروی زمینی در کمیسیون مورد نظر مطرح گردد.

در اواخر دی ماه لشکر ۱۶ زرهی از یگان‌های تابعه خواست آمار پرسنل و اقلام عمده تجهیزاتی را گزارش نمایند. پاسخی که تیپ‌های یک و ۳ زرهی داده اند نشانه بسیار بارزی از توان رزمی یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران قبل از عملیات و در نیمه اول سال سوم جنگ می‌باشد طبق آمارهای ارسالی وضعیت لجستیکی این تیپ‌ها به شرح زیر بوده است:

آمار خودروهای چرخدار شنی دار از تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی

توانک چیفتن	توانک اسکوربیون	نفر بر ام ۱۳	نفر بر شنی دار روسی	نفر بر بی ام یک	جرثقیل شنی‌دار	خودرو چرخدار
۲۱ دستگاه	۱۱ دستگاه	۱۶	۴	۱۲	۱۳	۳۵

آمار خودروهای چرخدار شنی دار یگان‌های تیپ یک لشکر زرهی

یگان	توانک چیفتن	نفر بر زرهی	خودرو چرخدار	پست فرماندهی و مهمات بر	توپ هوبنزر	آمبولانس
گردان ۲۰۱ تانک	۱۲	-	۱۹	۸	-	۳
گردان ۲۲۰ تانک	۱۱	-	۸	۸	-	۳
گردان ۱۸۵ مکانیزه	-	۲۲	۴۵	۶	-	۶
گردان ۱۷۶ مکانیزه	-	۱۰	۲۵	۸	-	۳
گردان ۳۲۱ توپخانه	-	-	۷	۱۷	۱۵	-

با توجه به آمارهای یاد شده در بالا، گردانهای تانک فقط حدود ۱۱ دستگاه تانک از ۵۳ دستگاه تانک سازمانی خود را داشتند. یعنی استعداد رزمی این گردانهای اصلی رزمی حدود ۲۰٪ بود. از نظر سایر اقلام عمده تجهیزاتی نیز به غیر از توپ، توان رزمی موجود کمتر از ۵۰٪ بود. در تأیید این کمبودها، در نامه دیگری که لشکر ۱۶ زرهی در تاریخ ۸ بهمن ماه ۱۳۶۱ به قرارگاه عملیاتی جنوب نوشته، اظهار داشته است. لازم است در شرایط اضطراری یک گروهان تانک جابجا شود. لذا خواسته است ۳ دستگاه تریلر تانک بر برای این منظور آماده باشد و با توجه به اینکه یک گروهان تانک ۱۷ دستگاه تانک سازمانی داشت، در خواست ۳ دستگاه تریلر به علت همان کمبود تانک بود. زیرا با احتساب ۱۱ دستگاه در گردان تعداد تانک هر گروهان ۳ یا ۴ دستگاه بیشتر نبود.

در تاریخ ۸ بهمن ماه، لشکر ۱۶ زرهی طی نامه ای به قرارگاه جنوب اظهار داشت که گردان ۳۰۱ توپخانه آن لشکر فقط ۲۰ گلوله روشن کننده در اختیار دارد. درخواست نمود

برای روشن کردن عملیات در هنگام شب و در مواقع ضروری، مقداری مهمات منور در اختیار آن گردان قرار گیرد. و این نکته مهم هم نمونه ای از وضعیت مهمات بود.

نکات نمونه ای که از وضعیت آمادگی رزمی یگان‌های ارتشی شرکت کننده در نبرد والفجر مقدماتی بیان گردید، نمایانگر وضعیت عمومی یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. همان‌گونه که در آمار لشکر ۱۶ زرهی مشاهده می‌شود، استعداد هر تیپ از یک گردان رزمی کمتر بود. یگان‌های سپاه پاسداران و بسیج مردمی نیز حداقل از نظر وسائل و تجهیزات عمده خیلی ضعیفتر از یگان‌های ارتشی بودند. بنابراین سازمانهای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از نظر برآورد نظامی و مقایسه با نیروهای عراق فقط حالت اسمی خود را داشتند و استعداد رزمی آنها خیلی کمتر از رده اسمی آنها بود. با این استعداد رزمی در مقابل ۲۷ تیپ کاملاً مجهز عراق آماده برای حمله می‌شدند. در چنین شرایطی انتظاری غیر از نتیجه ای که حاصل شده بود به دور از منطق نظامی می‌باشد.

هدایت عملیات والفجر مقدماتی

مرحله طرح‌ریزی و آمادگی عمومی برای عملیات والفجر مقدماتی که از اوایل آذرماه شروع شده بود، اوایل بهمن ماه به پایان رسید. ولی درباره جزئیات هنوز مشکلاتی حل نشده باقی مانده بود. از جمله آنها عدم تکمیل جاده‌های مواصلاتی، تهیه عکس هوایی، فراهم کردن تعدادی نفربر - حداقل به تعداد مورد نیاز - برای مکانیزه کردن تعدادی از یگانها و مسائل دیگر بود. اما قاطعیت تصمیم برای اجرای عملیات در دهه فجر - ۱۲ تا ۲۲ بهمن - آن‌چنان قوی بود که مشکلات و نارسائیهای موجود نمی‌توانست مانع اجرای این عملیات گردد. یک عامل مهم انسانی نیز در این امر تاثیر فراوانی داشت و آن وجود نیروهای بسیجی بود. افراد این نیروها معمولاً برای مدت ۳ ماه به صورت داوطلب وارد میدانهای کارزار می‌شدند و عملاً نیز به طور معمولی طاقت تحمل همین مدت را در جبهه‌ها داشتند. اگر مدت زمان طولانی‌تر می‌شد روحیه آنان نسبت به مدت زمان ۳ ماه معمول تضعیف می‌گردید. بنابراین فرماندهان یگان‌های سپاه پاسداران که نیروهای بسیجی را تحت فرماندهی خود داشتند، مجبور بودند در آن مدت ۳ ماه ماموریت‌های پیش‌بینی شده را طرح‌ریزی و اجرا نمایند و قبل از آنکه خستگی روانی بر افراد بسیج چیره شود، یک عملیات آفندی را انجام دهند. زیرا اصولاً عشق و علاقه افراد بسیجی برای عملیات آفندی بود و به طور کلی آمادگی روانی آنان برای عملیات پدافندی طولانی چندان قوی نبود. به همین جهت در طول مدت زمان جنگ ماموریت پدافندی عموماً به‌عهده یگان‌های ارتشی بود. این موضوع بویژه در سالهای اول جنگ حالت کلی داشت. ولی در سالهای بعد یگان‌های بسیجی در ماموریت‌های پدافندی نیز شرکت داده شدند.

با توجه به شرایط عمومی روانی نیروهای بسیج که بیان شد در صورتیکه تاخیر اجرای عملیات، بیش از حد معمول ۳ ماه به طول می‌انجامید، در توان رزمی نیروهای بسیج مردمی اثرات منفی برجای می‌نهد. بدین سبب فرماندهان یگان‌های سپاه پاسداران و بسیج مردمی اصرار می‌کردند، عملیاتی که طرح‌ریزی آن بیش از دو ماه به طول انجامید هر چه سریعتر به مرحله اجرا درآید لذا در اواسط بهمن ماه تصمیم قطعی برای اجرای عملیات گرفته شد. در ۱۵ بهمن ماه به منظور حصول اطمینان از آمادگی یگانها جهت شروع عملیات، از آنها خواسته شد آمادگی خود را کتبا اعلام نمایند. معمولاً در سیستم اداری و بویژه نظامی، اینگونه اقدامات بیشتر حالت مدرک گرفتن و احیاناً سلب مسئولیت از خود را دارد. به هر حال طبقاً با شرایط روانی که وجود داشت اکثریت قریب به اتفاق

فرماندهان اعلام آمادگی برای این عملیات نمودند. گرچه متأسفانه تمام مکاتبات انجام گرفته در مدارک در دسترس ثبت نگردیده، اما نمونه‌ها می‌توانند به طور نسبی بیانگر واقعیتها باشند. در پاسخ به نحوه آمادگی، توپخانه لشکری لشکر ۱۶ زرهی که در پشتیبانی قرارگاه عملیاتی نجف بود، در ۱۶ بهمن ضمن اعلام آمادگی اظهار داشت که فقط گردان ۳۹۴ توپخانه که در کمک مستقیم تیپ جواد الائمه قرار خواهد گرفت، هنوز به منطقه عملیات تغییر مکان نکرده است. این گردان با وسایل ترابری که فراهم شده - منظور تریلر برای حمل توپهای خودکشی - بعد از ظهر امروز تغییر مکان خواهد کرد. حال با توجه به اینکه این گردان طبق روش کار برد توپخانه باید منطقه را شناسائی می‌کرد، حتی طرح تیر توپخانه تهیه می‌نمود و هدفها را تعیین و مشخصات و مختصات آنها را معلوم می‌کرد، آیا این اعمال را انجام داده بود یا در مدت کوتاهی که برای شروع عملیات باقی مانده بود می‌توانست انجام دهد، مسئله‌ای است که فقط فرمانده آن گردان می‌توانست پاسخ دهد. نمونه دیگر نامه‌ای است که درباره رهائی گردان ۲۰۱ تانک لشکر ۱۶ زرهی از منطقه پدافندی در ۱۵ بهمن نوشته شده، این گردان بایستی در حمله با یگان‌های دیگر حمله ور سپاه شرکت می‌کرد، ولی تا ۱۵ بهمن هنوز در منطقه دیگری در خط پدافندی بود. در آن روز دستور داده شد از آن مأموریت رها گردد. نمونه دیگر آن که در ۱۶ بهمن ماه قرارگاه مشترک عملیاتی نجف یک طرح عملیاتی خود را با تغییراتی که در آن داده بود به نام طرح عملیاتی حمزه منتشر کرد. در همان روز همین قرارگاه به تیپهای یک و ۳ زرهی لشکر ۱۶ زرهی دستور داد، تعداد ۴ دستگاه نفر بر زرهی، ۴ دستگاه خودرو مهمات بر از عناصر سازمانی خود جدا نموده و در اختیار تیپ سید الشهداء سپاه پاسداران قرار دهند. با آن آمار که درباره آمادگی رزمی این تیپها ارائه شد معلوم است که این اقدام تا چه حد در کاهش بیش از بیش توان رزمی آنها موثر است.

نمونه دیگر در روز ۱۷ بهمن ماه - روز آغاز حمله - فرمانده عملیاتی لشکر ۱۶ زرهی - سرهنگ ستاد جمشیدی - از تیپ ۳ زرهی آن لشکر بازدید کرد، از جمله نواقص مهمی که مشاهده نمود، آن بود که تا ساعت ۱۰۰۰ آن روز، هنوز قرارگاه تاکتیکی آن تیپ در نزدیکی قرارگاه لشکر رسول الله (ص) که بایستی با آن همکاری کند دایر نشده بود. گردان کمک مستقیم تیپ در موضع آتش مستقر نگشته و تا ساعت ۱۳/۰۰ ارتباط تلفنی بین قرارگاه‌های اصلی برقرار نشده بود.

گرچه نواقص یاد شده بالا که به عنوان نمونه بیان گردید، آن چنان مهم نبودند که مانع عملیات یک نیروی چندین لشکری شوند. ولی مهم آن است که احتمالاً در یگان‌های دیگر

نواقص خیلی مهمتر از آنها وجود داشت که در مداراک ثبت نشده بود و ما قسمتی از آنها را در بیان خاطرات رزمندگان یادآوری کرده ایم.

بالاخره تصمیم نهائی برای ساعت و زمان حمله در ۱۷ بهمن ماه گرفته شد و قرارگاه خاتم الانبیاء - قرارگاه مشترک نیروی زمینی و سپاه پاسداران - پیام زیر را به تمام قرارگاههای اجرائی ابلاغ کرد.

ساعت (س) روز(ر) طرح عملیاتی شماره ۱ به شرح زیر تعیین و ابلاغ می‌گردد- دستور فرمائید وصول آنرا اعلام دارند

ولاحول ولاقوه الا بالله العلی العظیم

اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین

قدرت‌ری ما انا فیه ففرج عنی یا کریم

ساعت (س) ۳۰:۲۱، روز (ر) ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ رمز عملیات یا... یا... یا... به مظلومیت علی اصغر به ذوالفقار بُرنده ولی مومنین و قهاریت رب العالمین به پیش. امضاء .

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران - سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی
فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - برادر محسن رضائی

با ابلاغ ساعت و زمان عملیات، این دستور سریعاً به تمام یگان‌های اجرائی ابلاغ شد و یگان‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، برای یک حمله وسیع که تا آن روز سابقه نداشت، آماده شدند تا این که روز ۱۷ بهمن ماه نیز سپری شد و در میدان کارزار لحظه ای را که دهها هزار رزمنده نیروی خودی و دشمن منتظر آن بودند، فرار رسید و نبرد طبق طرح‌های تهیه شده آغاز شد. آهنگ یا... یا... یا... در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۷ بهمن ماه در تمام شبکه‌های ارتباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که در این نبرد شرکت داشتند، طنین انداز گردید. پیشروی نیروهای ایران در ارتفاعات صعب العبور میشداغ و تپه‌های رملی اطراف آن به طرف غرب شروع گردید.

درباره کلیات نحوه مرحله اجرائی این عملیات، خاطرات رزمندگان شرکت کننده در آن، تا حدودی بیانگر چگونگی اجرای این عملیات می‌باشد. درباره جزئیات نیز مدارکی در دسترس قرار گرفت که می‌تواند نحوه اجرای این عملیات را تا حدودی روشن سازد. لذا به ذکر آن می‌پردازیم و قبل از آن، به منظور روشن تر شدن استعداد یگان‌های خودی متمرکز شده برای

این عملیات، یادآور می‌شود که طبق آخرین تغییرات در سازمان رزمی یگان‌های توپخانه که در روز قبل از شروع عملیات انجام گرفت، جمعا ۲ گردان و ۱ آتشبار مستقل از یگان‌های توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران، در پشتیبانی این عملیات قرار گرفت. علاوه بر آنها، یگان‌های توپخانه سپاه پاسداران نیز بود که استعداد آنها برای ما مشخص نگردید. توپخانه‌های ارتش شامل ۴ گردان و دو آتشبار ۱۰۵ میلیمتری ۱۰ گردان ۱۵۵ میلیمتری ۳ گردان و ۴ آتشبار ۱۳۰ میلیمتری یک گردان ۱۷۵ میلیمتری، یک گردان و یک آتشبار ۲۰۳ میلیمتری و یک گردان و ۴ آتشبار کاتیوشا بود که از ۱۳ لشکر رزمنده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می‌کردند.

جزئیات ترتیب گسترش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در شروع این نبرد برای ما مشخص نگردید. زیرا در مدارک موجود طرح‌های عملیاتی یگان‌های اجرائی قرارگاه‌های تابعه قرارگاه اصلی خاتم الانبیاء وجود نداشت. همان‌گونه که در طرح ریزی عملیات بیان شد طبق طرح عملیاتی شماره ۱ - والفجر مقدماتی - ۳ قرارگاه عمده اجرائی برای این عملیات سازمان دهی شده بودند که عبارت بودند از قرارگاه فجر در شمال که از شمال فکه تا چیلات و چنگوله مستقر شده بود و ماموریت اصلی آن پدافند در ارتفاعات حمرین و اجرای عملیات پوشش و فریب بود که ماموریت پوشش و فریب را نیز قبل از شروع عملیات انجام داد و بنا بدستور قرارگاه خاتم الانبیاء ماموریت آن قرارگاه فقط به عملیات پدافندی محدود گردیده بود.

در مرکز منطقه از شمال فکه (معبر سمیده) تا جنوب پاسگاه دویرج منطقه عملیاتی قرارگاه نجف بود که طبق طرح عملیاتی کلی عناصر این قرارگاه ماموریت داشتند از ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رملی غرب آن عبور کنند و نیروهای دشمن را تا غرب خط مرز عقب برانند و استحکامات عراق را در حوالی خط مرز منهدم سازند. در مرحله دوم پیشروی را به سمت غرب ادامه داده یا به سمت جنوب غرب متمایل شده شهر حلفائیه را از سمت شمال غرب مورد تهدید قرار دهند. در مرحله سوم پس از تأمین حلفائیه همراه با عناصر قرارگاه کربلا به سمت عماره و علی غربی پیشروی می‌کنند. همین ماموریت را قرارگاه کربلا از جنوب پاسگاه دویرج تاتنگ چزابه بر عهده داشت و در جنوب منطقه در محور عمومی بستان چزابه - حلفائیه پیشروی می‌کرد. هماهنگ با قرارگاه نجف به سمت حلفائیه و عماره و علی غربی حمله می‌نمود.

برای امکان کنترل عملیات ۳ خط پیشروی تعیین شده بود که خط اول بنام خط ظفر در عمق حدود ۱۰ کیلومتری سرزمین عراق در غرب خط مرز بود. - به خلاصه نقشه مراجعه شود - خط دوم بنام خط توفیق در عمق حدود ۳۰ کیلومتری خاک عراق و امتداد عمومی غرب حلفائیه بود و شهر حلفائیه هدف اصلی در این خط بود. و بالاخره آخرین خط بنام خط نصر در امتداد کرانه شرقی دجله بود که شهر عماره هدف اصلی در آن خط بود و تغییر سمت به طرف شمال و پیشروی به سمت علی غربی، برحسب نتیجه نهائی ۳ مرحله اصلی اولیه بود. این طرح کلی که در ۲۴ آذرماه تهیه و منتشر شد، مبنای اصلی عملیات مورد بحث قرار گرفت. با توجه به مدارک در دسترس چنین به نظر می‌رسد که تا زمان اجرای عملیات تغییرات مهمی در آن داده نشده بود و همان طرح اجرا گردید.

نکته ای را که قبل از بیان نحوه اجرای این عملیات باید یاد آور شویم این است که این منطقه نبرد از عوارض مهم شناخته شده طبیعی و مصنوعی - به غیر از شهرهای عماره و حلفائیه و باطلاق هورالعظیم و جاده مرزی - عاری بود. چند پاسگاه مرزی ایران و عراق در خط مرز وجود داشتند که به علت تغییراتی که در ۲ سال و نیم جنگ در منطقه ایجاد شده بود، تشخیص آن پاسگاه‌ها نیز مشکل گردیده بود. با توجه به این که عموماً، عملیات به حالت شبانه و در تاریکی انجام می‌گرفت، حفظ سمت حمله و تشخیص موقعیت بسیار مشکل و تا حدی غیر ممکن بود. در عمل نیز این مشکل نمایان شد و اغلب یگانها از مسیر خود منحرف شدند.

نکته دیگر که در این عملیات اصولاً مورد توجه قرار نگرفته بود، سرعت پیشروی پیاده نظام در حمله شبانه، در زمینهای صعب العبور و از مواضع و موانع مستحکم بود. طبق محاسبات کلاسیک نظامی در چنین شرایط میدان نبرد سرعت پیشروی پیاده نظام خیلی محدود بوده و از حدود متوسط ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر در ساعت تجاوز نمی‌کند. در محاسبات و برآوردها باید به این نکته توجه شود. با این حساب در صورتی که پیاده نظام بتواند در ۲۴ ساعت ۱۲ ساعت مداوم حالت حمله و تهاجم را داشته باشد، در هر شبانه روز بیش از ۶ کیلومتر نمی‌تواند پیشروی کند. مگر این که آن قدر نیروی مانوری تازه نفس و آتش پشتیبانی زیاد باشد که تداوم حمله بدون انقطاع و شبانه روزی ادامه یابد. این وضعیت در عملیات مورد بحث در نیروهای ما وجود نداشت و حتی در قرارگاههای اصلی یگان احتیاط منظور نشده بود.

به هر حال نبرد و الفجر مقدماتی از ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۷ بهمن ماه با شرایطی که بیان شد آغاز گردید. ۳۰ دقیقه بعد از آغاز حمله، قرارگاه نجف اعلام کرد دو تیپ آن قرارگاه از معابر پیش بینی شده عبور کرده و در حال پیشروی می‌باشند. سومین تیپ نیز در حال عبور از معابر خال، چومو وزلیمی می‌باشد. چند دقیقه بعد، قرارگاه کربلا نیز اعلام کرد، لشکر ۸ نجف با دشمن درگیر شده ولی لشکر امام حسن ع هنوز درگیر نشده است. گرچه متاسفانه جزئیات طرح عملیاتی برای ما روشن نگردید، ولی با توجه به پیام‌های بالا چنین به نظر می‌رسد که مواضع مقدم نیروهای دشمن خیلی نزدیکتر از آن بوده که قبل از شروع عملیات برآورد گردیده بود. یا این که نیروهای خودی با راهپیمائی شبانه در همان شب خود را به نزدیک مواضع دشمن رسانده بودند. قرارگاه نجف در پیام دیگری اعلام کرد، تیپ عمار از ساعت ۲۲:۱۵ با دشمن درگیر شده است. این تیپ جزو لشکر رسول الله بود.

در ساعت ۲۱:۱۵ لشکر امام حسن قرارگاه کربلا به میدان مین بزرگ دشمن برخورد کرد و متوقف گردید. یگان‌های خط شکن آن لشکر، ایجاد معبر در میدان مین دشمن را شروع کردند. در همان موقع، عناصری از تیپ ۲ عاشورا جزو لشکر عاشورا جمعی قرارگاه نجف نیز با دشمن درگیر شد، ولی متوقف نگردیده و به پیشروی ادامه داد.

در ساعت ۲۲:۱۵ قسمت اطلاعات قرارگاه نجف اطلاع داد که نیروهای دشمن در منطقه لشکر محمد رسول الله به حالت فرار درآمده اند. در این باره باید یادآور شویم که طبق اصول پدافندی، عناصر سبک تامینی در خط مقدم مستقر می‌شوند و به محض پیشروی نیروهای حمله‌ور بدون درگیری عقب نشینی می‌کنند. ماموریت این عناصر سبک معمولاً کسب اطلاع از حمله طرف مقابل و گزارش می‌باشد. در این عملیات نیز گروه‌های کوچک تامینی دشمن همین روش معمولی را بکار برده بودند و عناصر اطلاعاتی لشکر، آنرا به فرار دشمن تعبیر کرده بودند. البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که این افراد اطلاعاتی از افراد سپاه پاسداران و بسیج مردمی بودند و دوره‌های آموزش نظامی را طی نکرده بودند. اما به هر حال این گونه اطلاعات نادرست، جز ایجاد ناهماهنگی، اثرات مثبتی در عملیات نمی‌تواند داشته باشد.

در ساعت ۲۲:۴۰ یکی از گردان‌های تیپ عمار از لشکر رسول الله جزو قرارگاه نجف، گزارش داد، به کانال احداثی نیروهای عراق در نزدیکی خط مرز رسیده است. چند دقیقه بعد

قرارگاه کربلا نیز اعلام کرد، یک تیپ از لشکر ۸ نجف از میدان مین دشمن عبور کرده، ولی لشکر امام حسین هنوز در حال پاکسازی میدان مین دشمن می‌باشد.

در ساعت ۲۲:۵۰ یک اطلاع خام دیگر در شبکه اطلاعاتی خودی منتشر شد، مبنی بر این‌که طبق اخبار دریافت شده از پست شنود به‌تویخانه دشمن آماده باش داده شد و عناصر پیاده دشمن در حال عقب نشینی هستند.

در حدود ساعت ۲۳:۰۰ عناصر لشکر امام حسن از قرارگاه کربلا موفق شدند در میدان مین دشمن معابر ایجاد کرده و از آن عبور کنند. اما بعد از مسافتی یک تیپ آن لشکر به میدان مین دیگر دشمن برخورد کرد.

طبق گزارشاتی که یگانهای حمله ور دادند، حدود ساعت ۲۳:۴۵ قسمتی از یگان‌های حمله‌ور از میدانهای مین و موانع اولیه دشمن گذشتند و به کانال‌های احداثی دشمن رسیدند. عناصری از کانالها نیز عبور کردند و از خط مرز گذشته و وارد خاک عراق شدند. چند دقیقه بعد از نیمه شب، لشکر امام حسن به کانال رسید و روی آن پل برقرار کرد. اما در قسمت جنوب به میدان مین دیگر دشمن برخورد نمود. برآورد گردید عمق میدان مین دشمن حدود یک کیلومتر می‌باشد.

در ساعت ۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب - ۱۸ بهمن - لشکر نجف قرارگاه کربلا از دومین کانال عبور کرد. اما گزارشات از دقت چندانی برخوردار نبود. به محض این‌که یگانی حتی در حد دسته و گروهان مقداری پیشروی می‌کردند، آن پیشروی به حساب تیپ و لشکر منظور می‌گردید. چنانکه ۱۵ دقیقه بعد اعلام شد که فقط گردانی از عناصر لشکر نجف از کانال گذشته است.

در همین زمان قرارگاه نجف گزارش داد، عناصر مقدم تیپ جوادالائمه از رملها عبور کرده و در حال پیشروی به سمت کانال موازی خط مرز می‌باشد. این پیام نشان می‌دهد که در پیشروی یگانها از همان ساعت اول ناهماهنگی ایجاد شد. در حالی که بعضی از یگانها از موانع دشمن عبور کرده و به خط مرز رسیده بودند، بعضی از یگانها هنوز در همان نقاط اولیه خط تماس بودند.

در ساعت ۴۵ دقیقه بعد از نیمه شب، لشکر ۲۱ پیاده از شمال منطقه اطلاع داد، عناصر زرهی دشمن به سمت فکه در حال حرکت هستند. این امر نشانه آن بود که نیروهای تقویتی به سمت منطقه مورد تهدید نیروهای ایران تغییر موضع می‌دادند.

به طور کلی گزارشاتی که از یگان‌های حمله ور می‌رسید، با آن چه که در نتیجه نهائی عملیات حاصل شد، مطابقت چندانی نداشت. چنین به نظر می‌رسد که علت اصلی این تناقضات، گستردگی بسیار وسیع عملیات در جبهه ای به عرض ۵۰ کیلومتر و شرکت چندین لشکر و تیپ و دهها گردان بسیجی تازه تشکیل شده در این نبرد بود. زیرا هدایت چنین عملیات گسترده ای نیاز به انضباط بسیار دقیق و شدید عملیاتی دارد که می‌توان گفت در واحدهای بسیج بسیار ضعیف بود. اصولاً آن چنان یگان‌هایی که متناسب به عملیاتی با آن گستردگی بود، نبودند ولی برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران امکانات دیگری غیر از نیروهای بسیج وجود نداشت. اگر چه واحدهای بسیج مردمی یکی از بزرگترین و موثرترین امتیازات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بود، ولی این واحدها برای نبرد با ارتش کاملاً سازمان یافته و مجهز و منضبط عراق کارائی سرنوشت سازی نداشتند. چنان‌که در طول سال‌های بعدی^۱ جنگ، همین نتیجه حاصل شد و به طور کلی می‌توان گفت در جنگ‌های منظم بین دو ارتش متخاصم، موج انسانی عامل تعیین کننده نمی‌تواند باشد. زیرا قدرت تخریبی آتشهای جنگ افزارها به قدری قوی هستند که برتری عددی انسانی را خنثی می‌سازند. یک گردان توپخانه ورزیده با مهمات کافی می‌تواند جلوی پیشروی یک تیپ طرف مقابل را سد کند. چند فرزند هواپیمای بمباران یا جنگنده می‌توانند روحیه لشکری را تخریب نمایند.

پیشروی نیروهای حمله ور ایران در ساعات اولیه با موانع و استحکامات سنگین دشمن مواجه شد. لذا از همان ساعات اول نتوانست دور کافی بگیرد و بدین جهت یگان‌های حمله ور تا ساعت یک بعد از نیمه شب - ۱۸ بهمن - هنوز موفق نشده بودند به جاده مرزی ایران برسند و هنوز در کانالهای عراقی در شرق جاده درگیر بودند با توجه به این که اصولاً مواضع اصلی پدافندی نیروهای عراق در غرب خط مرز قرار داشت و در شرق آن فقط موانع و میدان‌های مین با عناصر سبک تامینی مستقر بود، بنابراین در مدت بیش از ۳ ساعت نبرد هنوز نیروهای ایران موفق نشده بودند عناصر تامینی نیروهای عراق را عقب برانند. زیرا بیشتر مدت زمان حمله صرف خنثی کردن موانع و باز کردن معابر در آنها می‌گردید. با این وجود گاهی اطلاعاتی

از دشمن به دست می‌آمد یا منتشر می‌شد که حاکی از وصول نیروهای ایران به مواضع توپخانه دشمن و محاصره آن بود. چنان‌که در ساعت ۰۱:۱۰ یکی از ایستگاههای مخابراتی پست شنود خودی خبری داد، مبنی بر این‌که یک واحد توپخانه دشمن در حال محاصره شدن است. به او دستور داده شد کمتر آتش کند تا بتواند عقب نشینی نماید. در این باره باید یادآوری نمود که در آرایش پدافندی معمولاً عناصری از توپخانه نیز در پشتیبانی عنصر تامینی قرار داده می‌شوند که معمولاً چند قبضه تاپک آتشبار می‌باشند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات باید به این نکته توجه نمود. زیرا اگر غیر از آن باشد ممکن است سبب اشتباهات زیاد در برآورد کلی عملیات گردد و چنین تصور شود که مواضع اصلی پدافندی دشمن در هم شکسته شده و نیروهای حمله ور به منطقه احتیاط دشمن رسیده‌اند.

در ساعت ۰۱:۳۰ و حدود ۴ ساعت بعد از شروع حمله، وضعیت کلی نیروهای ما چنین بود که لشکرهای نجف و امام حسن قرارگاه کربلا از کانالهای شرق جاده مرزی عبور کرده و به جاده نزدیک شده بودند. از عناصر قرارگاه نجف نیز فقط یک گردان از کانال نزدیک مرز گذشته و وارد خاک عراق شده بود. در همین ساعت قرارگاه کربلا اعلام کرد پیشروی در یک محور خیلی خوب بوده ولی در محور دیگر عادی است و قرارگاه نجف نیز گفت: تیپ یک عمار از لشکر رسول الله از کانال اول عبور کرده و به کانال دوم رسیده و با دشمن درگیر شده است و تیپ یک لشکر عاشورا هنوز به کانال نرسیده است.

گرچه طرح‌های عملیاتی قرارگاههای نجف و کربلا در دسترس قرار نگرفت، ولی بررسی گزارشات نشان می‌دهد که لشکرهای محمد رسول الله و عاشورا از عناصر قرارگاه نجف و لشکرهای نجف و امام حسن از عناصر قرارگاه کربلا در خط مقدم حمله می‌کردند و با وجود این‌که تدبیر کلی عملیات حمله جبهه ای بود، ولی در عمل، تدبیر حمله رخنه ای بکار گرفته شده بود. از لشکرهای حمله ور فقط یک یا دو تیپ در خط مقدم حمله قرار داشتند و تیپها نیز هر کدام یک یا دو گردان خط شکن در راس حمله آرایش داده بودند. بنابراین آرایش حمله تقریباً به صورت مثلث یا مثلث عکس بود. این نوع آرایش معمولاً آرایش بسیار مناسبی در عملیات آفندی می‌باشد و از خطرات جبران ناپذیر احتمالی جلوگیری می‌کند.

بررسی گزارشات نشان می‌دهد که از ساعت ۰۱:۳۰ به بعد پیشروی نیروهای حمله ور در حوالی کانالهای عراقی نزدیک جاده مرزی با مشکلاتی مواجه شد و متوقف گردید. نبرد با

نیروهای دشمن در حوالی همین کانالها با شدت آغاز شد. نیروهای ایران تلاش می‌کردند از کانالها بگذرند و وارد خاک عراق شوند و نیروهای عراقی نیز متقابلاً در مقابل حمله نیروهای ایران مقاومت می‌کردند و مانع پیشروی آنها می‌شدند. ضمناً به نظر می‌رسد. که خط اول مقاومت اصلی دشمن در حوالی خط مرز بود و یگان‌های عمده پدافندی وی در این خط مستقر بودند.

برای مشخص شدن این وضعیت گزارش قرارگاه نجف که در ساعت ۰۱:۴۵ ارسال شده کافی به نظر می‌رسد. در این گزارش وضعیت چنین بیان شده که: ۳ گردان از تیپ عمار لشکر حضرت رسول از کانال اول عبور کرده و مشغول پاکسازی میدان مین بین کانال‌ها است بقیه تیپ در حال عبور از کانال هستند. تیپ یک لشکر عاشورا مشغول پاکسازی میدان مین جلو جاده حاکی می‌باشد. تیپ جوادالائمه از رمل چومو (شرق خط مرز) عبور کرده است. قرارگاه کربلا نیز در ساعت ۰۲:۰۰ بعد از نیمه شب اعلام کرد که لشکر نجف اشرف از کانال دوم نزدیک مرز عبور کرده و به سمت جاده آسفالتی در حرکت است ولی با دشمن درگیر می‌باشد و یگان‌های لشکر قدس (امام حسن) نیز به نزدیک جاده آسفالتی رسیده‌اند.

در ساعت ۰۲:۱۰ بعد از نیمه شب، اولین پیام مبنی بر عبور اولین یگان حمله ور از جاده، در شبکه ارتباط مبادله شد و حاکی از آن بود که یکی از گردانهای تیپ عمار لشکر حضرت رسول از جاده آسفالت گذشت. اما ۲۰ دقیقه بعد قرارگاه نجف اعلام کرد که تیپ ۲ عاشورا در حال پاک کردن میدان مین و پیشروی به سمت کانال اول می‌باشد و از تیپ عمار نیز یک گردان در حال عبور از کانال اول است. البته در آن شب تاریک تشخیص مواضع ناشناخته در منطقه بیابانی امکان پذیر نبود. ضمن این‌که فرماندهان گردانهای بسیج آگاهی چندانی از مواضع و استحکامات دشمن و خصوصیات منطقه و روش کسب اطلاعات نظامی نداشتند. لذا گزارشات آنان نمی‌توانست از دقت کافی برخوردار باشد. همین گزارشات متناقض سبب اشکالاتی در رده‌های بالایی فرماندهی می‌شد. چنان‌که براساس همین گزارشات، از قول برادر محسن رضائی در ساعت ۲ بعد از نیمه شب اعلام شد که لشکر امام حسن به خوبی پیشروی می‌کند و در حال دور زدن تنگ چزابه می‌باشد و واحد توپخانه دشمن در منطقه پاسگاه صفریه به تصرف نیروهای خودی درآمده است. در حالی که در نتیجه نهائی عملیات، صحبت این‌گونه گزارشات به ثبوت نرسید. این موضوع از جمله گزارشاتی بود که درباره انهدام نیروهای دشمن

شده بود و گفته می‌شد که تیپ ۷۰۴ حوالی صفریه منهدم شده و فرمانده تیپ نیز به اسارت درآمده است. توپخانه دشمن در منطقه پاسگاه رشیده در حال عقب نشینی است. درباره تیپ ۷۰۴ برادر حاج همت فرمانده یکی از لشکرهای سپاه پاسداران در ساعت ۰۲:۳۵ اعلام کرد که این تیپ بکلی منهدم شده و یک گردان مکانیزه آن در محاصره نیروهای خودی قرار گرفته است. ۱۵ دقیقه بعد قرارگاه کربلا اعلام کرد، انهدام تیپ دشمن مورد تأیید نمی‌باشد. همان‌گونه که یادآوری شد از حدود ساعت ۰۱:۳۰ بعد از نیمه شب به بعد حمله نیروهای ایران از دور افتاد و با موانع سختی مواجه گردید. تلاش نیروهای حمله ور ما صرف برداشتن میدانهای مین و یا عبور از کانالهای احدائی دشمن شد. در نتیجه پیشروی نیروهای حمله ور به صورت نبرد موضعی درآمد. بعضی دیگر از گردانهایی که با موانع سبکتر برخورد کرده بودند، مانند گردانی از تیپ عمار، توانسته بودند تا نزدیکی جاده آسفالته برسند. ولی چنین به نظر می‌رسد که اغلب گردان‌ها و تیپ‌ها تا ساعت ۳ بعد از نیمه شب در شرق جاده مرزی درگیر بودند و هنوز موفق به درهم شکستن مقاومت‌های اولیه دشمن و ورود به خاک عراق نشده بودن. در ساعت ۳ بعد از نیمه شب قرارگاه کربلا وضعیت کلی را چنین اعلام کرد: یک گردان از لشکر امام حسن از پاسگاه شوشی عراق به سمت جنوب تغییر سمت داده تا عوامل دشمن را در پشت کانال اول پاکسازی کند. یک گردان نیز به سمت پاسگاه وهب عراق در حال پیشروی است. لشکر نجف پس از عبور از کانالها با یک گردان به سمت شمال حرکت کرده و چند گردان دیگر در حال پاکسازی پشت کانال - غرب - است و به میدان مین برخورد نموده است. براساس این گزارشات برادر محسن رضائی در ساعت ۰۳:۱۰ بعد نیمه شب اظهار داشت ۳ تا ۴ گردان از تیپ عمار از کانال عبور کرده اند و دستور داده شد به هر طریقی هست خود را به جاده آسفالته برسانند. در همان ساعت، قرارگاه کربلا اعلام کرد: لشکرهای نجف و امام حسن از دو کانال حوالی مرز عبور کرده اند، ولی قطعاً مشخص نیست به جاده آسفالته عراق رسیده اند یا نه. برادر غلامپور از قرارگاه کربلا نیز در همان ساعت اظهار داشت ۲ گردان از لشکر امام حسن به جاده آسفالت رسیده، یگان مکانیزه آماده برای وارد شدن است. سعی می‌کنیم با قرارگاه نجف الحاق حاصل کنیم. برادر محسن رضائی دستور داد، سعی کنید قرارگاه لشکر ۱۴ دشمن را منهدم سازید.

در ساعت ۰۳:۱۵ قرارگاه نجف آخرین وضعیت را چنین اعلام کرد که یک گردان از تیپ یک عمار لشکر حضرت رسول از کانال دوم گذشته و یک گردان دیگر هم تلاش می‌کند از آن کانال بگذرد و با یگان‌های قرارگاه کربلا در جنوب الحاق حاصل نماید.

تیپ ۲ لشکر عاشورا هنوز به کانال اول نرسیده است و در حال پاک کردن میدان مین قبل از کانال می‌باشد. تیپ جواد الائمه از معبر چم‌عبور کرد ولی به کانال نرسیده و گزارش نموده وسایل مهندسی به جلو حرکت نماید.

چنین به نظر می‌رسد که از این ساعت به بعد پیشروی نیروهای ایران کاملاً متوقف گردید و جریان حوادث منطقه بر علیه نیروهای حمله‌ور ما تغییر جهت داد. به حدی که حتی دیگر ارسال گزارشات منفی نیز بکلی متوقف گردید. چنانکه از ساعت ۰۳:۱۵ تا ساعت ۰۶:۳۰ دیگر اخباری بین یگان‌های حمله‌ور و قرارگاه‌های هدایت کننده مبادله نشد. اما از بررسی خاطرات زرمندگان که قسمتی از آنها در پایان همین مطالب بیان شده است، چنین بر می‌آید که نیروهای حمله‌ور ما با عدم موفقیت مواجه شدند. سازمان حمله‌بکلی از هم گسست. تعدادی از یگانها سمت حمله را گم کردند. تعدادی متحمل تلفات بسیار سنگینی شدند و بالاخره یگان‌های حمله‌ور با بی‌نظمی و ناهماهنگی به حالت عقب‌نشینی درآمدند. بعضی از آنها تا تپه‌های رملی شرق خط مرز و در حقیقت تا شرق موانع و مواضع دشمن عقب‌نشینی کردند.

بعد از این حوادث در ساعت ۰۶:۳۰ یعنی بعد از ۳ ساعت رکود، برادر رحیم از قرارگاه کربلا اطلاع داد: لشکرهای نجف و امام حسن، پاسگاه وهب عراق غرب، پاسگاه صفریه ایران را در اختیار دارند و جاده بین پاسگاه وهب و کرانه نیز در اختیار یگان‌های خودی است و در غرب این جاده حدود ۵۰۰ متر خاکریز ایجاد شده است.

همان زمان برادر جعفری نیز از قرارگاه نجف گزارش داد، تیپ یک لشکر عاشورا و تیپ جواد الائمه در حدود جاده خاکی (شرق خط مرز) مستقر هستند. یگانی که به غرب کانال نفوذ کرده بود به عقب کشیده شد. از انهدام تانک‌ها و نفربرهای دشمن خبری نرسیده است و همین قرارگاه در گزارش نوبه‌ای شماره ۴۰ اعلام کرد، قدر ۱ شامل تیپ عمار از لشکر حضرت رسول از تپه دو قلو در جناح راست خود یک خاکریز عمودی بطرف جاده شنی بشکل دوزنقه‌ای احداث کرده است. قدر ۲ شامل تیپ ۲ لشکر عاشورا و تیپ جندالله از روبروی معبر چومو از راست به چپ تا آنجائی که رمل‌ها به طرف جاده پیشروی کرده ایجاد خاکریز می‌نمایند.

نیروهائی که از عناصر قدر ۱ از کانال عبور کرده بودند عقب نشینی کرده و در پشت خاکریز پدافند می‌نمایند.

بدین ترتیب حمله عظیم نیروهای ایران که بیش از دو ماه برای آن تلاش شده بود با شکست مواجه گردید و نیروهای حمله ور ما با تحمل تلفات سنگین به تپه‌های رملی شرق خط مرز عقب نشینی نمودند. حتی نتوانستند تمام مناطق اشغال شده ایران را در این منطقه از وجود دشمن پاک سازی نمایند. افکار بلند پروازانه تصرف عماره و علی غربی در عمق ۶۰ کیلومتری خاک دشمن به سرابی مبدل گردید. با آغاز روشنائی روز یگان‌های حمله ور ایران نه تنها قدرت آفندی خود را از دست دادند بلکه حتی نگران پاتک سنگین دشمن شدند. عناصر اطلاعاتی گزارش دادند تیپ ۱۰ زرهی عراق در حوالی تپه سبز واقع در تپه‌های رملی تنگ چزابه حدود ۱۰ کیلومتری داخل خاک ایران برای حمله آماده می‌گردد. این پیام نشان می‌دهد که نیروهای ایران در محور اصلی بستان چزابه - حلفائیه هیچ‌گونه تلاشی نداشته اند و طرح آن بوده که با عملیات احاطه ای از سمت شمال، تنگ چزابه را در حوالی پاسگاه مرزی سوبله تحت کنترل خود در آورند، ولی موانع متعدد دشمن و زمین رملی صعب العبور و ضعف هدایت عده‌ها اجرای این عملیات را با عدم موفقیت روبرو ساخت.

درباره علل اساسی نتایج حاصله از این نبرد، داوری کردن بسیار مشکل است. زیرا در چنین عملیاتی در این سطح گسترده دهها عامل مثبت و منفی تاثیر می‌گذارند. فقط کسانی که در میدان کارزار حضور داشته و مسئولیتهائی را به عهده گرفته بودند، می‌توانند آن علل را بیان کنند. اما به طور کلی از آنچه که از بررسی مراحل طرحریزی و آمادگی و نحوه هدایت عملیات و بویژه نظریات رزمندگان شرکت کننده در آن نبرد به دست می‌آید، چنین نشان می‌دهد که اصولاً این عملیات از لحاظ مسائل کلی و اساسی شامل تدبیر کلی، احساسات سیاسی نظامی، آمادگی رزمی، طرحریزی، انتخاب منطقه عملیات، انتخاب هدفهای اصلی، روش هدایت عملیات، سازماندهی و غیره دارای نقاط ضعف زیادی بوده، به حدی که این عملیات را از نظر منطق نظامی غیر قابل قبول جلوه گر می‌سازند چنان که در بررسی این مسائل در جلسات شورای فرماندهان، قبل از عملیات نیز احساس کلی فرماندهان نظامی همین بود. چنانچه به دقت به نکات ارائه شده بوسیله افسران توجه شود، روح آن کلمات نشان می‌دهد که افسران به نتیجه مثبت این نبرد به هیچ‌وجه امید چندانی نداشتند. تنها عامل مهیج این عملیات احساسات انقلابی رزمندگان بود.

ادامه عملیات بعد از مرحله اول

گفتیم که از سحرگاه روز ۱۸ بهمن ماه نبرد، والفجر مقدماتی، بدون حصول به نتایج قابل ملاحظه ای متوقف گردید. نیروهای ایران فقط قسمتی از تپه‌های رملی غرب میشداغ و شرق خط مرز و قسمت کمی از جاده مرزی عراق را تحت کنترل خود درآوردند. این نتیجه نیز اگر عملیات قابل ادامه به طرف غرب و کشاندن نبرد به داخل خاک عراق نمی‌شد، از نظر کلی یک نتیجه منفی می‌توانست باشد. زیرا بدون امتیازی سبب درگیر شدن قسمتی از نیروهای ما در زمینها و مناطقی می‌شد که هیچ‌گونه ارزش عملیاتی نداشت. بدین جهت قرارگاه خاتم الانبیاء در ۱۸ بهمن ماه تصمیم گرفت، یکبار دیگر حداکثر تلاش موجود خود را بکار ببرد تا شاید حداقل اولین خط پیشروی تعیین شده در داخل خاک عراق به نام خط ظفر (حدود ۱۰ کیلومتری غرب خط مرز) را تصرف و تأمین نماید. برای این منظور در همان روز، اولین دستور بعد از مرحله اول عملیات را به نام دستور جزء جزء شماره یک تهیه و صادر کرد که نظر به اهمیت ویژه آن عینا به شرح زیر بیان می‌گردد.

(دستور جزء جزء شماره یک - قرارگاه مشترک ارتش و سپاه پاسداران)

مدرک - طرح عملیاتی شماره یک و تدابیر ابلاغی قبلی

۱- سازمان رزمی: بدون تغییر (نسبت به طرح شماره یک)

۲- آخرین وضعیت: آفند یگان‌های خودی برابر طرح عملیاتی شماره ۱ در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۶۱/۱۱/۱۷ آغاز گردید. قرارگاه نجف جاده شنی موازی مرز را در منطقه خود تصرف و قرارگاه کربلا جاده آسفالته غرب خط مرز را بین رشیده و ۳ کیلومتری جنوب پاسگاه وهب (عراق) را تأمین نمود. به علت وجود موانع متعدد در مسیر پیشروی یگانها قرارگاههای عمل کننده نتوانستند برابر برنامه پیش بینی شده خط ظفر را در مرحله یکم عملیات تأمین نمایند.

۳- ماموریت: قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء(ص) ضمن تحکیم مواضع متصرفی و تثبیت دشمن در منطقه فعلی در ساعت (س) روز (ر) بمنظور تأمین خط ظفر ادامه تک می‌دهد و آماده میشود تک را به سمت غرب و شمال غرب ادامه دهد.

۴- قرارگاه عملیاتی نجف

الف- در خط تماس فعلی دشمن را تثبیت و نسبت به تحکیم مواضع متصرفی و تجدید سازمان نیروها اقدام نمائید.

ب- بلادرنگ نسبت به پیوستگی خط گسترش یگان‌های مربوط با قرارگاه کربلا اقدام نمایند.

پ- در ساعت (س) روز (ر) جهت تأمین خط ظفر تک نمائید بعد از تأمین خط ظفر آماده اجرای تک به سمت شمال و شمالغربی باشید.

۵- قرارگاه عملیاتی کربلا

الف- در خط تماس فعلی دشمن را تثبیت و نسبت به تحکیم مواضع متصرفی و تجدید سازمان نیروها اقدام نمائید.

ب- بلادرنگ نسبت به پیوستگی خط گسترش یگان‌های مربوط با قرارگاه نجف اقدام نمائید.

پ- در ساعت (س) روز (ر) جهت تأمین خط ظفر تک نمائید.

بعد از تأمین خط ظفر آماده اجرای تک به سمت غرب باشید.

۶- قرارگاه عملیاتی فجر - ماموریت بدون تغییر

۷- سایر مطالب بدون تغییر

امضاء قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء(ص)

از طرف فرمانده نیروی زمینی: سرهنگ حسنی سعدی- از طرف فرمانده سپاه پاسداران: برادر رحیم صفوی

بعد از انتشار دستور یاد شده از طرف قرارگاه اصلی هدایت کننده، عملیات قرارگاه‌های عمده اجرائی که قرارگاه نجف و کربلا بودند، دستورات اجرائی را به یگان‌های تابعه خود ابلاغ کردند که خلاصه هر یک از آنها به شرح زیر بود.

دستور قرارگاه عملیاتی نجف

مدرک دستور جزء جزء شماره یک قرارگاه خاتم الانبیاء و تصمیمات متخذه در ساعت

۲۰:۰۰ روز ۶۱/۱۱/۱۸

- در سازمان رزمی تغییری داده نشده است.

۱- یگان‌های قرارگاه مشترک نجف در مواضع جدید مشغول تحکیم و تثبیت مواضع بوده و آماده میشوند بنا بدستور مراحل بعدی عملیات را اجرا نمایند.

۲- قرارگاه نجف ماموریت دارد در ساعت ۰۱:۰۰ روز ۶۱/۱۱/۱۹ با یگان‌های نجف ۱ تک نموده منطقه بین خال تا مختصات ۳۳-۶۵ را از وجود دشمن پاک کند و با قرارگاه کربلا الحاق حاصل نماید.

۳- دستورات به یگانها

الف- نجف ۱

(۱) در ساعت ۰۱:۰۰ روز ۶۱/۱۱/۱۹ تک‌کنید منطقه بین خال تا مختصات ۳۳-۶۵ را از وجود دشمن پاک نمائید.

(۲) در جناح چپ با قرارگاه کربلا الحاق حاصل نمایند.

ب- نجف ۲- ماموریت بدون تغییر، تک یگان‌های نجف را با آتش پشتیبانی نمائید.

۴- دستورات هماهنگی (حذف شده)

امضاء قرارگاه مشترک نجف- سرهنگ ستاد لطفی- برادر جعفری

توضیح این‌که چنین به نظر می‌رسد که بعد از صدور این دستور درباره ساعت حمله تجدید نظر شد و دستور داده شده به جای ساعت ۰۱:۰۰ ساعت (س) روز ۱۹ منظور شود و در دستورات تکمیلی ماموریت قرارگاه نجف همان دستور اولیه یعنی پیشروی تا خط ظفر تعیین و ابلاغ شد و قرارگاه نجف الزاما دستور جزء جزء شماره ۲ خود را در ۱۹ بهمن ماه تهیه و منتشر کرد که خلاصه آن بدین قرار بود.

۱- سازمان رزمی بدون تغییر

۲- آخرین وضعیت- حمله عناصر قرارگاه نجف یک برابر طرح عملیاتی شماره ۱ آغاز شد یگان‌های حمله ور معبر چمو و تپه‌های اطراف تپه دو قلو را تصرف کردند و به علت وجود موانع متعدد در مسیر پیشروی نتوانستند برابر طرح خط ظفر را در مرحله یکم تصرف و تأمین نمایند.

۳- ماموریت- قرارگاه نجف ضمن تحکیم و تثبیت مواضع پدافندی متصرفی در ساعت (س) روز ۶۱/۱۱/۱۹ جهت تأمین خط ظفر تک نموده و بعد از تأمین آن آماده می‌شود تک را به سمت شمال و شمالغربی ادامه دهد.

دستور قرارگاه عملیاتی کربلا نیز بر مبنای دستورات قرارگاه خاتم الانبیاء دستورات خود را منتشر کرد که علاوه بر ابلاغ ماموریت جدید نکته حائز اهمیت آن، بیان وضعیت یگان‌های آن قرارگاه بود که چنین نوشته شده بود:

آفند یگان‌های خودی طبق طرح عملیاتی شماره ۲ امام مهدی (عج) در ساعت ۲۱۳۰ روز ۶۱/۱۱/۱۷ آغاز گردید. در این عملیات یگان‌های کربلا جاده آسفالته غرب خط مرز را بین جنوب پاسگاه رشیده و ۳ کیلومتری جنوب پاسگاه وهب را تأمین نمودند. اما به علت وجود موانع متعدد در مسیر پیشروی یگان‌ها، قرارگاه کربلا ۱ نتوانست برابر برنامه پیش بینی شده خط ظفر را در مرحله یکم عملیات تأمین نماید و در حال حاضر در پشت خاکریز احداث شده بین جاده شنی و کانال اول روی خط مرز، تماس خود را با دشمن حفظ نموده است.

با توجه به مدارک یاد شده بالا معلوم می‌شود که قرارگاه‌های نجف و کربلا یگان‌های خود را در دو قرارگاه اجرائی جزء بنام نجف ۱ و ۲، کربلا ۱ و ۲ سازمان داده بودند و در مرحله اول عملیات فقط عناصر اجرائی نجف ۱ و کربلا ۱ یعنی حدود نیمی از یگانها در حمله شرکت کرده و نیم دیگر اصولاً وارد عمل نشده بودند. به همین جهت در بررسی جریان حوادث فقط به نبرد یگان‌های لشکرهای عاشورا و محمد رسول الله و امام حسن و نجف اشاره شده و به حضور عناصر لشکرهای دیگر مانند علی ابن ابیطالب، ثارالله و ولیعصر اشاره نگردیده است.

در روز ۱۹ بهمن احتمالاً حوادثی رخ داد که امکان حمله مجدد نیروهای خودی را محدود ساخت بنحوی که حمله اجرا نشد و دستور داده شد، زمان حمله مجدد طبق همان دستور جزء بجزء شماره ۱ ساعت (س) روز (ر) منظور شود. از جمله مشکلات، هنوز محدودیت جاده‌های مواصلاتی بود. چنانکه قرارگاه نجف در ۲۰ بهمن طی گزارشی اظهار داشت که برای حرکت و تدارکات یگان‌های آن قرارگاه ۳ راه مواصلاتی دو طرفه - برای هر یگان اجرائی یک راه - مورد نیاز است. این نامه نشان می‌دهد که در آن موقع چنین راهی وجود نداشته است.

بالاخره در ۲۰ بهمن ماه تصمیم قطعی برای حمله مجدد نیروهای ایران گرفته شد و زمان حمله ساعت ۲۱۰۰ همان روز تعیین و ابلاغ گردید.

جریان نبرد در مرحله دوم

مرحله دوم نبرد با رمز یا ... یا ... در ساعت ۲۱:۰۰ روز ۲۰ بهمن ماه آغاز شد. عناصر قرارگاه کربلا شامل لشکرهای ۸ نجف و عناصر سپاه ۳ صاحب الزمان که لشکرهای امام حسن، ولی عصر (عج) و علی ابن ابیطالب بودند. در منطقه شمال تنگ جزابه و غرب میشداغ پیشروی را به طرف غرب آغاز کردند. هدف این لشکر وصول به خط ظفر در عمق ده کیلومتری غرب خط مرز در داخل خاک عراق بود. نظر به این که حمله از خط تماس آغاز شد، در همان دقایق اول با دشمن اخذ تماس گردید و نیروهای دشمن نیز انتظار چنین حمله ای از طرف نیروهای ما را داشتند و با آمادگی کامل به مقابله برخاستند.

طبق اولین گزارشات، نیروهای دشمن در روزهای قبل به غرب کانالهای احدائی موازی خط مرز عقب نشینی کرده بودند. بدین جهت تا وصول به کانال مشکل زیادی در مقابل نیروهای ایران قرار نداشت. چنانکه عناصری از لشکر محمد رسول الله جزو قرارگاه نجف که در شمال منطقه نبرد وارد عمل شده بودند از کانالها گذشتند. در همین موقع دشمن آتش شدید خود را بر روی کانالها متمرکز کرد. به نظر می رسد این عمل طبق طرحهای قبلی و پیش بینی شده انجام شد تا نیروهای ما را در حوالی کانالها منهدم سازد. اما متن بعضی از پیامهای مبادله شده بین نیروهای خودی چنین نشان می دهد که متاسفانه نیروهای ما از اصول تاکتیک پدافندی آگاهی چندانی نداشتند و اقدامات دشمن را به نوعی به نفع خود تعبیر می کردند. ضمن این که اطلاعاتی از دشمن بوسیله پست شنود یگانهای ما منتشر می شد که معلوم نیست عمدی از طرف دشمن پخش می شد یا اینکه عمدی و برای تقویت روحیه افراد خودی انتشار می یافت به هر حال این اطلاعات چندان صحتی نداشتند. مثلا در عین حال که شدت فوق العاده آتش دشمن بر روی یگانها ما روانه بود، پیامی از پست شنود منتشر شد که مهمات دشمن تمام شده و تلفات سنگینی به دشمن وارد گردیده است. شاید در ترجمه عربی این پیامهای دشمن اشتباهی رخ میداد و منظور از این پیام در شبکه دشمن تمام شدن مهمات نیروهای ما بوده است.

آتش دشمن در همان دقایق اول نیروهای ما بقدری شدید بود که برادر محسن رضائی به یگانهای توپخانه دستور داد، آتش ضد آتشبار اجرا کنند. در ساعت ۲۱:۳۰ یعنی ۳۰ دقیقه بعد از آغاز حمله، قرارگاه خاتم الانبیاء اطلاع داد، همه نیروهای خودی گسترش یافته و در

سنگرهای دشمن با عناصر دشمن درگیر شده اند. قرارگاه نجف نیز اطلاع داد نیروهای عراق به حالت عقب نشینی درآمده اند و هنگام عقب نشینی به میدانهای مین و کانالهای خودشان برخورد کرده و متحمل تلفات سنگین شده اند. با توجه به پیشروی موفقیت آمیز یگان‌های خودی - برحسب گزارشات ارسالی - برادر رحیم صفوی به یگانها دستور داد عناصر مکانیزه را نیز وارد عمل سازند. تا سبب تقویت روحیه پیاده نظام گردد.

در ساعت ۲۱:۳۵ قرارگاه کربلا اعلام کرد که لشکر امام حسن بین کانال اول و دوم در تلاش است ولی عناصر لشکرهای ولی عصر و علی ابن ابیطالب از کانال دوم عبور کرده اند. در این هنگام عناصر تیپ ۲ سلمان از لشکر محمد رسول الله نیز بین دو کانال درگیر بود.

در ساعت ۲۱:۵۰ چنین برآورد شد که عناصر دشمن در مواضع مقدم پدافندی به غرب جاده آسفالت موازی خط مرز عقب نشینی کرده است. اما آنچه که از محتوای پیامهای مبادله شده بین قرارگاهها نشان می‌دهد، نیروهای ایران تا ساعت ۲۲ و یک ساعت بعد از آغاز حمله هنوز در حوالی کانالهای شرق جاده با نیروهای دشمن درگیر نبرد سختی بودند. آتشفهای سنگین دشمن در حوالی کانالها نیروهای ما را به شدت می‌کوبید و اجازه پیشروی سریع به آنها نمی‌داد. چنانکه در ساعت ۲۲:۱۵ قرارگاه کربلا گفت: لشکر محمد رسول الله بین کانال اول و دوم درگیر شده است. براساس پیامهای مبادله شده چنین به نظر میرسد که بین ساعت ۲۲ و ۲۳ تلاش نیروهای ایران برای عبور از کانالها و ورود به خاک عراق در بعضی نقاط به نتیجه ای رسید و تهدیداتی برای مواضع پدافندی اصلی دشمن در غرب جاده آسفالت مرزی ایجاد شد. اما ارتش عراق برای تقویت واحدهای مستقر در منطقه غرب میشداغ یگان‌های تقویتی را از منطقه شرفانی و زبیدات به منطقه غرب میشداغ گسیل داشت. چنانچه اطلاعات رسیده از پستهای شنود قابل اعتماد باشد مشکلاتی برای نیروهای دشمن در مواضع پدافندی ایجاد شد و بعضی از یگان‌های دشمن درخواست اجازه عقب نشینی کردند.

در ساعت ۲۳:۱۶ لشکر ولی عصر اطلاع داد همه یگان‌های آن لشکر از کانالها گذشته و به جاده آسفالت عراق رسیده اند و لشکر علی ابن ابیطالب نیز اطلاع داد از کانال دوم گذشته و به سمت جاده آسفالت در حال پیشروی است، اما عناصر قرارگاه نجف همچنان در حوالی کانالها با دشمن درگیر بودند. لشکر محمد رسول الله در پشت کانال به میدان مین دشمن برخورد کرده و متوقف شده بود. در ساعت ۲۳:۴۰ لشکر نجف قرارگاه کربلا نیز به جاده آسفالت رسید.

بنابراین تمام عناصر قرارگاه کربلا از موانع بسیار سخت اولیه عبور کردند و به سمت خط ظفر پیشروی نمودند. اولین گزارش، از گرفتن تعدادی اسیر توسط قرارگاه کربلا در طول این عملیات اعلام شد. این نکته فوق العاده حائز اهمیت بود. زیرا در مرحله اول عملیات هیچ‌گونه اشاره‌ای به اسارت افراد دشمن نشده بود. با وصول یگان‌های قرارگاه کربلا به جاده آسفالت، طبق طرح به سمت جنوب تغییر سمت دادند، تا تنگ چزابه را از سمت غرب اشغال کنند و محور چزابه حلفائیه را آزاد سازند. تلاش قرارگاه کربلا براین شد که لشکرهای حمله‌ور با یکدیگر الحاق حاصل کنند و هماهنگی در هدایت عملیات قوی‌تر گردد.

وضعیت یگان‌های حمله‌ور ایران تا ساعت ۲۴:۰۰ امیدوار کننده بود. در پست‌های شنود نیز اخباری حاکی از بروز اختلال در سازمان دفاعی دشمن شنیده می‌شد که طبعاً سبب تقویت روحیه نیروهای ما می‌گردید.

اخباری که از وضعیت نیروهای خودی در ۲۵ دقیقه بعد از نیمه شب ۲۱ بهمن ماه رسید، چنین بود که به بعضی از یگان‌های دشمن دستور داده شده به غرب کانالها عقب نشینی کنند. در یگان‌های خودی به تیپ قمر بنی هاشم دستور داده شد آماده باشد بجای تیپ امام حسن در چزابه وارد عمل شود. زیرا تیپ امام حسن به میدان مین برخورد و متوقف شده بود. عناصر لشکر ولیعصر در حال عبور از جاده آسفالت و پیشروی به طرف خط ظفر بود، لشکر نجف به طرف تنگ چزابه در حرکت بود. لشکر علی ابن ابیطالب در حال عبور از جاده آسفالت به طرف غرب بود. نیروهای ایران به مواضع پدافندی اصلی دشمن رسیده بودند و نبرد نزدیک را با دشمن آغاز کرده بودند. اما در قسمت شمالی منطقه، عناصر قرارگاه نجف هنوز در حوالی کانالهای اول با دشمن درگیر بودند. بعد از نیمه شب که بیش از ۳ ساعت از آغاز حمله گذشته بود، چنین استنباط شد که پیشروی نیروهای ایران چندان سریع نبوده است و برآورد گردید که اگر وضعیت به‌همین سرعت پیش برود، ممکن است یگانها نتوانند تا قبل از آغاز روشنایی به خط ظفر برسند. لذا مسئله احداث خاکریز برای یگان‌های خودی مطرح گردید. چنین به نظر می‌رسد که عامل دیگر به وجود آمدن این فکر برخورد به کانال یا کانالهای دیگر دشمن در غرب جاده بود. در ساعت ۱:۲۰ از لشکرهای علی ابن ابیطالب و ولیعصر خبر رسید که از جاده عبور کرده ولی با کانال دیگر مواجه شده‌اند و در سمت راست خود خاکریز تهیه می‌کنند. لشکر نجف نگران سمت چپ (غرب) خود بود. زیرا در حال حرکت به سمت جنوب بوده و پهلو به دشمن داده بود. لشکر ولیعصر روی جاده

بود و تلاش می‌کرد به طرف کانال بعدی پیشروی کند. لشکر امام حسن بکلی متوقف شده بود و تصمیم گرفته شد به پیشروی ادامه ندهد. چنین به نظر می‌رسد که در مجموع از ساعت یک بعد از نیمه شب به بعد پیشرفت عملیات رضایت بخش به نظر نرسید. در ساعت ۰۱:۴۰ برادر محسن رضائی به یگانها دستور داد هر جا را که گرفته اند، باید محکم نگهدارند و جاده آسفالت را تحت کنترل بگیرند. آماده مقابله با تهدیدات احتمالی دشمن از مقابل و جناحین باشند. در همین ساعت عناصر لشکر محمد رسول الله عضو قرارگاه نجف تازه توانسته بودند از کانالهای شرق جاده عبور کنند. در حالی که قریب به ۵ ساعت از آغاز نبرد گذشته بود و یگان‌های پیاده نظام در مدت ۵ ساعت تلاش طبعاً قسمت مهمی از توان خود را از دست داده بودند.

به نظر می‌رسد تنها لشکری که پیشروی رضایت بخشی داشت، لشکر نجف بود که از شمال به سمت جنوب و به طرف تنگ چزابه در حرکت بود. اما این لشکر نیز از آن بیم داشت که از پهلو غربی مورد حمله متقابل دشمن قرار گیرد. در این باره برادر رشید در ساعت ۰۲:۱۰ پیام فرستاد که لشکر نجف از جناح چپ خود مطمئن نیست. زیرا لشکر امام حسن هنوز نتوانسته پیش برود. اما نباید این قدر نگران چپ و راست باشد، باید به جلو بروند. پست شنود بعد از ۶ ساعت عملیات، اعلام خطر کرد که دشمن تمام مکالمات رادیویی نیروهای ایران را می‌گیرد.

تلاش نیروهای ایران در ساعت بین ۰۳:۰۰ تا ۰۴:۰۰ بعد از نیمه شب در حوالی جاده و شرق آن - حوالی کانالها - صرف خنثی کردن موانع و مواضع دشمن گردید. در حالی که عناصر قرارگاه کربلا در اطرف جاده بودند، ولی عناصر قرارگاه نجف هنوز به جاده آسفالت هم نرسیده بودند. در این مدت قسمتی از تلاش یگانها صرف جلو کشیدن وسائل سنگین مهندسی و احداث خاکریز بود که خود این علل نمایانگر نگرانی یگان‌های خودی از احتمال عدم وصول به خاکریزهای دشمن در غرب کانالها بود. زیرا در نبردهای قبلی نیروهای ایران تلاش می‌کردند خاکریزهای دشمن را اشغال کنند و از همان‌ها برای مواضع پدافندی و مقابله با پاتکهای دشمن استفاده نمایند. اما در این نبرد هنوز نیروهای ایران به خاکریزهای اصلی پدافندی دشمن نرسیده بودند. بنابراین جهت پدافند تعجیلی برای شرایط اضطراری بایستی خودشان خاکریز احداث می‌کردند.

از ساعت ۰۴:۰۰ صبح روز ۲۱ بهمن به بعد وضعیت نیروهای ایران رو به وخامت گذاشت. گرچه بعضی از یگانها پیامهائی از ادامه پیشروی می دادند ولی بررسی کلیات حوادث چنین نشان می دهد که نیروهای حمله ور ما دچار مشکلات سختی شده بودند. نیروهای دشمن هر لحظه بیشتر تقویت می شدند و آتش پشتیبانی آنها قویتر و شدید تر می گردید. در حالی که اختلال و ناهماهنگی در یگان های ما بیشتر می شد و فشار شدید دشمن نگرانی فرماندهان را شدیدتر می کرد. به عنوان نمونه در ساعت ۰۵:۰۰ صبح پیامی مبادله شد که چنین بود: بعضی از یگانها به کانال کشاورزی رسیده اند. اما کسی نیست که آنها را هدایت کند و اطراف آنها کسی نیست. این یگانها عناصر لشکر ۸ نجف بودند که از شمال غربی بطرف غرب تنگ جزایه پیشروی کرده بودند. در همین ساعت پیام دیگر مبادله شد که چنین بوده است. لشکر ولی عصر در جاده آسفالته مانده، منطقه خیلی شلوغ است و هر عنصر عراقی که در منطقه مانده تیراندازی می کند. در پاسخ این پیام قرارگاه خاتم الانبیاء دستور داد احتیاط را وارد عمل کنند و به طرف هدفهای قبلی پیشروی نمایند.

چنین به نظر می رسد که از ساعت ۰۵:۰۰ وضعیت نیروهای ایران کاملاً بحرانی شد. به حدی که قرارگاه خاتم الانبیاء دستور داد عملیات مرحله دوم را اجرا کنند. درباره این موضوع در اسناد و مدارک مطلبی نوشته نشده بود. ولی چنین به نظر می رسد که منظور از مرحله دوم عملیات، عقب نشینی است. زیرا در ساعت ۰۵:۱۵ برادر رشید پاسخ داد که دستور را صادر کردم ولی خیلی مشکل است هم عقب کشیدن و هم باقیماندن. از این پیام چنین استنباط می شود که نیروهای ایران دچار آن چنان مشکلاتی شده بودند که نه می توانستند پیشروی کنند و نه به عقب برگردند و باقی ماندن در همان مواضع نیز خطر انهدام را در برداشت. بالاخره برادر رشید از قرارگاه خاتم الانبیاء درخواست کرد آنچه مقدور است، آتش به روی دشمن بریزند، تا او بتواند یگانها را به عقب بکشد. پاسخ داده شد که آنچه مقدور است در حال اجرا است. از این ساعت ب بعد لحظات بسیار سخت و بحرانی برای نیروهای ما آغاز شد. دشمن با حداکثر حجم آتش نیروهای ما را می کوبید و موفق شده بود پیشروی نیروهای ما را بکلی متوقف سازد و در آرایش آنها اختلال وسیعی ایجاد کند. چنین به نظر می رسد که عقب نشینی نامنظم نیروهای ایران از همان ساعت ۵ صبح آغاز شده بود. گرچه درباره جزئیات این لحظات حساس که جان هزاران رزمنده ما در معرض تهدید جدی قرار داده بود، مطالبی در اسناد در دسترس نوشته

نشده است. فقط بعضی از رزمندگان در بیان خاطرات خود قسمی از جریان این لحظات حساس را در محدوده یگان خود بیان کرده اند. ولی آخرین پیامهای مبادله شده بین دو نفر از فرماندهان سپاه پاسدارن که در مدارک درج شده، می‌تواند بیانگر نتایج کلی این نبرد باشد. آن پیامها چنین است:

ساعت ۰۶:۵۰ از حسین به محسن در رابطه با وضع منطقه و تخلیه زخمیها و چگونگی ادامه وضعیت گفت: چه کنیم وضع بسیار گیج کننده شده، برادر محسن دستور داد همه را بسیج کنید و حتما بروید بچه‌های مردم را بیاورید.

ساعت ۰۶:۵۵ از حسین به محسن، بچه‌ها را داریم بر می‌گردانیم. ولی خیلی سخت است بچه‌ها خیلی جلو رفته‌اند. برادر محسن در جواب گفت: خدا با ما است هیچ مسئله‌ای نیست. برگردند، هر چه از عراقیها در سر راه می‌بینید با خودتان بیاورید زیرا خود عراقی‌ها هم گیج شده‌اند و در منطقه جا مانده‌اند.

ساعت ۰۷:۵۰ قرارگاه نجف برادر همت به نیروها دستور دادند به مواضع اولیه مراجعت نمایند ولی قبلا شهداء و مجروحین را هر چه زودتر تخلیه کنند.

عملیات والفجر مقدماتی که با امیدهای فراوانی به نتایج مثبت آن در کل سرنوشت جنگ از اوایل آذرماه طرح ریزی شده بود ۲۱ بهمن ماه بعد از ۲ بار حمله شدید نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با عدم موفقیت مواجه گردید. نمونه‌ای از نتایج آن را در پیام زیر مشاهده می‌کنیم.

از قرارگاه عملیاتی نجف ۱ به قرارگاه عملیاتی نجف. مرحله دوم عملیات والفجر در ساعت ۲۰:۰۰ مورخه ۶۱/۱۱/۲۰ آغاز شد. یگان‌های تک ور در ساعت اولیه از کانال اول و دوم دشمن عبور ولی به علت فشار شدید دشمن مجدداً به مواضع اولیه عقب نشینی نمودند. در حال حاضر تیپ سلمان در محل باقی مانده که سعی می‌شود به عقب انتقال داده شود.

پاتک دشمن در ساعت ۱۰:۲۰ مورخه ۶۱/۱۱/۲۱ به روی یگان‌های خودی آغاز گردید. تانک‌های دشمن از مسافت دور آتش می‌نمایند. در این ساعت یک فروند هواپیمای دشمن به وسیله یگان‌های خودی سرنگون شد و در منطقه حوالی اورژانس سقوط کرد. طبق گزارشات واصله اخیر یگان‌های باقیمانده در جلو نیز به مواضع عقب مراجعت کرده‌اند.

امضاء: سرهنگ جمشیدی - برادر همت

با عقب نشینی یگان‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به مواضع قبل از آغاز حمله در روز ۲۰ بهمن ماه، نیروهای عراق همان مواضع قبلی خود را مجدداً اشغال کردند و از تعقیب نیروهای ایران خودداری نمودند. بنابراین بعد از پایان این مرحله عملیات بار دیگر نیروهای هر دو طرف متخاصم در شرق خط مرز بین دو کشور به حالت پدافندی درآمدند. تنها تغییری که در اجرای عملیات والفجر مقدماتی در این منطقه نبرد داده شد آن بود که نیروهای ایران ارتفاعات میشداغ را عملاً در اختیار خود گرفتند و مواضع پدافندی خود را به غرب این ارتفاعات انتقال دادند. اما همان‌گونه که قبلاً یادآور شدیم این عمل امتیاز تاکتیکی قابل توجهی برای نیروهای ما ایجاد نمی‌کرد، بلکه از نظر نظامی نتیجه آن تا حدودی منفی بود. زیرا نیروهای ما مجبور بودند قسمتی از توان رزمی خود را برای نگهداری منطقه ای درگیر سازند که قبل از آن بدون وجود چنین نیروئی همان نتیجه حاصل بود. همین مسئله بعداً سبب ایجاد مسائلی بین یگان‌های ارتش و سپاه شد. زیرا یگان‌های سپاه و بسیج معمولاً آمادگی روانی برای قبول ماموریت‌های پدافندی را نداشتند و علاقه مند بودند هر چه زودتر منطقه و مسئولیت پدافندی را به یگان‌های ارتش محول کنند و خود را از آن مأموریت رها گردانند تا برای عملیات آفندی بعدی آماده شوند. چنان‌که در ۲۳ بهمن ماه یعنی دو روز بعد از پایان نبرد والفجر مقدماتی، فرمانده قرارگاه قدر سپاه پاسداران به تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی که در آن منطقه وارد عمل شده بود. دستور داد با یک گردان مکانیزه، قسمتی از یگان‌های لشکر حضرت رسول (ص) را در جناح راست قرارگاه کربلا تعویض کند. فرمانده نظامی قرارگاه نجف ۱ که سرهنگ ستاد جمشیدی بود این نکته را به قرارگاه نجف - قرارگاه مشترک لشکر ۱۶ زرهی و سپاه پاسداران - گزارش داد.

بعد از پایان نبرد والفجر مقدماتی و ایجاد شرایط پدافندی در آن منطقه نبرد ادامه تلاش آفندی تقریباً متوقف گردید. فقط تلاش‌های محدودی در بعضی نقاط مانند تپه دو قلو به‌وسیله یگان‌هایی در حد گردان تقویت شده انجام گرفت که در کل عملیات هیچ‌گونه تاثیری نداشت و این نبرد با همان نتایج به‌دست آمده بکلی متوقف گردید. تازمان نگارش این مطالب که قریب ۵ سال از تاریخ آن نبرد می‌گذرد و جنگ با شدتی بیشتر ادامه دارد، توقف عملیات در منطقه نبرد مورد بحث همچنان ادامه داشته است. این امر خود بهترین دلیل بر مشکلات فوق العاده عملیات آفندی در منطقه غرب میشداغ و شرق عماره و حلفائیه می‌باشد.

درباره علت عدم موفقیت نیروهای ایران در این نبرد که بزرگترین بسیج نیرو تا آن تاریخ برای آن انجام گرفته بود، امکان داوری بسیار محدود است. ممکن است انحرافی از راه عدل و انصاف به وجود آید. زیرا اصولاً جنگ همیشه مانند سکه، دو روی دارد. یک روی آن خودی و پیروزی و روی دیگر آن دشمن و شکست است. چنانچه شکستی حاصل شد نباید تمام مسئولیت آن را به عهده فرماندهان دانست. زیرا ۵۰ درصد دیگر جنگ مربوط به عملیات دشمن است که در اختیار طرف مقابل نیست. اما تجزیه و تحلیل نتایج حاصله به منظور کسب تجربیات برای زمان حال و آینده تاریخ، از ملزومات و ضروریات هر نبرد مقطعی و یا هر جنگ عمومی می‌باشد و باید به آن توجه شود.

درباره علل کلی ایجاد کننده نتایج حاصل از نبرد والفجر مقدماتی، ابتدا ما به یک نامه که یک شخصیت سیاسی در این باره نوشته است، اشاره می‌کنیم.

برادر محمد رشیدیان نماینده آبادان در مجلس شورای اسلامی درباره نبرد والفجر مقدماتی نامه ای به شورای عالی دفاع نوشته که خلاصه آن در اسناد در دسترس درج شده بود و چنین است:

۱- ابزار و وسائلی که برای گروه تخریب ضرورت دارد مورد توجه قرار نمی‌گیرد و موقع حمله به فکر تهیه آنها می‌افتند و این عمل باعث لو رفتن حمله و طرحها می‌شود و همه می‌فهمند که زمان حمله نزدیک است.

۲- رفت و آمدهای بی حساب اشخاص غیرنظامی به جبهه‌ها موجب شناسائی محورهای عملیاتی می‌گردد.

۳- اسکان دادن افراد محلی در روستاهائی که در مسیر جبهه‌ها و حتی در جبهه‌ها قرار دارند و با توجه به این که بعضی از اینها افراد ضد انقلاب بوده و یا فراری عراق هستند و بستگان‌شان در عراق می‌باشند خطرات زیادی در بر دارد.

۴- تعدای از گردانها و تیپهائی که در عملیات گذشته ضعف و شکست داشته اند حال رشدشان داده اند و تبدیل به لشکر شده اند که این هم یک نارسائی است مانند لشکر قدس (منظور لشکر امام حسن)

۵- پیشنهاد می‌گردد که شورای عالی دفاع قبل از هر عملیاتی نارسائیهای فوق را در نظر بگیرد و نواقص را هم که مورد توجه فرماندهان می‌باشد بر طرف کند تا شاهد پیروزیهای بیشتری باشیم.

۶- هیئت دولت و سایر مسئولین ستاد آماده باشی تشکیل دهند تا در صورت نیاز جبهه‌ها به صورت هماهنگی اعمال نمایند.

امضاء با تقدیم احترام: محمد رشیدیان، نماینده آبادان

توضیح این‌که برادر رشیدیان این نامه را به ستاد مشترک فرستاده بودند و ستاد مشترک نیز در تاریخ ۲۷ بهمن ماه فتوکپی آنرا برای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ارسال کرد. فرمانده نیروی زمینی در پاسخ ستاد مشترک در ۴ اسفند ماه چنین اظهار نظر کرد: ضمن تشکر و سپاس از تذکرات برادر محمد رشیدیان نماینده محترم آبادان در مجلس شورای اسلامی، چون مسائل تنها مربوط به نیروی زمینی نمی‌باشد، مراتب جهت در نظر گرفتن صدور اوامر مقتضی به قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) اعلام گردید. خواهشمند است مقرر فرمائید بندهای ۵ و ۶ چکیده گزارش پیشنهاد شده بیان گردیده برای رفع نارسائی‌ها مسئله به شورای عالی دفاع ارجاع گردد. فرمانده نیروی زمینی- سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی .

کمی‌دقت در چگونگی تبادل این‌گونه نامه‌ها نشان می‌دهد که در روابط کلی فرماندهان هماهنگی چندانی وجود نداشته است و این ناهماهنگی‌ها در رده‌های پائین تر قوی‌تر بوده است. عامل اصلی ایجاد این ناهماهنگی، عدم وحدت کامل فرماندهی و دوگانه بودن نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به صورت یگان‌های ارتش و یگان‌های سپاه پاسداران بسیج مردمی بوده است.

اما عوامل دیگر روانی و احساسی و فیزیکی نیز در این نبرد موثر بودند که در شرایط عمومی تاکتیکی مسائل شامل وضعیت زمین نیروهای خودی و نیروهای دشمن اثرات سرنوشت‌سازی در این نبرد داشتند که ما در جریان بررسی مسائل تا حدی که در امکان بوده به آنها اشاره کردیم و به‌منظور اختصار، از تکرار مطالب خودداری می‌کنیم.

عملیات والفجر مقدماتی، یادداشتهائی از خاطرات رزمندگان

توجه: درباره عملیات والفجر مقدماتی با بیش از یکصد نفر از رزمندگان که در آن نبرد شرکت داشتند مصاحبه شده که به منظور اختصار و جلوگیری از تکرار خاطرات مشابه، فقط نقطه نظرات تعداد معدودی از رزمندگان که نسبتاً مسئولیت مهمتری را در عملیات داشته‌اند، مورد بررسی قرار داده و خلاصه نظریات و مشاهدات آنان را در این کتاب منظور نموده‌ایم.

برادر احمد اسکندری معاون لشکر محمد رسول الله (ص)

من در عملیات والفجر مقدماتی معاون لشکر محمد رسول الله بودم. به نظر من تمام لحظات جنگ خاطره است که می‌توان برای آن کتابها نوشت. قبل از آن که عملیات شروع شود به خاطر نیاز به آماده تر کردن واحدها، عملیات مدتی به تاخیر افتاد. در این مدت تمام رزمندگان برای شروع عملیات لحظه شماری می‌کردند و با شور و شوق فوق العاده خود را برای شرکت در آن آماده می‌ساختند.

عملیات والفجر مقدماتی با نبردهای قبلی تفاوت فاحشی داشت و آن به علت وجود موانع مصنوعی زیادی بود که ارتش عراق در مسیر پیشروی نیروهای ما ایجاد کرده بود. ضمن اینکه زمین منطقه عملیات رملی بود و هرگونه حرکات خودروها و حتی پیاده در اینگونه رملها بسیار مشکل و کند بود. موانع مصنوعی شامل کانالهای آبگیر، خندق، سیم خاردار و میدانهای مین بود. این موانع پیشروی نیروهای ما را به تاخیر می‌انداخت و حتی متوقف می‌کرد.

بالاخره روز آغاز عملیات فرا رسید در این روز، نیروهای ما مجبور بودند در آن زمینهای رملی حدود ۱۹ کیلومتر راهپیمائی بکنند، تا به مواضع مقدم دشمن برسند. این مرحله خود یکی از مهمترین و مشکلترین مراحل این نبرد بود.

حدود ساعت ۰۹:۰۰ و اندی عملیات شروع شد و نیروهای حمله ور ما به مواضع دشمن حمله کردند و تا نزدیکی کانالهای دشمن پیشروی نمودند. تا زمان وصول به کانالها درگیری جدی با دشمن پیش نیامد و چنین به نظر می‌رسد که نیروهای دشمن غافلگیر شده‌اند. زیرا در پستهای شنود که از شبکه ارتباطی نیروهای عراقی کسب خبر می‌شد، پیامهایی بین نیروهای

عراقی مبادله می‌گردید که حاکی از محاصره شدن آنها بود. نیروهای ما موفق شدند از کانالها بگذرند و نیروهای دشمن را عقب برانند. اما به علت نبودن جاده‌های مواصلاتی مناسب و مطمئن تقویت و پشتیبانی نیروهای حمله ور با مشکلاتی مواجه گردید. به‌حدی که نیروهای حمله ور مجبور به عقب نشینی به شرق کانالهای دشمن شدند و در دامنه تپه‌های رملی خاکریز ایجاد شد تا در آن پدافند نمایند. نیروهای دشمن برای انهدام نیروهای ما چندین پاتک در همان شب اجرا کردند که همگی دفع شد. در ضمن در این مدت قسمت دیگری از نیروهای ما وارد منطقه نبرد شدند و مواضع را تحکیم کردند و ضرباتی نیز به نیروهای دشمن وارد ساختند. نتیجه این مرحله از عملیات والفجر مقدماتی آن بود که نیروهای ما تپه‌های رملی را تا شرق جاده مرزی بتصرف خود درآوردند. برادر اسکندری در پاسخ این سؤال که عبور از کانالها با چه وسیله انجام گرفت. گفته اند که پلهای متحرکی آماده شده بود و به‌محض این‌که نیروهای ما به نزدیک کانالها می‌رسیدند، پله‌ها برقرار می‌شد و نیروها از آنها عبور می‌کردند. درباره علت انتخاب مسیرهای صعب‌العبور از میان تپه‌های رملی در این عملیات، نامبرده نظر داد که هدف غافلگیر کردن دشمن بود. زیرا منطقه عملیات به‌نحوی بود که فرماندهان عراقی تصور نمی‌کردند، نیروهای ما بتوانند از آن تپه‌های رملی عبور کنند. و انتظار دشمن این بود که نیروهای ما از طرف فکه و جبل فوقی - در شمال میشداغ - حمله را آغاز نمایند.

سروان توپخانه احمد رودک فرمانده آتشبار در تیپ ۵۸ پیاده ذوالفقار

من به عنوان فرمانده یک واحد رزمی در خط مقدم منطقه نبرد نبودم، ولی به عنوان توپخانه کمک مستقیم در پشتیبانی یگان‌های رزمی بودم. بنابراین نظریات من به صورت استنباطی است و نه مشاهدات عینی.

در عملیات محرم که قبل از والفجر مقدماتی اجرا شد، موفقیت نیروهای ما بیش از آن بود که تصور می‌کردیم. اما به طور کلی نیروهای ما در مجموع خیلی کمتر از مقدار مورد نیاز برای این‌گونه نبردهای گسترده بود. در نتیجه بعد از آن حمله با کمبود نیرو مواجه شدیم. این مسئله پیش‌بینی نشده بود که بعد از اجرای مراحل اولیه برای ادامه عملیات چه نیروهائی باید وارد عمل شوند. لذا عملیات باهمان نتایج به‌دست آمده متوقف گردید و نیروهای ما به‌حالت پدافندی درآمدند. قبل از آغاز عملیات به تیپ ۵۸ ذوالفقار که یک گردان آن در منطقه عملیات محرم و بقیه در غرب بستان مستقر بود، دستور داده شد به‌منطقه عملیات محرم تغییر مکان

نموده و در آن منطقه مواضع پدافندی اشغال کند. چنین شایع شده بود که در رده‌های بالا عملیات دیگری تحت بررسی و طرح ریزی است.

درباره چگونگی علت انتخاب منطقه و نحوه عملیات والفجر چنین گفته شد که نظر به این که مسئله کنفرانس کشورهای غیر متعهد در جریان است، برای نشان دادن قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران لازم است یک عملیات وسیعی اجرا شود تا بازتاب جهانی قابل ملاحظه ای داشته باشد. به این منظور منطقه حمله در غرب بستان انتخاب شد تا هدفهای مهمتری داشته باشد. در این باره دو راه کار به نظر می‌رسد یک راه کار حمله از سمت شمال فکه و راه کار دیگر حمله از جنوب غرب بستان. که به نظر می‌رسید قسمت شمالی مناسبتر بود اما در بررسی‌های ستادی چنین نتیجه گرفته شد که راه کار جنوبی سهل الوصول تر است و مدت زمان لازم برای طرح‌ریزی و آمادگی کمتر می‌باشد. لذا آن راه کار انتخاب شد و به مرحله اجرا درآمد.

اما در مرحله اجرا حتی در همان شب اول حمله نیز موفقیتی نصیب نیروهای ایران نشد. زیرا عراقیها کاملاً از حمله ما آگاه بودند و احتمالاً خائنی به نیروهای عراقی پناهنده شده و طرح نبردهای ایران را افشا کرده بود، یا این که افرادی که در هنگام شناسائی به اسارت دشمن درآمده بودند، اطلاعات لازم را در اختیار نیروهای عراقی قرار داده بودند. از معایب مرحله شناسائی عملیات این بود که غالباً به جای این که افراد کم مسئولیت تر به مأموریت شناسائی اعزام شوند تا در صورت اسیر شدن اطلاعات چندانی نداشته باشند که در اختیار دشمن قرار دهند، معمولاً فرماندهان رده‌های بالا برای شناسائی منطقه می‌رفتند و این روش این گونه خطرات را در بر داشت. درباره بعضی مسائل ناهماهنگی‌هایی نیز بین فرماندهان نیروهای ارتش و سپاهی ایجاد شده بود. به هر حال حمله مورد بحث در منطقه ای اجرا شد که بجز خودرو توپوتا هیچ خودرو دیگری در آن قدرت تحرک لازم را نداشت. حتی برای حرکت خودرو توپوتا در مسیر حرکت وسایلی قرار میدادند که تا امکان عبور از رملها وجود داشته باشد. نیروهای دشمن که متوجه طرح عملیات نیروهای ما شده بودند منطقه را خالی گذاشته بودند تا نیروهای ما را بدانجا به کشانند و هنگامیکه نیروهای ما وارد آن منطقه خالی شدند، نیروهای عراقی از طرفین پاتک کردند و آنها را قیچی نمودند و محاصره کردند. برای شکستن خط

محاصره یگان‌های محاصره شده حدود ۴ ساعت تلاش شد که از جمله تلاش ایثار گرانه جهاد سازندگی شایان توجه فوق العاده بود.

به نظر این افسر، عامل اصلی در به وجود آمدن این شرایط، غرور بیش از حدی بود که در بعضی از فرماندهان ایجاد شده بود. این غرور سبب گردیده بود که آن‌همه موانع بسیار سختی که دشمن در منطقه تحت کنترل ایجاد کرده بود، کم اهمیت تلقی شود. در حالی که این موانع امتیازات زیادی برای دشمن ایجاد کرده بود که سبب ناکامی نیروهای ما در این نبرد گردید. اما حداقل محاسن این نبرد آن بود که بعد از این که فرماندهان متوجه مشکلات شدید آن شدند از ادامه عملیات صرف نظر کردند.

برادر بسیجی محمد حسین شیرزادی عضو گردان سلمان

من در اوایل بهمن ماه وارد خوزستان شدم. به پادگان دو کوهه رفتم. به لشکر محمد رسول الله (ص) پیوستم. در آن لشکر به تیپ سلمان فارسی معرفی شدم. اکثر افراد این تیپ از افراد بسیج کرج بودند. همان شبی که من وارد این تیپ شدم با تعدادی از افراد آن تیپ به حوالی تپه رقابیه رفتیم. در پشت مواضع پدافندی آن منطقه مشغول یادگیری آموزشهای نظامی شدیم. در عملیات والفجر سازمان دهی بهتر از عملیتهای دیگر بود. وظایف و ماموریتها روشن تر تعیین می گردید. در حالی که در عملیتهای قبل ممکن بود، حتی چند ساعت قبل از آغاز حمله ماموریتها و واحدها عوض شود. در مرحله آمادگی شناسائیهای منطقه به کرات انجام شد و تقریباً اکثریت افراد با خصوصیات زمین و دشمن آشنا شدند و ماموریت هر نفر و هر گروه به دقت تعیین گردید.

زمین منطقه عملیات رملی و حرکت در آن بسیار مشکل و خستگی آور بود. اما خوشبختانه در شب عملیات بارانی بارید و رملها تا اندازه ای سفت و محکم شدند. حرکت ساده تر گردید. در شروع حرکت از یک منطقه درختزار عبور کردیم و این منطقه آن چنان درهم و سخت بود که برای دشمن امکان عبور از آن غیر قابل تصور بود.

من در مرحله دوم عملیات شرکت داشتم یگان ما تا ساعت ۲ بعداز ظهر شروع به حرکت کرد و حدود ساعت ۱۱ شب به مواضع مقدم نیروهای خودی رسید و نیروهای ما در شرق موانع دشمن موضع دفاعی گرفته بودند. بعد از این که واحد ما به منطقه جلو رسید، مواضع پدافندی

گرفت. البته قرار بر این بود که به عنوان واحد خط شکن در حمله شرکت کنیم اما آن شب تصمیم گرفته شد، به روش دیگری عملیات هدایت گردد. بالاخره ما پیشروی را آغاز کردیم. حدود ساعت ۰۳:۳۰ بعد از نیمه شب به یک جاده باریکی رسیدیم. هنگام عبور از آن جاده، من یک متر به خارج از جاده منحرف شدم. همان موقع روی یک مین دشمن رفته و مجروح شدم و به بیمارستان تخلیه گردیدم.

برادر پاسدار محمد رضا کارور فرمانده گردان مقداد

این عملیات بر خلاف عملیات‌های گذشته مسائلی در بر داشت از جمله آن‌که در خط مقدم، فاصله بین نیروهای ما و نیروهای دشمن زیاد بود. ما مجبور بودیم برای رسیدن به نیروهای دشمن و اخذ تماس مسافت زیادی را طی بکنیم. در طول مدت طی این مسافت دشمن می‌توانست آمادگی بیش از پیش پیدا کند و مواضع و موانع زیادی در مسیر حرکت واحدهای ما ایجاد نماید و مانع پیشروی سریع نیروهای ما گردد.

نیروئی که برای عملیات در نظر گرفته شده بود، دارای روحیه عالی و توان رزمی مناسبی بود. زیرا برای آماده کردن این نیرو مدتی تلاش شده بود. گردان مقداد جزویگان‌های شرکت کننده در این عملیات بود قرار بود دو گردان دیگر نیز به همراه آن وارد عمل شود. باید یاد آور شوم که پیروزی‌های نبردهای گذشته کمی غرور در ما ایجاد کرده بود و تا حدودی خدا را فراموش کرده بودیم. در صورتی که همه چیز از جانب خداست، پیروزی یا شکست.

ما بایستی حدود ۱۳ کیلومتر راهپیمائی می‌کردیم تا به خط دفاعی دشمن می‌رسیدیم. در این مسیر، موانع و میدان‌های مین به وسیله نیروهای دشمن برقرار شده بود. بنابر این اولین مأموریت ما آن بود که در این موانع دشمن معابری باز کنیم. طرح این بود که دو گردان خط‌شکن آن معابر را باز کنند. بعد گردان ما و سایر گردان‌های حمله ور از آنها عبور کنند و به مواضع دشمن حمله نمایند. اما متأسفانه کار مثبتی صورت نگرفت. ما در هنگام شب تا کانال سوم دشمن پیشروی کردیم. اما به علت دوری مسافت، زمان عملیات به‌روز کشانده شد و ادامه عملیات امکان پذیر نگردید.

هدف گردان ما اشغال قسمتی از مسیر جاده اسفالت موازی خط مرز بود. ما به اولین کانال دشمن که تا جاده یاد شده حدود یک کیلومتر فاصله داشت رسیدیم. از کانال هم عبور کردیم.

اما در همان جا مجبور به پدافند شدیم. دشمن تمام تجربیاتی را که در نبردهای گذشته به دست آورده بود، در این عملیات از آنها استفاده کرد. از جمله آنها ایجاد کانال‌های وسیع و طولانی در جلوی منطقه دفاعی خود بود.

برادر بسیجی احمد کیانی عضو تیپ ۲ لشکر نجف اشرف

قبل از شروع عملیات، ما در یک منطقه آموزشی مستقر بودیم. دشمن این منطقه را شناسائی کرد و چندین بار با هواپیماهای خود آن منطقه را بمباران نمود، ولی آسیبی به یگان‌های ما وارد نشد. یک شب قبل از آغاز عملیات ۳ گردان از لشکر نجف به جنگل عمق اعزام شد که من هم یکی از افراد آن بودم. ما در آن جا مواضعی تعیین کردیم. احتمالاً به وجود واحدهای ما پی نبردند. در شب عملیات هنگامی که حرکت ما شروع شد نیروهای دشمن با گلوله‌های منور منطقه را روشن کردند و آتشهای دوربرد دشمن نیز به منطقه ما اجراء می‌گردید.

بعد از طی مسافتی که حدود ۴ ساعت طول کشید، به میدان مین دشمن رسیدیم. دستور توقف داده شد، تا یگان تخریب در میدان مین دشمن معابری ایجاد کند. این امر فرصتی به افراد داد تا کمی استراحت کنند. یگان تخریب با استفاده از نور گلوله‌های روشن کننده دشمن موفق شد معابری در میدان مین دشمن باز کند. این عمل حدود ۲۰ دقیقه طول کشید. بالا خره معابر باز شد و ما عبور از آن را شروع کردیم. حدود ۱۵ دقیقه دیگر راه رفتیم تا به کمین دشمن رسیدیم و با دشمن درگیر شدیم. بعضی از افراد، فرمانده خودشان را گم کرده بودند ولی به هر حال واحدهای کمین دشمن منهدم گردید. نیروهای ما به خط اول دفاعی دشمن رسیدند. در آن خط نیز حدود نیم ساعت درگیر شدیم و خط اول دشمن را شکستیم و به حرکت به جلو ادامه دادیم. بار دیگر به موانع سیم خاردار و میدان مین دشمن رسیدیم که قسمت اطلاعات و عملیات ما قبلاً از آن اطلاع نداشت. یعنی اطلاعات ما از دشمن بیشتر درباره همان موانع مقدم بود و از موانع بعدی اطلاعات کافی نداشتیم. یگانهای دشمن برای حرکت خود معابری در موانع ایجاد کرده بودند که برای ما مشخص شد و ما نیز از همان معابر استفاده کردیم و به پیشروی ادامه دادیم. با عناصر سبک دشمن درگیر شدیم، همه آنان را منهدم کردیم. درگیری ما با دشمن در این منطقه تا حوالی آغاز روشنایی روز به درازا کشید. در این

موقع تا شرق کانال پیشروی کرده بودیم. یک خود رو دشمن در مقابل ما در حال فرار و عقب نشینی بود. ما عمداً او را نزدیک تا مسیر او را پیدا کنیم و تعقیب نمائیم. همین کار سبب شد تا ما بتوانیم به کانال دوم برسیم و از آن بگذریم. بعد از عبور از کانال دوم به پاسگاه رشیده رسیدیم و از پاسگاه نیز گذشتیم. نزدیک‌های صبح بلدوزرها و لودرهای خودی به‌جلو آمدند و برای ما خاکریز ایجاد کردند. واحد زرهی هم که در عقب ما حرکت می‌کرد، وارد منطقه شد. اما یگان‌های سمت‌راست و چپ - شمال و جنوب - ما درست عمل نکرده بودند. کمی عقب تر از ما بودند و ما هم عقب تر رفتیم و حدود دو کیلومتر عقب تر، خاکریز دیگر برای ما ایجاد شد. در پشت آن، موضع پدافندی تهیه کردیم. بعد از آغاز روشنائی روز عکس العمل دشمن شدید تر شد و در تمام روز ما با دشمن درگیر بودیم. حدود ساعت ۱۵:۰۰ پاتک اصلی دشمن شروع شد. اما با مقاومت سرسختانه نیروهای ما مواجه گردید و عقب نشینی نمود. بعد از این عمل، فرماندهان تیپ و گردان گفتند نفرات را عقب بیاورید تا سازماندهی جدیدی بکنیم و برای مراحل بعدی آماده شویم. ما یک شب استراحت کردیم و بار دیگر به طرف جنگل عمقر اعزام شدیم. تا خاکریزهای مرحله اول عملیات پیشروی کردیم، تا دستور حمله صادر گردد. توپخانه دشمن تمرکزات آتش خود را به منطقه همان خاکریز روانه کرده بود، اما تلفات قابل ملاحظه‌ای به ما وارد نکرد. حدود ساعت ۷ شب ۱۹ بهمن حمله آغاز شد و ما از خاکریز خودی گذشتیم و تا میدان مین دشمن پیشروی کردیم. حدود نیم ساعت در پشت میدان مین متوقف شدیم تا یگان تخریب گذرگاه باز کند و عناصر لشکر نجف از آن عبور نمایند. بالا خره از میدان مین اول گذشتیم و تا میدان مین دوم پیش رفتیم. اما در آن‌جا آتش‌های انبوه دشمن، ما را به زیر آتش گرفت. این آتش به قدری شدید بود که فرماندهان گفتند: اگر ۱۰ دقیقه دیگر در آن‌جا توقف کنیم، همه نابود خواهیم شد. اما ناگهان آتش دشمن خاموش شد و ما از میدان مین دوم نیز گذشتیم و من در همان‌جا از ناحیه پا مجروح شدم.

برادر پاسدار محسن اسمعی قسمت اطلاعات و عملیات تیپ ۲ لشکر عاشورا

توجه: این برادر، در عملیات والفجر مقدماتی زخمی شد و این مصاحبه در بیمارستان با وی به عمل آمده است.

من جزو قسمت عملیات و اطلاعات تیپ ۲ لشکر عاشورا، در عملیات والفجر مقدماتی شرکت داشتم. در همان عملیات زخمی شدم. دو سه روز قبل از آغاز عملیات، ما در منطقه مقدم بودیم و هنوز گردان‌های ما در عقب بودند. شخصیت‌های مذهبی از جمله آیت الله ملکوتی آمدند و برای افراد سخنرانی کردند. یک روز نیز برادر آهنگران به منطقه آمد و مجلس سینه زنی برپا شد. گردان‌های شهید محراب و حضرت قاسم مأموریت خط شکنی را داشتند. چند گردان مأموریت حمله به عمق منطقه دشمن را عهده دار بودند. ما چندین روز منطقه را دیدبانی می‌کردیم و فعالیت دشمن را زیر نظر می‌گرفتیم. قبل از شب حمله، سپاه قدر در نظر گرفت که یک واحد گشتی به جلو اعزام شود و من جزو گروه گشتی حدود ساعت ۱۱ شب با یک دستگاه خودرو به جلو رفتیم. نزدیکی خط دژبان لشکر - پست کنترل - از خودرو پیاده شدیم و از آن جا به بعد پیاده رفتیم تا به محلی به نام ایزاب رسیدیم. تک درختی در آن جا بود. ما با گروه دیگری از افراد خودی که در حال شناسائی بودند برخورد کردیم. این گروه با موتور در منطقه طناب کشی می‌کردند - احتمالاً منظور مشخص کردن مسیر حرکت شبانه بود - گروه ما تمام مدت شب مشغول بررسی منطقه و شناسائی مواضع و موانع دشمن بود. تا اینکه بامداد فرار رسید و ما به منطقه تجمع خود مراجعت کردیم. بعد از مدتی استراحت، افراد گروه‌های گشتی یک جا جمع شدند و بررسی اطلاعات و مبادله آنها و هماهنگی‌ها انجام شد. بعد برادر حاجی همت مسئول سپاه ۱۱ قدر به منطقه آمد و اطلاعات را در اختیار او قرار دادیم. متقابلاً با طرح عملیات توجیه شدیم، نیروها نیز به جلو آمدند. عموماً با خودروهای شخصی مانند تویوتا و ۱۰ تن یا ایفا بودند.

من به قرارگاه تاکتیکی تیپ رفتیم و با مسئول تیپ صحبت کردم. او دستور داد طبق تقسیم بندی که شده بود، هر یک از ما به گردانی برویم. من به گردان خود رفتم. با فرمانده گردان صحبت کردم و او و فرماندهان گروهانها را با منطقه توجیه نمودم. طبق طرح گردان ما به جلو حرکت کرد. حدود ساعت ۱۱ شب بود که به پشت میدانهای مین دشمن رسیدیم و عملیات آغاز شد. واحدهای دیگر جلوتر از ما از آن گذشته بودند. ما هم به پیشروی ادامه دادیم.

حدود ساعت ۰۳:۰۰ به مواضع دشمن رسیدیم. در این هنگام، من که مسئول اطلاعات و عملیات بودم، به قرارگاه تیپ احضار شدم. در همان موقع به واحدهای جلو نیز دستور دادند مواضع اشغال کنند. تا ظهر آن روز در قرارگاه تیپ بودم. صبح روز ۱۹ بهمن بار دیگر به جلو اعزام شدم و در منطقه یکی از گردانهای تیپ ۲ که در مواضع پدافندی گسترش داشت، مشغول انجام وظیفه شدم. ظهر آن روز فرمانده لشکر ما به منطقه آمد. مسئول اطلاعات و عملیات لشکر همراه او بود. گفت: عده ای برای شناسائی به جلو بروند، چون امشب تیپ دیگری حمله خواهد کرد. من با تعدادی برای شناسائی حرکت کردیم و در هنگام شناسائی خمپاره ای منفجر شد. من زخمی شدم و به عقب برگشتم. اما بیهوش شده بودم و مرا با هلیکوپتر به دزفول تخلیه کردند.

برادر پاسدار محمدرضا مدرس از واحد عملیات و اطلاعات لشکر محمد رسول ا... (ص)

عملیات والفجر مقدماتی خیلی وسیع بود - توضیح اینکه با این برادر زمان اجرای عملیات مصاحبه شده است - سعی ما این بود که به تمام اهداف خود برسیم. ولی هنوز مرحله اول عملیات (در ۶۱/۱۱/۲۲) به پایان نرسیده بود.

عملیات چنین شروع شد که ما از بیت شایه به جلو رفتیم. هدف آن بود که از درب دیبه به عراق حمله ور شویم. اما نیروهای ما قدری تاخیر داشتند. حدود ساعت ۰۹:۳۰ حمله با اعلام کلمه رمز یا الله شروع شد. ولی به نظر می‌رسید که دشمن قبلا از حمله ما آگاه شده بود و تمام فعالیت ما را زیر نظر داشت. هنگام شروع حمله، آتش سنگین دشمن به منطقه نیروهای ما روانه شد. در عین حال نیروهای ما به موانع و میدانهای مین دشمن برخورد کردند. ولی با تکیه بر نیروی ایمان به خدا به پیشروی ادامه دادند. زمین منطقه عملیات رملی بود و افراد را خسته می‌کرد، ضمن این‌که طول مسافت نیز زیاد بود و حرکت خودروها نیز به‌کندی انجام می‌گرفت. ما حدود ۹ کیلومتر به حالت پیاده روی این رملها راه پیمائی کردیم. خیلی خستگی آور بود. به‌نحوی که هنگامی که به نزدیکی مواضع دشمن رسیدیم، از فرط خستگی عده ای نشستند و عده‌ای نیز دراز کشیدند. در حالی که نیروهای عراقی با پرتاب گلوله‌های منور منطقه را روشن می‌کردند. این عمل به نفع ما نیز بود و ما مواضع دشمن را می‌دیدیم. در همان منطقه حدود ۲

ساعت متوقف شدیم تا خستگی افراد کمی کاهش یافت و رمز شروع حمله اعلام و حمله آغاز شد.

موانعی که نیروهای عراقی ایجاد کرده بودند، خیلی قویتر از مناطقی بود که در آنها قبلاً حمله کرده بودیم. میدانهای مین با شبکه‌های سیم خاردار حلقوی تقویت شده بود. برداشتن آنها بسیار مشکل بود. بالاخره از آن موانع گذشتیم و به کانالهای احداثی عراق رسیدیم. عرض کانالها حدود ۳ متر بود. از پلهای ارتشی برای پل زنی استفاده شد و لودرها نیز جلو آمدند. کانال را در نقاطی پرکردند و مسیر حرکت یگانها را صاف نمودند. دیگر نیازی به وسایل پل نبود.

در مرحله اول عملیات بعضی از یگانها موفق شده بودند تا جاده آسفالتی پیشروی کنند. ولی یگانهای موفق به پیشروی نشدند. دستور داده شد واحدهائی که جلوتر بودند عقب‌نشینی کنند تا از خطر محاصره شدن رهائی یابند.

برادر پاسدار عزیز تقوی فرمانده گروهان در گردان کوثر

در عملیات والفجر مقدماتی برادر فواد هویزی فرمانده گردان کوثر بود. یکی از بهترین فرماندهان سپاه بود. چند شب قبل از شروع عملیات، ما به جنگل عمقر رفتیم و آماده برای حمله شدیم. اما از پست شنود اطلاعاتی از نیروهای عراقی می‌رسید که نشان می‌داد نیروهای عراقی به حمله ما پی برده اند. به همین جهت، عملیات ۳ روز به تاخیر افتاد. بالاخره حمله شروع شد و یگان ما را به پشت خاکریزی که از نیروهای عراقی باقی مانده بود بردند. نیروهای ما حدود ۱۵ کیلومتر جلوتر رفته و به آن خاکریز رسیده بودند. این منطقه در زیر آتشفهای سنگین دشمن قرار داشت. ما در خط اول به انتظار ماندیم تا دستور پیشروی صادر شود. بالاخره دستور حمله صادر شد. طبق طرح بایستی یکی از گردانهای تیپ نجف اشرف که خط شکن بود پیشروی می‌کرد، بعد گردان عمار پیشروی می‌نمود و منطقه را پاکسازی می‌کرد. سپس گردان ما - کوثر - حرکت می‌کرد و به مواضع خط دوم دشمن حمله ور می‌گردید. بعد از گردان ما، یگان مکانیزه خودی به واحدهای زرهی دشمن حمله می‌نمود. افراد گردان ما در پشت خاکریز تا ساعت ۱۰ شب به انتظار نشستیم. خط اول به وسیله بسیج اصفهان و خط دوم به وسیله گردان عمار شکسته شد و برای شکستن خط سوم مقاومت دشمن گردان ما پیشروی

کرد. اما افراد ما به میدان مین دشمن برخورد کردند. در تغییر سمت، از مسیر پیش بینی شده منحرف شده و راهها را گم کردند. در همین منطقه برادر فواد هویزی و تعدادی دیگر از افراد ما به روی مین دشمن رفتند. اما آسیب جدی به آنان وارد نشد. آتش توپخانه دشمن مدام به سرما می‌ریخت و تلفاتی به ما وارد می‌کرد، ولی ما موفق شدیم به پشت خاکریز دشمن برسیم. دیدیم نیروهای عراقی از آن خاکریز عقب نشینی کرده اند. بالاخره ما موقعیت خود را تشخیص دادیم و راه را پیدا کردیم. اما در همان جا باقی ماندیم، تا از فرماندهان بالاتر دستور برسد. خاکریزی که ما گرفته بودیم محل هدف یگان‌های لشکر علی ابن ابیطالب بود. در همان تاریکی شب و زیر باران گلوله دشمن، برادران جهاد سازندگی برای نیروهای ما خاکریز تهیه می‌کردند. تلاش جهاد سازندگی فوق العاده فداکارانه بود که به وصف نمی‌گنجد. من در همان شب ترکش خوردم و هنگام صبح به عقب تخلیه شدم. سایر برادران نیز همان موقع عقب نشینی کردند، لذا در آن شب گردان ما با دشمن درگیر نشد.

برادر بسیجی عضو گردان کمیل تیپ عمار لشکر محمد رسول الله (ص)

گردان ما حدود دو ماه قبل از عملیات والفجر مقدماتی، در منطقه مستقر شد و آموزشهای لازم را طی کرد. تاخیر افتادن عملیات آفندی سبب ناراحتی افراد شده بود، تا این‌که روزی احساس شد نیروهای عراقی آماده برای حمله به نیروهای ما می‌شوند. بدین جهت گردان برای دفع حمله دشمن به خط مقدم اعزام شد. ولی حمله دشمن به اجرا در نیامد. بعد از آن یگان ما حدود ۲۰ روز در محل باقی ماند، تا این‌که یک روز قبل از عملیات، گردان ما را به عقب بردند و گفتند: قریبا حمله ای اجرا خواهد شد. این امر سبب خوشحالی افراد گردان ما گردید، تا این‌که حمله فرا رسید. در این عملیات ماموریت گردان ما تصرف جاده آسفالته بود. پیشروی طبق طرح شروع گردید. در هنگام پیشروی به یک گردان دیگر خودی برخورد کردیم که از مسیر حرکتش منحرف شده بود. به نظر آمد که اشکالاتی در هماهنگی حرکات ایجاد شده است. در این موقع به حدود ۲۰ متری نیروهای عراقی رسیده بودیم، آن‌چنان‌که یکی از افراد عراقی صدا کرد شما خودی هستید یا دشمن - البته به زبان عربی - وقتی که فهمید خودی نیستیم، احتمالا به یگان خود اطلاع داد و نبرد آغاز شد. آتش سلاح تیر مستقیم دشمن به منطقه ما روانه گردید و افراد ما را زمین گیر کرد. تعدادی از افراد ما زخمی شدند. این وضع

حدود نیم ساعت به طول انجامید و در این مدت نیروهای خودی توانسته بودند معابری در میدانهای مین و موانع دشمن ایجاد کنند. ما پیشروی را ادامه دادیم و به کانال دوم رسیدیم. در پشت این کانال نیروهای عراقی کاملاً آماده مقابله با ما بودند و نیروهای ما را زیر آتش سنگین خود گرفتند. نبرد شدیدی بین نیروهای ما و عراقی‌ها در گرفت. تیر با رهای عراقی مزاحم بودند، ولی برادران ایثارگر ما با فداکاری عجیبی آنها را خاموش ساختند. اما یگان ما به هر حال زمین گیر شد و نتوانست به پیشروی ادامه دهد، زیرا مقاومت عراقی‌ها خیلی قوی بود. احتمالاً اشتباهاتی در عمل بعضی از یگانها رخ داده بود. یک نفر اشتباهاً به نام فرمانده تیپ به واحدها دستور داده بود که عقب نشینی کنند، بدین جهت واحدهای پشتیبان کمی عقب نشسته بودند و بین آنها و ما فاصله ایجاد شده بود. دشمن نیز سریعاً تجدید سازمان کرده و به نیروهای ما فشار وارد نمود. به ما اطلاع دادند، مهندسی رزمی در شرق کانال سوم خاکریز احداث کرده است و گردان ما به آن خاکریز عقب نشینی کرد اما عناصری در محاصره دشمن مانده بودند که چند شب بعد به وسیله گردانهای دیگر خط محاصره شکسته شد و آنها را نیز به عقب آوردند.

برادر بسیجی علی محمود رحیمی عضو تیپ حضرت معصومه لشکر علی ابن ابیطالب

من عضو گردان امام الهادی تیپ حضرت معصومه بودم. گردان سید الشهداء خط شکن بود و گردان ما پشتیبان آن بود. گردان دیگر در دنبال ما حرکت می کرد قرار بود تیپ محمد رسول الله در سمت شمال ما وارد عمل شود.

هنگامی که گردان ما برای شروع حمله به جلو رفت، در پشت تپه ای متوقف شد، تا خط دفاعی دشمن شکسته شود. هنگامی که گردان خط شکن مشغول جمع آوری میدان مین دشمن بود، پای یکی از افراد روی مین جهنده رفت و منطقه روشن شد. در نتیجه نیروهای عراقی متوجه حمله ما شدند. ابتدا گلوله های منور و موشک های اعلام خبر پرتاب کردند. بعد از آن که موشک قرمز پرتاب شد، آتش نیروهای عراقی به روی افراد ما باز شد. بالاخره خط مقاومت دشمن شکسته شد و ما پیشروی کردیم. ابتدا به یک کانال کوچک رسیدیم. از آن گذشتیم بعد به یک کانال بزرگ رسیدیم. تعدادی قریب ۲۰ نفر از افراد ما تخته هائی حمل می کردند تا بر روی کانال برقرار کنند و راه عبور باز نمایند. افرادی که تخته ها را حمل می کردند، خیلی خسته شده بودند، به طوری که ما از برقرار کردن تخته ها روی کانال صرف نظر کردیم و پریدیم. داخل کانال آب و گل بود و ما نتوانستیم از طرف دیگر کانال بالا بیائیم. زیرا من یک قبضه تیربار و همچنین سلاح انفرادی همراه داشتم. البته اسلحه متعلق به یکی از برادران بود. که مجروح شده بود یک آرپی جی هم داشتم. ما در آن شرایط حدود نیم ساعت زمین گیر شدیم و تلفاتی نیز دادیم. بالاخره من با کمک یکی از برادران که در خارج کانال بود از آن خارج شدم، بقیه هم بالا آمدند. پیشروی کردیم تا به کانال سومی رسیدیم که عرض آن حدود ۴ متر بود و نردبانی برای ورود و خروج روی آن گذاشته شده بود. - توسط افراد خودی. - اما از هر تعدادی که از روی آن عبور می کردند عده ای نیز به داخل کانال می افتادند. ما از کانال گذشتیم و در غرب کانال آتش دشمن به روی ما باز شد. یکی از افراد ما به نام عباس جان نثار به شدت مجروح شد. علی بیگی معاون گردان به ما گفت: به سمت شمال برویم. ما بعد از طی مسافتی به افراد گردان سید الشهداء رسیدیم. در آن جا درباره ادامه پیشروی یا عقب نشینی بین فرمانده گردان و افراد بحث بود. فرمانده آن گردان مجتبی حجازی نیز از ناحیه دست تیر خورده و مجروح بود. یک تیر بار چهار لوله دشمن به سمت محل توقف افراد ما روانه شده و مانع پیشروی گردیده بود. اما افراد ما داخل کانال بودند و آسیب نمی دیدند. من با یکی از

برادران مسئول عملیات و اطلاعات به نام حمید سعادت‌مند تصمیم گرفتیم به سمت موضع تیربار دشمن برویم و آن‌را از کار بیندازیم. برای این منظور تا جاده آسفالت پیش رفتیم. عراقی‌ها متوجه حرکت ما شدند، منطقه را روشن کردند. ما دیدیم که نیروی زیادی از دشمن در تمام منطقه موضع گرفته است. ما مجبور به عقب نشینی شدیم و وضعیت را به فرمانده گردان سیدالشهداء اطلاع دادیم. او گفت: در همان‌جا پدافند شود تا وضعیت روشن گردد. در این گیرودار به ناگهان یک فرد عراقی که خود را به حاشیه کانال رسانده بود، افراد ما را که داخل کانال بودند به رگبار بست و تعدادی را شهید و مجروح کرد. بعد از آغاز روز دستور داده شد نیروی ما عقب نشینی کنند. ما به عنوان عقبدار ماندیم، تا ابتدا دیگران عقب بروند. بالاخره همه عقب آمدیم و در خاکریزی که به وسیله جهاد سازندگی ایجاد شده بود مواضع پدافندی اشغال کردیم.

برادر پاسدار فریدون قاسمی معاون فرمانده گروهان در گردان سید الشهداء

واحد ما حدود ۴ ماه قبل از عملیات در منطقه ای به نام سایت - غرب شوش - مستقر شد. به علت طولانی شدن توقف در این منطقه، افراد خسته شده بودند. به طوری که افرادی به عنوان مرخصی می‌رفتند و دیگر بر نمی‌گشتند. تا این که روزی برادر حسن درویش فرمانده تیپ امام حسن به منطقه آمد و همه افراد را احضار کرد و برای آنها درباره عملیات صحبت نمود. گفت: همه طرحهای عملیاتی آماده است، فقط منتظر صدور فرمان امام هستیم. این خبر فوق العاده در روحیه افراد حسن اثر داشت. در همان روز واحدی از ما به منطقه جلو اعزام شد و روز بعد بقیه واحد اعزام گشت. محل بعدی ما جنگل عمقر بود. مدتی در آن جا مرحله آمادگی را گذارندیم تا زمان عملیات فرا رسید و حرکت و راهپیمایی به سمت مواضع حمله شروع شد. گردان شهید دانش، گردان خط شکن بود. گردان محبی بعد از آن، حرکت می‌کرد و گردان ما - الشهداء - بعد از آن راه می‌افتاد.

به ما گفته بودند، در مسیر پیشروی ۳ کانال عراقی وجود دارد که باید از آنها عبور کنیم. اما در هنگام عملیات به کانال چهارم نیز برخورد کردیم. به علت این که قبلا از وجود آن آگاه نبودیم، همین امر سبب وارد شدن تلفاتی به نیروهای ما گردید.

از نظر اطلاعاتی اشتباهات دیگری وجود داشت. برای عبور از کانال پلهائی پیش بینی شده بود که به وسیله افراد حمل می‌شد. پل‌ها به این صورت بودند که مقداری سیم کابل و تعدادی برانکار بود که با سیم روی کانال مستقر می‌شد و برانکارها در روی دو رشته سیم قرار می‌گرفتند و افراد از روی آنها می‌گذشتند.

عملیات حدود ساعت ۲۱:۳۰ شروع شد ابتدا گردان شهید دانش حرکت کرد و از کانال اول عبور کرد. اما در حاشیه کانال موانع دیگری از قبیل سیم خاردار و میدان مین دشمن وجود داشت که در عبور از آن تعدادی از افراد ما شهید و مجروح شدند. بالاخره گردان ما نیز از آن کانالها گذشت. اما به کانال دیگری رسید که قبلا از آن اطلاع نداشت.

افراد ما به داخل کانال افتادند. در مقابل آن کانال موانع و میدانهای مین دیگر دشمن وجود داشت. این موانع آن قدر زیاد بود که می‌توان گفت در عملیات والفجر مقدماتی ما با خود دشمن نجنگیدیم، بلکه با موانعی که دشمن ایجاد کرده بود وارد مبارزه شدیم.

به طور کلی وضعیت منطقه نبرد طوری بود که ما با خود عناصر دشمن درگیر نشدیم. بعد از آغاز روز نتوانستیم به پیشروی ادامه دهیم. مجبور به عقب نشینی شدیم. تلفات زیادی نیز در این عقب نشینی دادیم. به عنوان مثال از گروهان ما بیش از ۳۰ یا ۴۰ نفر سالم بازنگشتند .

برادر بسیجی فضل الله کبیری عضو گردان ذوالفقار لشکر نجف اشرف

گردان ما حدود یکماه بود که منتظر حمله بود و طولانی شدن دوران انتظار سبب تضعیف روحیه برادران شده بود. بالاخره در شب ۱۷ بهمن گردان ما به جنگل عمقر حرکت کرد. شب بعد عملیات شروع شد. طرح آن بود که معابری در موانع دشمن به وسیله یگان‌های تخریب خودی ایجاد شود که این کار انجام گرفته بود. ولی به نظر می‌رسید که دشمن به ایجاد آن معابر پی برده بود. زیرا هنگامی که عملیات شروع شد، دشمن آتشیهای نشان شده به آن معابر اجرا کرد و تلفات سنگینی به نیروهای ما وارد نمود. مسئله غافلگیری دشمن از میان رفت. معابر کم عرض و حدود یکمتری بودند. با این وجود افراد ما بدون ترس از آتش دشمن از آنها گذشتند و به کانال اول رسیدند. پلی بر روی آن قرار داده شد. این پل قطعات فلزی بود که با لولا به یکدیگر متصل می‌گردید. هر قطعه حدود یکمتر طول داشت. عبور از پل به‌ستون یک نفری بود. بعد از عبور از کانال اول به میدان مین دشمن رسیدیم که دشمن معابری در آن داشت و تیربارهایی برای دفاع از آن معابر مستقر کرده بود. افراد ما این تیربارهای دشمن را منهدم کردند و از آن معابر گذشتند. به کانال دوم رسیدند. اتفاقاً افراد تامین عراقی از نزدیکی این کانال فرار کرده بودند و نتوانسته بودند پلها را تخریب کنند. آن پلها به‌دست نیروهای ما افتاد و از آن گذشتیم. به میدان مین سوم دشمن برخورد کردیم که خیلی وسیع نبود و معابر بزرگی داشت. در غرب این میدان مین شیارهایی تهیه شده بود که نیروهای عراقی در آن مواضع و سنگر داشتند. افراد ما به آن سنگرها حمله کردند. من حدود ۳۰ متری آن سنگرها زخمی شدم و عده زیادی نیز از افراد ما مجروح شده بودند، اما همه آنها رزمندگان سالم را برای ادامه پیشروی تهییج و تشویق می‌کردند. بالاخره گروه امداد پزشکی آمد و زخمی‌ها را پانسمان کرد و آنها را به عقب تخلیه نمود.

برادر پاسدار سید مهدی اسماعیلیان عضو مرکز آموزش سپاه پاسداران نجف آباد

برای آماده شدن جهت عملیات والفجر مقدماتی، یگان ما در تنگ ذلیجان مستقر شد. قرار شد عملیات از جنگل عمقر آغاز شود. در مرحله اول پیشروی تا پل غزیه انجام گیرد. در مرحله دوم تا عماره ادامه یابد. هدف اصلی این عملیات شهر العماره عراق بود، ولی متأسفانه نقطه ضعف‌هایی در عملیات وجود داشت که مانع رسیدن نیروهای ما به هدف شد. در جلسه ای که با حضور فرمانده تیپ و فرماندهان گردانها تشکیل شد، از جمله نقاط ضعف‌ها که بیان گردید، آن بود که طرح این عملیات برای دشمن مشخص شده بود. یکی از دلایل آن استقرار و تمرکز نیرو در آن منطقه به مدت ۳ ماه بود. این تمرکز نیرو قطعاً به دشمن می‌فهماند که عملیاتی در این منطقه اجرا خواهد شد. ضمن این‌که تلاش‌های مختلف از قبیل: شناسائی و جاده سازی و غیره نیز دلایل روشنی برای اجرای حمله بود. البته شایعاتی نیز درباره احتمال وجود عناصر جاسوس دشمن در بین نیروهای خودی و یا منطقه پراکنده بود. می‌گفتند موتور سوارانی که برای شناسائی رفته بودند اسیر دشمن شده و طرح را لو داده اند.

ضعف دیگر به اهمیت ندادن و کوچک شمردن بعضی از مسائل مهم بود. نقطه ضعف دیگر نارسائی طرحها بود که در آنها برای عبور از آن همه موانع دشمن پیش بینی های کافی نشده بود. این امر سبب شد که کارها طرحها به سرعت تغییر پیدا کنند و مأموریت یگانها عوض شود و واحدهائی مأموریت را به‌عهده بگیرند که قبلاً با آن توجیه نبودند.

مسئله دیگر عدم اطلاعات کافی در رده های مختلف بود. طوری که هر فرمانده ای فقط از کلیات عملیات آگاه بود و درباره جزئیات مطالب مهمی نمی‌دانست. مثلاً درباره وجود جاده ها و کانال ها مطالب کلی گفته شده بود. اما درباره جزئیات آنها اطلاعات کافی در اختیار یگانهای اجرائی نبود و خود منطقه رملی مشکلی برای یگانها ایجاد کرده بود که سبب گم شدن بعضی از آنها گردید.

مسئله دیگر وارد عمل کردن کلیه نیروها در همان مرحله اول عملیات بود. این امر سبب شد که اغلب یگانها با یکدیگر تداخل کرده و بی نظمی در آهنگ حرکت یگانها ایجاد شود به طوری که یگانها واحدهای سمت راست و چپ خود را نمی‌شناختند.

نکته دیگر وارد کردن قسمت عمده نیروها از یک محور بود. این محور برای دشمن شناخته شده بود، آن را در زیر آتش سنگین خود گرفته بود. ضمن این‌که دفاع خود را نیز

مقابل آن محور مستحکم کرده بود. اتفاقاً در مرحله دوم نیز نیروهای ما از همان محور پیشروی کردند. این امر سبب تلفات دیگری شد - به طور کلی تلفات نیروهای ما بسیار زیاد شد. یگان ما به همراه واحد سوار زرهی و مکانیزه پیشروی می کردند. حدود ۳ بعد از نیمه شب به نزدیک منطقه نبرد رسیدیم. قرار بود خاکریز تهیه شود و یگان ما در آن مستقر گردد و پاتک احتمالی دشمن را دفع نماید. در هنگام حرکت نیروی پیاده نظام با افراد سواره همگام نبود. تعداد زیادی از افراد بر روی تانکها سوار شده بودند که این خود امری خطرناک بود و من خود دیدم که روی یک دستگاه خود رو نفر بر حدود ۳۰ نفر سوار شده بودند. در هنگام عقب نشینی هم همین وضع وجود داشت. ارتباط مطمئن بین یگانها برقرار نبود. این امر سبب بروز اختلال در راهپیمائی شبانه می شد بخصوص این که بین یگانهای پیاده با زرهی ارتباط وجود نداشت. این ناهماهنگی ها سبب شد که در مدت ساعات تاریکی شب نیروهای ما به خط اول هدف که کانال چهارم بود نرسیدند، تا در آن مواضع پد افندی ایجاد کنند. بعد از روشنائی روز دشمن پاتک کرد و نیروهای ما یکباره بدون طرح شروع بعقب نشینی کردند و ما فقط یک چیز فهمیدیم که همه می گفتند عقب نشینی کنید و گرنه محاصره می شوید. این وضع سبب اختلال شدید گردید. افراد تلاش می کردند به هر وسیله ای خود را نجات دهند. برای این منظور به تانکها و نفربرها رو آوردند و سوار آنها شدند. دو دستگاه تانک به داخل کانال افتادند و واژگون شدند و نتوانستند خارج شوند. من خودم روی تانکی سوار بودم. گلوله های آرپی جی دشمن تانک های ما را تعقیب می کردند، ولی خساراتی وارد نکردند. در آن شب واحد ما حتی یک گلوله هم تیر اندازی نکرد. فقط سوار تانک ها بودیم و راه می رفتیم. در نزدیکی صبح همه نیروها عقب نشینی کردند و به پشت خاکریز اول آمدند.

آنچه مسلم به نظر می رسید، این بود که دشمن کاملاً از چگونگی عملیات ما آگاه بود و خود را برای مقابله کاملاً آماده کرده بود. در حالی که در مراحل طرحریزی و هدایت عملیات نیروهای ما نیز نقاط ضعف های فراوانی وجود داشت. از جمله ضعف فرماندهی و رهبری بود. عملاً فرماندهان تیپ کاره ای نبودند. فرمانده لشکر مستقیماً با فرماندهان گردان تماس می گرفت ضمن این که این فرماندهان نیز قدرت فرماندهی خوبی ارائه ندادند.

درباره روش اجرای عملیات برادر اسماعیلیان چنین گفته اند که یگان ما در شب اول عملیات وارد نبرد نشد. شب اول عملیات با شکست مواجه شد و تلفات زیادی به نیروی ما وارد

گردید. از یک گردان به نام گردان حاج امینی تقریباً نصف گردان تلفات دادند و نیروهای ما عقب نشینی کردند. شب دوم به علت عدم امکان ایجاد هماهنگی، حمله اجرا نشد. در شب سوم، عملیات بار دیگر شروع شد که گردان ما نیز به همراه واحد زرهی، سوار بر تانکها و نفربرها شدند. گردان ما با یک گردان دیگر از لشکر نجف با دو گردان زرهی ادغام شده بودند. ابتدا یگانهای پیاده پیشروی کردند تا معابری در میدانهای مین و موانع دشمن ایجاد کنند و ما بایستی مواضع پدافندی در پشت موانع دشمن اشغال می کردیم.

عملیات شروع شد و تا حدود کانال چهارم دشمن پیشروی انجام گرفت. هنگامی که صبح شد، به ناگاه متوجه شدیم که فرمانده ستون به عقب برگشته و به ما هم نگفته چکار باید بکنیم. بالاخره فرمانده ما هم دستور داد به عقب برگردیم. هنگام عقب آمدن تانکی که ما روی آن سوار بودیم، به داخل کانالی افتاد و گیر کرد و ما پیاده شدیم. با فرمانده گروهان و معاون او و بی سیم چی و چند نفر دیگر قدری به جلو رفتیم، اما متوجه شدیم که داخل واحد های دشمن می شویم. سریعاً روی یک تانک دیگر سوار شدیم و به عقب برگشتیم. در پشت همان خاکریز که شب قبل بودیم مستقر شدیم. این عملیات که نیروی زیادی برای آن آماده شده بود با عدم موفقیت مواجه گردید و تلفات و خسارات سنگینی به نیروهای ما وارد شد.

برادر محمد محمودی نژاد مسئول ستاد پشتیبانی جهاد کرمان

در منطقه ای که فعالیت آغاز شد، ابتدا هیچ‌گونه نیرویی از ایران و عراق در آن مستقر نبود. منطقه ای رملی بود که کمتر تصور می شد در آنجا نبردی اجرا شود. وقتی که ما وارد آن منطقه شدیم، دیدیم که خودروهای معمولی نمی‌توانند کاری انجام دهند و باید دنده کمک داشته باشند. نام این منطقه زلیجان بود و جنگل عمق و میشداغ نیز می‌گفتند. قرار شد جهاد سازندگی در آنجا جاده ایجاد کند. جاده سازی حدود یک یا دو ماه به طول انجامید و تا منطقه درختزار عمق ادامه داده شد.

بعد از احداث این جاده یک حالت غرورآمیزی در افراد ایجاد شد تا بلویی نوشته شده بود: مقصد العماره . تابلوهای دیگری نیز نصب شد و این نامگذاری به وسیله لشکری انجام شد که ما برای آن جاده می کشیدیم. این تابلو بهترین اطلاعات را می توانست به دشمن بدهد. ضمن این که احتمال وجود عوامل نفوذی دشمن در بین نیروهای خودی نیز وجود داشت . این اطلاعات به دست نیروهای عراقی افتاده بود. چنان که چند شب قبل از عملیات، رادیو عراق گفته بود که نیروهای ایران می خواهند در منطقه عماره حمله کنند. بنابراین ارتش عراق مقابله کاملاً آماده شده بود. از جنگل عمق تا خط مقدم دشمن جاده ای وجود نداشت . افراد جهاد سازندگی با تلاش فراوان جاده ای احداث کردند. هنگام پیشروی نیروهای ما بعد از آن که مقداری جلو رفتند، گزارش دادند خبری از دشمن نیست. خودروها با چراغ روشن پیشروی کردند. اما هنگامی که به نزدیکی میدان مین دشمن رسیدند، دشمن آتش خود را بر روی آنها باز کرد . ما ناگهان متوجه شدیم افراد خودی با حالت ناراحت کننده و زخمی به عقب باز می‌گردند. موقعیت را از آنها پرسیدم، گفتند: در حدود دو کیلومتری دشمن هستیم. در این حالت یک ستون بزرگ از خودروهای راهسازی در آن منطقه بود که همه به حالت چراغ روشن بودند. دشمن آن منطقه را تشخیص داد و آتش خود را بر روی آنها باز کرد، اما خسارت و تلفاتی به نیروهای ما وارد نشد . خودروهای مهندسی سریعاً عقب نشینی کردند و فقط دو نفر از برادران ایثارگر جهاد سازندگی باقی ماند و برای افراد خودی خاکریز تهیه گردید.

با همه مشکلاتی که به وجود آمده بود، نیروهای ما تا حوالی پل غزیه جلو رفته بودند، اما نابسامانی به وجود آمده بود. چنان که یکی از رانندگان لودر می گفت: وقتی من به آن منطقه رسیدم کسی نبود که به من بگوید چه کار باید بکنم. سیستم فرماندهی مختل شده بود و من هم تنها راننده لودری بودم که در آنجا شروع کردم به ایجاد خاکریز، تا این که هوا روشن شد و

متوجه شدم خاکریز را در جهت عکس زده‌ام در حالی که پشت به دشمن بودم. خاکریز به صورت دایره‌ای بود، مجبور شدم در خاکریز شکافی ایجاد کنم و به پشت آن بیایم. در این هنگام دشمن گلوله ای را به طرف لودر من روانه کرد و نیروهای خودی نیز عقب نشینی کردند. برای مرحله دوم عملیات، دشمن آماده تر شده بود. عدم موفقیت باعث ناراحتی افراد ما گردیده بود. آنهایی که عقب می آمدند از وجود ناهماهنگی ها و ضعف ها ابراز ناراحتی می کردند. اطلاعات کافی نبود، پلهایی که برای عبور از کانالها ساخته بودند، کارائی چندانی نداشت. اشکالاتی دیگر نیز در جریان عملیات بود. این برادر در پاسخ به سوال نحوه هماهنگی سپاه و ارتش گفته است که متأسفانه هماهنگی چندانی وجود نداشت. نیروهای پیاده کلاً از افراد سپاه و بسیج بودند، فقط نیروهای پشتیبان از نظر سلاح سنگین، یگان‌های ارتشی بودند. شاید دید بعضی از افراد بعد از عملیات آن بود که در این عملیات با عناصر ارتشی هماهنگی کافی نشده بود. به طور کلی هرگاه یگانهای ارتش و سپاه به طور مجزا وارد عمل شدند، نتایج چندان مطلوب نبوده است.

درباره روش فرماندهی و کنترل، برادر محمودی نژاد نظر دادند که روی هم رفته در منطقه ای که ما فعالیت می کردیم چندان خوب نبود. من شاهد بعضی از این ضعفها بودم. می گفتند افرادی را دستگیر کردند که با دشمن همکاری می کردند. نمی دانم درست بود یا نه ولی به هر حال شایع کردن این خبر ها زیانهایی را برای روحیه افراد ما داشت. از جمله ضعف فرماندهی آن بود که یکبار دستور دادند چراغها را روشن کنند. وقتی چراغها روشن شد، منطقه به صورت شهرکی کاملاً مشخص نمایان گردید. معلوم نبود چه کسی و به چه علتی چنین دستور خطرناکی را داد. نا هماهنگی ها چشمگیر بود، به ویژه بین ارتش و سپاه، مثل این بود که هر کسی می خواست به اصطلاح خودی نشان بدهد. یکی از افراد جهاد سازندگی می گفت در یک جلسه طرح ریزی شرکت کرده بود، وقتی که درباره چگونگی فعالیت جهاد سازندگی مسائلی مطرح می شد، غالباً نظریات غیرمنطقی ارائه می گردید. این برادر مشکلات را گفته بود و به همان جهت، عملیات دو هفته به تاخیر افتاد. در مورد جهاد سازندگی مقدمات را در نظر نمی گرفتند.

برادر پاسدار مهدی آزادی از منطقه ده کشوری

این برادر جزو گروه تخریب بود. در این مصاحبه ضمن تشریح پیشرفت آموزش تخریب در یگانهای سپاه و بسیج، نظریات خود را در مورد عملیات والفجر مقدماتی ارائه کرده است. در مقدمه آن در مورد ضعف حفظ اسرار و اطلاعات تاکید کرده و می‌گوید منطقه استقرار نیروهای خودی مانند شهرکی بود و رفت و آمد ها و طرحها حفاظت نمی شد. به عنوان مثال: وقتی به منطقه لشکر ۱۵ امام حسن رفتیم در آنجا در هر گوشه و کنار دیدیم که کالک عملیات در دسترس همه قرار دارد و حتی روی زمین منطقه عملیات را طراحی کرده بودند. هواپیماهای دشمن می توانستند از آن عکسبرداری کنند. این امر سبب شد که دشمن کاملاً از چگونگی طرح عملیات نیروهای ما آگاه شود و آماده برای مقابله گردد.

برای این عملیات یکباره تیپ ها به لشکر و لشکر ها به سپاه تبدیل شدند. استعداد رزمی آنها افزایش یافت. اما فرماندهان غالباً توانایی هدایت این واحدهای بزرگ را نداشتند و این امر کار مفیدی نبود. چنان که بعد از عملیات والفجر مقدماتی به کنار گذاشته شد و سازمان سپاه - رده نظامی - به هم خورد. قرارگاه کلی هدایت کننده تشکیل گردید. در حالی که در نبرد های سال اول و دوم جنگ که واحدهای رزمنده سپاه، بسیجی بودند کارائی فوق العاده داشتند. آن واحدهای ۳۰۰ نفری بیش از واحدهای هزار نفری در عملیات والفجر مقدماتی توان رزمی داشتند. آنها در آن موقع با حداقل تجهیزات لازم می‌جنگیدند. اما در عملیات والفجر مقدماتی چادرها برق داشتند. حتی در بعضی چادرها ویدئو و تلویزیون هم بود. این وسائل بُعد معنوی واحدها را پایین می آورد جای دعا و نماز را تماشای تلویزیون پر می کرد. گرچه از نظر تعداد، استعداد واحدها بالا می رفت، ولی از نظر بُعد معنوی کیفیت رزمی پایین می آمد. من به خاطر دارم که در عملیات فتح المبین اگر نان خشکی به ما می دادند، با لذت فراوان می خوردیم. اما در عملیات والفجر مقدماتی بهترین غذاها فراهم می‌شد و به دلمان نمی چسبید. البته من علت آن را نمی‌دانم، شاید مغرور شده و خدا را فراموش کرده بودیم. من با یکی از رفقا به نام اسماعیل که خدا رحمتش کند - بعداً شهید شد - به سپاه هفتم واگذار شده و از آن جا به تیپ ۱۵ امام حسن اعزام گردیدیم، تا آموزش تخریب بدهیم. ما حدود یک ماه آموزش دادیم. در منطقه، رفت و آمد خیلی زیاد بود که نباید این طور باشد. اطلاعات باید حفظ شود و دشمن نباید به عملیات خودی پی ببرد. دوست من اسماعیل که جوان بلند قامتی بود و تازه دارای یک فرزند شده بود، برایش نامه‌ای آمده بود که به تهران برود و فرزندش را ببیند. یک هفته قبل از شروع عملیات طاقتش طاق شد و می‌گفت طاقت نمی‌آورم بچه ام را نبینم. مثل این که به او الهام شده بود که در این عملیات شهید خواهد شد. با

هم به تهران رفتیم. دو سه روز در تهران بودیم و به منطقه عملیات برگشتیم. از سپاه هفتم به لشکر نجف مأمور شدیم. دو روز بعد عملیات شروع شد. ما جزو گروه تخریب بودیم. من واسماعیل رفتیم در میدان مین دشمن معبر باز کنیم. ساعت ۶ بعد از ظهر به منطقه رسیدیم. چند نفر هم مأمور طناب کشی و میله کوبی بودند. آن جا یک جلسه دعای توسل بسیار روحانی برقرار کردیم. گردانهای حمله ور به منطقه رسیدند. آنها دو شب راهپیمایی کرده بودند و مسلماً خسته و کوفته بودند. قسمت اطلاعات و عملیات آشنائی کافی به منطقه نداشت. حدود ساعت ۲۰:۳۰ به اولین مانع دشمن رسیدیم. ما ۶ نفر بودیم، نشسته کار کردیم. من واسماعیل مسئول باز کردن معبر شدیم. دیگران طناب کشیدن و کوبیدن میخ را عهده دار شدند. قرار بود مسیر معبر به طرف پاسگاه وهب باشد. تاریکی مطلق همه جا را گرفته بود. اما با یاری خداوند ما توانستیم وجود مین های دشمن را تشخیص بدهیم. معبر را باز کردیم و طناب کشیده شد و تا کانال پیشروی کردیم. برای عبور از آن قطعات مجزای پل قابل حمل پیش بینی شده بود. به ناگاه یکی از مین های جهنده منفجر شد و منطقه روشن گردید. دشمن آمادگی کافی برای مقابله را داشت. آتش سنگین دشمن به روی گردان روانه شد، ولی گردان خط شکن باید از معابر می گذشت و خط اول دشمن را می شکست. اما معلوم نبود خط کجا قرار داشت. زیرا چندین ردیف موانع به موازت هم در طول و عمق جبهه به وسیله دشمن برقرار شده بود. روش برقرار کردن پل، روی کانال ۸ متری کاملاً حساب شده نبود و مشکلاتی به بار آورد. در سایر موارد نیز ناهماهنگی هایی وجود داشت. بعد از عبور از موانع، از گردان خط شکن فقط حدود ۳۰ نفر به جاده آسفالت رسیده بودند که آنها هم رمقی نداشتند. دشمن حداکثر توان خود را برای تقویت استحکامات این منطقه به کار گرفته بود تا مانع عبور نیروهای ما بشود. با این وجود نیروهای ما به خط اول پیشروی که همان جاده آسفالت بود رسیدند. اما متأسفانه به دلیل مشکلات زیاد نتوانستند آن را نگه دارند و مجبور به عقب نشینی شدند. در یکی از این دقایق من از ناحیه لگن پا تیر خوردم و تعدادی ترکش هم وارد قسمت های دیگر بدن من شد و بدین جهت بیهوش شدم.

ساعت ۳:۳۰ بود که به هوش آمدم و دیدم در پشت میدان مین هستم و به جز چند نفر مجروح و شهید، کس دیگری از افراد ما آن جا نبود. دوست من اسماعیل هم در همان معبر شهید شده بود و دیدار مجدد فرزند نوزادش را به دنیای دیگری موکول کرده بود.

توضیح این که این برادر مطالب بسیار جالبی از خاطرات خود و دوستش اسماعیل بیان کرده که لازم است این خاطرات در کتاب ویژه ای جمع آوری شود، تا آیینہ تمام نمای رزمندگان با ایمان و ایثارگر ما باشد. ما در این نوشته ها فقط به بیان کلیات اکتفا می کنیم.

برادر بسیجی بهرام غفاریان جمعی گردان شهادت لشکر حضرت رسول الله (ص)

من در عملیات والفجر مقدماتی، آر پی جی زن بودم. در ۳۰ بهمن ماه ۶۱ در همان منطقه مجروح شدم. ما حدود ۸۰۰ نفر بودیم که از تهران به دو کوه اعزام شدیم. در آن جا مردان سالخورده و جوانان کم سن و سال را جدا کردند و حدود ۵۰۰ نفر که سن متوسطی داشتند، برای عملیات انتخاب شدند و می خواستند یک گردان خط شکن سازماندهی کنند. از آن عده حدود ۳۰۰ نفر برای گردان خط شکن انتخاب شدند. در پادگان دوکوهه آموزشهای نظامی و تمرینات بدنی و آموزشهای عقیدتی به ما داده شد. یک ماه بعد به منطقه چنانه رفتیم، در آنجا آموزشهای تکمیلی دیدیم. یکی از شبهای دهه فجر، یکی از تیپهای لشکر محمد رسول الله (ص) عملیاتی انجام داد. ما تصور کردیم عملیات کلی آغاز خواهد شد، اما آن موقع عملیات اصلی انجام نشد. روزی فرمانده گردان گفت: عملیات شروع خواهد شد. تا این که روزی بعد از نماز مغرب خودروهای کمپرسی آمدند و ما را سوار کردند و به منطقه جدید بردند. آن موقع فرمانده گردان نیز در محل نبود و در جلسه ای شرکت کرده بود. ما را بعد از وصول به منطقه، برای حرکت آماده کردند. ما باور نمی کردیم که آن شب عملیات شروع می شود. برادر چراغی معاون لشکر و برادر سلیمانی همراه گردان ما بودند. ما با آرایش ستون به راه افتادیم تا به منطقه عملیات رسیدیم و با سیم خاردار مواجه شدیم. بعد از عبور از شبکه سیم خاردار به تپه ای رسیدیم که با مواضع نیروهای عراقی حدود ۱۰۰ متر فاصله داشت. تیرباری از دشمن جلوی ما را بسته بود. قرار شد چند نفر پیش بروند و آن تیربار را خاموش سازند. من با دو نفر دیگر جلو رفتیم و چند گلوله آرپی جی به طرف آن رها کردیم. تیربار خاموش شد، ولی در آن شب کار مهمی انجام نگرفت. تا اینکه صبح شد و فرمانده گردان آمد و گفت افراد یکی از گروههای ما محاصره شده اند و ما باید حمله کنیم و آنها را نجات دهیم. آرایش حمله منظم شد و پیشروی آغاز گردید. در هنگام پیشروی به یک واحد عراقی برخورد کردیم، با آنها درگیر شدیم. آنها را کشته یا فراری دادیم. تا صبح خبری نبود و ما به جلو می رفتیم، تا نزدیک

واحدهای عراقی رسیدیم و موضع پدافندی گرفتیم . از جنگ افزارها و مهمات باقیمانده دشمن علیه او استفاده کردیم . بعد به عقب آمدیم و در منطقه پدافندی مستقر شدیم. در یکی از روزهای اوایل صبح ،گلوله تویی که دشمن پرتاب کرده بود، در نزدیکی موضع ما منفجر شد و تعدادی از ترکشهای آن به من خورد و من زخمی شدم و به عقب تخلیه گردیدم.

- توضیح این که در عملیات والفجر مقدماتی یگانهای حمله ور در خط مقدم یگانهای سپاه و بسیج بودند . چون این عملیات از مرحله اول فراتر نرفت، یگانهای ارتشی که سراسر طرح در مرحله دوم حمله مأموریت داشتند، کمتر مورد مصاحبه قرار گرفتند بدین لحاظ مصاحبه هایی که با رزمندگان شرکت کننده در عملیات والفجر به عمل آمد عموماً با افراد سپاه پاسداران و بسیج بوده است.

- توضیح دیگر این که مصاحبه ها تا حدودی طولانی و گفتارها نیز غالباً مشابه بوده است که به منظور جلوگیری از طولانی شدن مطالب به خلاصه گفتار تعداد معدودی از رزمندگان اکتفا شده است.

مروری بر بازتاب جهانی عملیات والفجر مقدماتی

مطالبی که ذیلا بیان می گردد درباره چگونگی انعکاس عملیات یاد شده در رسانه های گروهی داخلی و خارجی است. هدف ما از بیان این مطالب آن است که تا آنجا که مقدور است، اثرات این نبرد را در محافل داخلی و بین المللی مورد بررسی قرار دهیم. مدارکی که برای این مطالب مورد بهره برداری قرار گرفته، نشریه خبری خبرگزاری اسلامی ایران می باشد.

اولین خبری که خبرگزارش جمهوری اسلامی ایران از نبرد والفجر مقدماتی منتشر کرد، آن بود که نبرد در ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه ۱۷ بهمن با رمز یا الله با الله در منطقه فکه و شرق استان العماره عراق آغاز شد. فرمان حمله در محیطی روحانی و در جمع گروهی از مقامات بلند پایه مملکتی از جمله نخست وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، تعدادی از ائمه جمعه و جمعی از وکلای مجلس شورای اسلامی و چند تن از اعضای مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق صادر شد. قبل از صدور فرمان حمله، توسط حاضرین در اطاق عملیات، زیارت عاشورا با شور و حال خاصی قرائت گردید و مراسم نیایش برگزار شد.

در نخستین دقایق حمله، باران ملایمی در منطقه بارید که سبب محکم شدن نسبی تپه های رملی گردید. در پیشروی اولیه، نیروهای ایران با موانع و میدانهای مین دشمن مواجه شدند. در ساعت ۲۱:۵۰ اولین یگان که تیپ عمّار از لشکر محمد رسول الله (ص) بود، از موانع عبور کرد و به پاسگاه طاووسیه ایران نزدیک شد. آتش توپخانه دشمن ابتدا چندان سنگین نبود، ولی از ساعت ۲۲:۲۵ آتش دشمن شدید تر گردید و نیروهای پیاده خط مقدم دشمن به مواضع بعدی عقب نشینی کردند. نخست وزیر ایران که در قرار گاه خاتم الانبیاء(ص) حضور داشت از ارزش های فرهنگی حاصل از ایثار برادران بسیج در سطح ایران و جهان تمجید کرد. نخست وزیر در قسمتی از بیاناتش گفت: دستور حمله در جوی عارفانه صادر شد، من آرزو می کنم اثرات فرهنگی ایجاد شده از ایثار نیروهای بسیج در سطح جهان ارزش خود را باز یابد.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران با چند تن از فرماندهان نظامی و سپاهی عملیات والفجر مقدماتی مصاحبه هایی انجام داد. همه آنان به پیروزی این عملیات امیدواری قطعی داشتند و اثرات این پیروزی را در کل جریانات جنگ و سرنوشت حکومت بعثی عراق دارای اهمیت ویژه ای می دانستند و آنرا پیروزی اسلام بر کفر تلقی می کردند.

بر طبق گزارش این خبرگزاری، در روزهای قبل از آغاز این نبرد، دو نفر از سرداران رشید سپاهی شرکت کننده در این نبرد که برادر مجید بقائی و حسن باقری بودند، به شهادت رسیدند. در قرارگاه کربلا مراسم یادبودی برای آنان برگزار شد. لازم به یاد آوری است که برادر مجید بقائی فرمانده سپاهی قرارگاه کربلا و برادر حسن باقری مسئول اطلاعات سپاهی قرارگاه خاتم الانبیاء بود. بنابراین هر دو شهید مقام شامخی در میدان نبرد داشتند.

در این عملیات با نخست وزیر ایران که در میدان نبرد بود مصاحبه ای انجام شد. آقای نخست وزیر با ابراز امیدواری کامل به پیروزی این نبرد اظهار داشت، نتیجه این نبرد اثرات عمیقی در کل روند جنگ و جنبه بین المللی آن خواهد داشت. بویژه سردمداران کفر و مخالفین انقلاب اسلامی را نا امید خواهد ساخت و از جمله در کنفرانس آینده غیر متعهدها اثرات مهمی دایر بر اراده قاطع ما برای احقاق حقوقمان ایجاد خواهد نمود. نخست وزیر در پایان سخنان خود به دولت فرانسه نسبت به دادن کمک های فراوان به عراق هشدار داد.

حجت الاسلام سید محمد باقر حکیم سخنگوی مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق که در قرارگاه خاتم الانبیاء بود مردم عراق را به قیام علیه حکومت بعثی دعوت کرد و اظهار داشت نیروهای ایران به عنوان نیروی رهایی بخش بر علیه ارتش بعثی عراق می جنگند.

ایت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور نیز که در قرارگاه خاتم الانبیاء حضور داشت در مصاحبه ای گفت که این جنگ، جنگ اسلام با کفر است و به خاطر آب و خاک نیست.

در ساعات ۱۰:۳۰ روز ۱۸ بهمن هواپیماهای دشمن قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء را بمباران کردند ولی بمبها از ارتفاع بالا پرتاب شد و به هدفی اصابت نکرد و خسارتی به بار نیاورد.

تا ساعات اول روز ۱۸ بهمن ماه گزارشات خبری حاکی از پیشروی نیروهای ایران و آزاد شدن چندین پاسگاه مرزی ایران و بیش از ۲۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغال شده ایران بود. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه همان روز، خبر پیروزی اولیه نیروهای ایران را به نمایندگان مجلس داد و اظهار امیدواری کرد که این عملیات آخرین عملیات در جنگ تحمیلی باشد و سرنوشت نهایی جنگ و منطقه تعیین گردد. رئیس مجلس در ادامه سخنانش گفت: ما در چند ماه گذشته ضمن اعلام شرایط بر حق خود از تمام محافل بین المللی خواستیم با توجه به حقوقمان برای پایان دادن این جنگ قدم بردارند، ولی نتیجه ای حاصل نشد. به ناچار برای احقاق حقوقمان به آخرین حربه، یعنی ادامه نبرد متوسل شدیم.

رئیس مجلس ضمن دادن هشدار به حامیان صدام در منطقه و مجامع بین المللی، از آنها خواست بیش از این خود را با این جنگ درگیر نسازند و سبب طولانی تر شدن آن نشوند. از نیروهای مسلح ایران خواست هر چه زود تر با تداوم عملیات، به این جنگ تحمیلی پایان دهند و مردم منطقه را از شر این جنگ که بر منطقه تحمیل شده و از شر ابرقدرتها که مرموزانه به این جنگ دامن می زنند و ریا کارانه مدعی صلح هستند و دعوت به صلح می کنند رها سازند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در صبح روز ۱۸ بهمن، از قول ستاد مشترک از مردم خواست کمک های خود را که شامل نیاز فوری مانند: آمبولانس، لباس گرم، گونی، وانت کمک دار، پنبه، باند، کنسرو و کمپوت، قند و چای و شکر می باشد به میدان نبرد ارسال دارند.

اولین اطلاعیه قرارگاه خاتم الانبیاء در صبح روز ۱۸ بهمن - بعد از متوقف شدن عملیات - منتشر شد. در این اطلاعیه اعلام شد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به اهداف از پیش تعیین شده رسیده اند. و اکنون در حالت نگهداری مناطق آزاد شده - پدافند - می باشند.

در اطلاعیه شماره ۲ اعلام گردید که پاسگاههای مرزی سوبله، صفریه، رشیده بعد از ۲۹ ماه اشغال آزاد شد. پاسگاههای وهب، کرامه، صفریه عراق نیز به تصرف رزمندگان اسلام در آمد. و بیش از ۲۵۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده ایران از لوٹ وجود متجاوزین پاکسازی شد.

خبرگزاری های خارجی

نشریه المدینه چاپ عربستان نوشت: ایران با بسیج بیش از یک میلیون سرباز قصد جدا کردن بصره از خاک عراق را دارد. عراق از مصر خواسته است در کمک رسانی به عراق نقش فعالتری داشته باشد. ولی فواد محی الدین نخست وزیر مصر گفته است: مصر هیچ طرحی برای اعزام نیرو به عراق ندارد. طاها یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق گفت: ارتش این کشور برای مقابله با نیروهای ایران ۵۰۰ هزار نفر ارتش خلقی را بسیج کرده است و قرار است تعداد آنها تا ۷۵۰ هزار نفر افزایش یابد. جز این عده ۱۴ هزار نفر داوطلب از اهالی کشورهای دیگر عرب نیز وجود دارند.

خبرگزاری رویتر ضمن مخابره قسمتی از نظریه های اعلامیه های ایران، خبر داد که صدام حسین روز گذشته گفت: ایران یک ماه قبل برای حمله به استان میسان عراق آماده شده بود، لیکن تردید داشت، زیرا عراق این منطقه را به یک سنگر مستحکم تبدیل کرده است.

خبرگزاری خلیج از بغداد، خلاصه اولین اعلامیه ارتش عراق شماره ۹۸۹ را درباره عملیات جاری گزارش داد که در آن گفته شده بود: تمام نیروهای حمله ور ایران در منطقه الشیب - غرب چزابه - منهدم شدند و حمله نیروهای ایران متوقف گردید. نیروهای ایران نتوانستند حتی یک وجب از خاک عراق را تصرف کنند. خبرگزاری رویتر از لندن ضمن گزارش خلاصه‌ای از اعلامیه های ایران، اعلامیه ارتش عراق را نیز به همان وضعی که در بالا بیان شد مخابره کرد. خبرگزاری قطر از بغداد نیز با بیان نظریات عراق درباره دفع حمله نیروهای ایران گزارش خود را تنظیم کرد.

خبرگزاری رویتر از بغداد نظریات صدام حسین درباره حمله نیروهای ایران به استان میسان عراق را منتشر کرد. در آن از قول صدام حسین گفته شد: نیروهای ایران به هدف تصرف شهر عماره مرکز استان میسان حمله کردند، تا جاده استراتژیک بغداد بصره را تحت کنترل خود در آورند. این خبرگزاری در تحلیل مختصری از جنگ گفت: جنگ اکنون وارد بیست و نهمین ماه شده است. در اوایل جنگ نیروهای عراق قسمتی از اراضی ایران را اشغال کردند. ولی اکنون ۱۴ میلیون عراقی در مقابل ۳۹ میلیون ایرانی به دفاع از مرز عراق برخاسته‌اند. رهبران ایران می گویند: این جنگ زمانی پایان می یابد که یک جمهوری اسلامی جایگزین دولت بعثی صدام حسین در عراق شود. صدام حسین شب گذشته گفت: حمله جدید ایران حتی یک پیروزی تبلیغاتی نیز به دست نخواهد آورد. زیرا توپخانه دوربرد ایران نمی تواند بزرگراه بصره بغداد را با آتش خود قطع کند. مگر آن که نیروهای ایران تا ۶ کیلومتری این بزرگراه برسند، و به آن نیز نخواهند رسید. این خبرگزاری نظریه دیپلماتهای مقیم بغداد را نیز اعلام کرد که گفته بودند: حملات اخیر ایران از تمرینات عالی برخوردار بوده است و موج انسانی شهادت طلب نیروهای ایران پیشرفتهائی در خاک عراق داشته اند.

خبرگزاری کویت با طرفداری از موضع عراق در جنگ تحمیلی، جریان را منتشر کرد و خلاصه ای از اعلامیه های ایران و عراق را گزارش نمود: در پایان افزود که تمام تلاش های میانجیگری به خاطر سرسختی ایران و درخواست تقاضای شرایط غیر منطقی، تاکنون به بن بست رسیده است.

خبرگزاری ابوظبی نیز خلاصه اخبار جنگ را با جملاتی به نفع عراق مخابره نمود.

به طور کلی گزارشاتی که در ساعات بعد از ظهر ۱۸ بهمن ماه درباره نبرد والفجر مقدماتی به وسیله رسانه های گروهی جهان مخابره گردید، حاکی از دفع حمله نیروهای ایران به وسیله نیروهای عراق بود. خبرگزاری کویت خبر داد که صباح الاحمد معاون نخست وزیر و وزیر خارجه کویت در مصاحبه با مجله الافکار چاپ لبنان گفته است: کویت به هر گونه تلاشی دست خواهد زد تا جنگ ایران و عراق را پایان دهد. او در قسمتی از سخنانش گفت: کویت از تهدیدهای ایران که توسط حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه گذشته عنوان شد، متاسف است.

دومین اعلامیه ارتش عراق درباره نبرد جاری، حاکی از آن بود که حمله نیروهای ایران ناموفق ماند و تلفات بسیار سنگینی به نیروهای ایران وارد شد.

واکنش رادیوهای بیگانه درباره نبرد والفجر

رادیو آمریکا در ساعت ۱۰:۰۵ روز ۱۸ بهمن ماه، ضمن اعلام گفتارهای صدام حسین، از قول او گفت: رهبران ایران می دانند چنین حمله ای محکوم به شکست است. زیرا در فرصتی که ایران برای بسیج نیروهای خود به عراق داد، عراق موفق شد منطقه هدف مورد نظر ایران را به صورت دژی غیر قابل تسخیر در آورد.

رادیوهای کشورهای عربی عموماً نظریات صدام حسین و بیانیه های ارتش عراق را منتشر کردند که عمدتاً حاکی از عدم موفقیت نیروهای ایران بود.

رادیو لندن در بخش انگلیسی ساعت ۱۲:۳۰ روز ۱۸ بهمن به طریق موزیانه ای خبر جنگ ایران و عراق را منتشر کرد و گفت: حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی حمله اخیر را حمله قاطع برای خاتمه جنگ ایران اعلام کرده و در بیانیه های نظامی ایران خبر تصرف چند پاسگاه مرزی عنوان شده است. این رادیو نظریات عراق را به همان صورتی که در رسانه های دیگر مطرح شده بود بیان کرد. لحن گفتار رادیو کلن نیز مانند رادیو لندن بود. سومین بیانیه ارتش عراق درباره نبرد والفجر در ساعت ۱۴:۳۰ از رادیو صوت الجماهیر پخش شد: که در آن گفته شد حمله نیروهای ایران در دو مرحله اجرا شد، مرحله اول حدود نیمه شب ۱۹۸۳/۲/۶ (۱۷ بهمن) و مرحله دوم ساعت ۷ بامداد اجرا گردید. در این مرحله، از حمله دو لشکر ایران وارد

عمل شدند، که به کلی منهدم گردیدند. رادیو لیبی در برنامه ساعت ۱۷ خلاصه اعلامیه های نیروهای مسلح ایران را منتشر کرد که در مجموع نسبت به ایران حسن نظر در آن دیده می شد. رادیو اسرائیل در ساعت ۱۹ روز ۱۸ بهمن در بخش فارسی خود گزارش مشروحی از اعلامیه های ایران و عراق داد. ظاهراً چنین وانمود کرد که بیطرفانه حرفهای هر دو طرف جنگ را بیان می کند

بطور کلی در ساعات بعد از ظهر روز ۱۸ بهمن که تا حدودی نتایج کلی حمله ایران مشخص گردیده بود، روش تبلیغی رادیوهای بیگانه علیه حمله ایران گزارش می شد که حاکی از عدم موفقیت نیروهای ایرانی بود.

بخش فارسی رادیو لندن در ساعت ۱۹:۴۵ روز ۱۸ بهمن ماه، تفسیری را که دیوید برادشو درباره جنگ ایران و عراق کرده بود، منتشر کرد. خلاصه آن بدین شرح بود: دکتر ولایتی وزیر خارجه ایران بعد از تلاش های هیئتهای حسن نیت برای پایان جنگ اظهار داشت، جنگ ایران و عراق با مذاکرات هرگز حل نمی شود و رهبران ایران راه پایان جنگ را فقط در مبارزه نظامی می بینند، از این لحاظ نیز خود را قوی تر احساس می کنند. در ادامه این تعبیر گفته شد: اما ایران اکنون از نظر مالی در مضیقه قرار گرفته و صادرات نفت آن کشور محدود شده است. در تحقیقات متخصصین نظامی آمریکا چنین نتیجه گرفته شده که بر خلاف تصور بسیاری، تصفیه ارتش ایران بعد از انقلاب از کارایی آن نکاسته است. علی رغم بعضی اختلافات بین ارتش و سپاه پاسداران، با تلفیق شور مذهبی، انضباط، افراد سپاه پاسداران و افراد ارتش ایران کارایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بهتر شده است. اما مهمترین مشکل نظامی ایران کمبود تجهیزات سنگین و قطعات یدکی آنها است.

در ساعت ۲۰:۲۰ رادیو صوت الجماهیر اعلامیه شماره ۹۹۱ ارتش عراق را منتشر کرد که در آن، همان گفته های قبلی تکرار شده بود و تعداد کشته های نیروهای ایران ۶۸۹۴ نفر - به دقت شمارش توجه شود - و صدها اسیر اشاره شده بود. نتیجه نهائی نبرد جاری را دفع شدن حمله نیروهای ایران در منطقه شیب - غرب فکه چزابه - اعلام کرده بود.

با توجه به این که در پایان روز ۱۸ بهمن نتیجه نبرد و الفجر مقدماتی تا حدودی مشخص گردید و معلوم شد که حمله نیروهای ایران در عمق داخل خاک عراق با عدم موفقیت مواجه شد و این نبرد در همان حوالی خط مرز بین دو کشور متوقف گردید. طبعاً لحن گفتارها و

گزارش‌ها بیشتر به نفع حکومت متجاوز عراق تغییر کرد و لحن رسانه‌های گروهی ایران نیز دیگر نمی‌توانست از احساسات پیروزمندانه کافی برخوردار باشد. برای درک چگونگی بازتاب این نتایج شمه‌ای از گفتار رسانه‌های داخلی و خارجی را بازگو می‌کنیم.

گزارش‌های داخلی

در ۱۹ بهمن ماه قرارگاه خاتم‌الانبیاء اعلام کرد که ۶۰ تن از افراد اسیر شده عراقی به منطقه عقب تخلیه شدند. بنابراین در نبرد والفجر عظیم خبری از به اسارت درآمدن هزاران نفر از افراد دشمن نبود.

در گزارش دیگری خبر از حمله هواپیماها و هلیکوپترهای دشمن به نیروهای خودی و دفع پاتکهای دشمن داده شد. درباره انهدام نیروهای دشمن فقط به تیپ ۷۰۴ عراق اشاره گردید. در حالی که در بررسی نیروهای دشمن دیدیم که به بیش از ۲۷ تیپ عراق در شرق عماره و علی غربی اشاره شده بود.

در ادامه گزارشات، قرارگاه خاتم‌الانبیاء در ۱۹ بهمن اعلام کرد که حمله دیگری در منطقه فکه اجرا شد که بر اثر آن ۵۰ کیلومتر مربع دیگر از مناطق اشغالی ایران آزاد گردید و شمار اسرای عراقی به بیش از یکصد نفر و کشته شدگان دشمن به بیش از ۸۰۰ نفر رسید. هواپیماهای عراقی فعال‌تر شدند بنحوی که بر مبنای ادعای عراق ۱۱۳ پرواز عملیاتی در منطقه نبرد استان میسان اجرا کردند. مسئله‌ای که در جریان این نبرد مطرح شد، حضور یک گردان از ارتش سودان در جبهه عراق جزو تیپ ۹۵ ارتش عراق بود که در این نبرد تلفات سختی را متحمل گردید.

سومین اطلاعیه نیروهای مسلح ایران درباره نبرد والفجر در ۱۹ بهمن منتشر شد. در آن ضمن اعلام حمله شب قبل در منطقه فکه، نتایج حاصله از آن که در بالا بیان گردید، اعلام شد، مناطق آزاد شده به ۳۰۰ کیلومتر مربع افزایش یافت. در این اعلامیه اعتراف گردید که نبرد در حوالی خط مرز جریان داشته و جاده مرزی بین پاسگاه رشیدیه و صفریه پاکسازی شده است. در روز ۱۹ بهمن نیروهای دشمن در منطقه چنگوله واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی مهران اقدام به حمله کردند و قریب ۵ ساعت نبرد بین رزمندگان مدافع میهن اسلامی ما با نیروهای مهاجم ادامه داشت و حمله دشمن دفع گردید. یک نفر از افراد دشمن به اسارت درآمد

و ۷ تن از رزمندگان ما شهید و تعدادی زخمی شدند. لازم به توضیح است که در این منطقه فقط عناصر سبک نیروهای مسلح ایران به صورت پرده پوشش مستقر بودند.

بازتاب جریان نبرد در رسانه های خارجی در ۱۹ بهمن ماه

روزنامه واشنگتن تایمز در مقاله ای تحت عنوان « اگر ایران پیروز شود چه می شود » نوشت. براساس برآورد نظامی آمریکا حدود ۱۵۰ هزار سرباز ایرانی در جبهه غرب دزفول متمرکز شده اند. در مقابل، عراق نیز تمام نیروهای ذخیره خود را به این منطقه نبرد اعزام کرده است. از هم اکنون نبرد سرنوشت سازی ممکن است آغاز گردد که عراق برای آن آماده است. نتیجه پیروزی سربازان افراطی آیت اله خمینی آن قدر برای اردن، عربستان و دیگر رژیمهای محافظه کار سنتی، شوم است که آنها کاملاً حق دارند شدیداً نگران باشند. در این مقاله نسبتاً طولانی به طور کلی خطرات و تهدیدات پیروزی ایران در منطقه بازگو شده و چنین به نظر می رسد که مقاله به نحوی پایه ریزی شده بود که حامیان عراق را بیش از پیش وادار به طرفداری از حکومت عراق سازند.

به عنوان نمونه در تحلیل اثرات میزان صدور نفت ایران و عراق گفته بود: ایران هر روز غنی تر و عراق بر عکس فقیر تر می شود. این امر در توازن نظامی عراق اثرات منفی خواهد داشت. کشورهای منطقه خلیج فارس سالانه ۱۲ میلیارد دلار به عراق کمک می کنند. ولی اکنون خود آنها نیز با مشکلات اقتصادی مواجه شده اند به آمریکا فشار وارد می شود که به نفع عراق اقدام کند، ولی دولت آمریکا مایل نیست ایران را بیش از حد تحت فشار قرار دهد. نتیجه نهائی این مقاله آن است که اگر در جبهه های نبرد، تحرک نیروهای ایران فروکش کند ممکن است حکومت ایران به یک توافق سیاسی رضایت دهد. در همین حال نیروهای واکنش سریع آمریکا در منطقه خاور میانه فعال شده اند تا به دوستان خود در این منطقه اطمینان دهند آمریکا در پشتیبانی آنها خواهد بود. زیرا مقامات آمریکائی اعتراف می کنند، نتیجه پیروزی ایران در این جنگ حداقل و حداکثر مصیبت بار خواهد بود. حداقل خواسته ایران سرنگونی صدام و پرداخت ۱۰۰ میلیارد دلار غرامت و بازگشت هزاران رانده شده عراقی به خانه هایشان خواهد بود. حداکثر ممکن است ایران بخواهد یک رژیم شیعه را در بغداد و شیخ نشینهای دیگر منطقه برقرار سازد و عربستان و اردن را منزوی نماید.

رادیو مراکش ضمن انتشار خلاصه اعلامیه های نظامی عراق گفت: روسای کشورهای عربستان، یمن شمالی، اردن، مصر طی تماس تلفنی باصدام حسین ادامه پشتیبانی های خود را از عراق مورد تأیید قرار دادند. این رادیو از قول وزیر خارجه فرانسه گفت: فرانسه به سیاست خود در مورد جنگ عراق با ایران ادامه خواهد داد. زیرا می بیند که این کشور احتیاج به کمک دارد. خبرگزاری تاینوگ (یوگسلاوی) گزارشی تحت عنوان ارتش جدید اسلام منتشر کرد. حاصل این گزارش مفصل آن بود که نیروهای ایران تحت این عنوان، حرکت جدیدی را در دنیا آغاز کرده اند. بنا به تفسیر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران از این مقاله، هدف نویسنده یا گوینده آن بوده که خاطرات ارتش اسلام زمان امپراطوری عثمانی به شبه جزیره بالکان را زنده کند. خبرگزاری عراق به استناد قسمتی از گفتارهای فرماندهان نیروهای ایران اظهار داشت که ایرانی ها بعد از عدم موفقیت اعتراف کرده اند که در این حمله با استحکامات بسیار قوی عراق مواجه شدند. وزیر بهداشتی ایران از جبهه جنگ از مردم ایران درخواست استمداد برای ارسال وسایل بهداشتی و پزشکی کرد. خبرگزاری هند بدون تفسیر ویژه ای، خلاصه جریان حوادث جنگ را منتشر کرد و گفت: حمله نیروهای ایران چند ساعت بعد از سخنرانی صدام حسین آغاز شد. صدام حسین در این سخنرانی گفته بود که عراق برای دفع حمله ایران آمادگی کامل دارد. روزنامه الرای العام چاپ کویت درباره جریان جنگ ایران و عراق نوشت: کشورهای عرب منطقه باید عملاً به ایران نشان دهند که در این جنگ به طور قاطعانه پشتیبان عراق خواهند بود. روزنامه های دیگر کویت نیز ضمن انتقاد از روش ایران در پیدا کردن راه حل جنگ گفت: تمایل رهبران ایران برای سقوط صدام یک ساده اندیشی مطلق است. روزنامه سعودی الریاض نیز نوشت که حکام عرب در کنفرانس فاس متعهد شدند که کمکهای نظامی و معنوی خود را به عراق ادامه دهند. براساس اعلام خبرگزاری عراق، صدام حسین به دنبال آغاز حمله نیروهای ایران به طور جدی از کشورهای عرب در خواست کرد: به تعهدات خود نسبت به کشور عراق عمل کنند. این درخواست رسماً به اطلاع سفرای کشورهای عربی مقیم بغداد رسید. طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق در پیامی برای دبیر کل سازمان ملل و اتحادیه عرب و دبیر کل کنفرانس اسلامی خطر این حمله و ادامه جنگ را یاد آور شد و از آنان

و همچنین دبیر کل کنفرانس غیر متعهد ها خواست برای پایان دادن به جنگ اقدامات فعالتری انجام دهند .

خبرگزاری کویت اطلاع داد: صدام حسین در مصاحبه با خبرگزاری عراق بار دیگر از رهبران ایران درخواست کرد از نبرد منطقه شیب درس عبرت بگیرند و به ندای صلح پاسخ مثبت دهند .
 بالاخره گرچه از پایان روز ۱۹ بهمن رسانه های گروهی جهان به نوعی به متوقف شدن حمله نیروهای ایران پی بردند، ولی به هر حال وحشتی که این نبرد در دنیای علاقمند به سرنوشت جنگ ایران و عراق ایجاد کرده بود اثرات خود را نشان داد و بار دیگر اغلب کشورهای علاقمند و ذینفع ندای صلح طلبی را سر دادند. در راس آنها کشورهای عرب حوزه خلیج فارس قرار داشتند . ما به منظور اختصار از بازگو کردن گفتارهای رسانه های گروهی جهان در این باره خود داری می کنیم و فقط به بیان خلاصه ای از قسمتی از تفسیرهای محافل سیاسی و خبری جهان درباره ادامه جنگ تحمیلی اکتفا می نمائیم.

بخش انگلیسی رادیو لندن متن مصاحبه با فریدهالیدی درباره جنگ ایران و عراق را منتشر کرد. خلاصه نظرات هالیدی آن بود که ایرانیان درباره حمله اخیر گفته اند: این حمله نهائی است. اما به نظر او این ادعای رهبران ایران فقط به منظور تقویت روحیه رزمندگان ایران بود. او درباره آمادگی عراق گفت: عراقی ها از تجهیزات بسیار پیشرفته ای برخوردارند و کمکهای فوق العاده ای به آن کشور می شود. درباره هدف ایران در کنفرانس غیر متعهد ها، فریدهالیدی گفت: قطعاً ایران می خواهد موضع قویتری در این کنفرانس داشته باشد. او درباره احتمال سرنوشتی صدام حسین گفت: شاید این فکر در بعضی از طرفداران او نیز قوت گرفته باشد. اما مسئله اساسی این است که چه کسی می تواند جانشین صدام شود و نتیجه نهائی این تغییرات به نفع کامل ایران نباشد.

در پاسخ سوالی که شده بود: صدام حسین در سال ۱۹۷۵ حاضر به صلح با ایران شد و اکنون نیز اعلام کرده است برای ایجاد صلح حاضر است به تهران برود، گفت: آن موقع یک توافق کاملاً واقع بینانه پیش آمد. اما وضع اکنون کاملاً متفاوت است و اکنون یک عقیده کاملاً غیر واقع بینانه راجع به این که جنگ تا چه وقت طول خواهد کشید وجود دارد . هیچ راهی برای صدام جهت مصالحه با چنین افرادی وجود ندارد.

بعد از آرام شدن وضعیت منطقه نبرد و الفجر، تحرک حکومت عراق از نظر سیاسی و تبلیغات وسیع تر شد. ارتش عراق به وسیله هواپیماهای جنگی خود در منطقه این عملیات اعلامیه‌های تبلیغاتی فرو ریخت. در آن ضمن حمله به حکومت ایران از رزمندگان ایران دعوت کرده بود به عراق پناهنده شوند. در صحنه جهانی نیز، به ویژه در دنیای عرب، حرکت عراق فعالتر شد. حکومت عراق به کشورهای دیگر عرب هشدار داد که حمله اخیر ایران سرآغاز حملات مداوم دیگری است. کشورهای عربی موظف هستند براساس پیمان اتحادیه عرب به عراق کمک بیشتری بکنند.

امپراطوریهای خبری نیز که اغلب از عراق حمایت می‌کردند، در رادیوها و نشریات، حمله ایران را به صورت تهدید فوق جدی به جهانیان عرضه کردند. به عنوان نمونه روزنامه کوریر دولاسرا چاپ ایتالیا نوشت: ارتش امام خمینی برای اشغال عراق و تقسیم آن به دو بخش به آن کشور حمله کرده است.

روزنامه آمریکائی نیویورک تایمز در یک مقاله نسبتاً مفصل، نبرد جاری و همچنین روند جنگ ایران و عراق را مورد تحلیل قرار داد و ضمن این که چند عملیات قبلی ایران را ناموفق خواند، درباره حمله اخیر ایران نوشت که سربازان ایرانی باید از ۳ خط مستحکم دفاعی عراق در دشت باز غرب فکه عبور کنند. در حالی که برتری کلی با نیروهای عراق است. در ادامه این بحث گفت که عراق مکرراً پیشنهاد صلح کرد، اما ایران امتناع نموده و به کرات خواستار درهم کوبیدن رژیم صدام شده است.

درباره خرید تسلیحات به وسیله ایران نوشت که ایران می‌خواهد تجهیزات مدرنی بخرد. اما به علت کاهش درآمد نفت قادر به این کار نخواهد بود.

سرلشکر هشام صباح الفخری فرمانده سپاه ۴ عراق در یک مصاحبه مطبوعاتی در ۲۰ بهمن ماه اظهار داشت: نیروهای ایرانی ۳ بار تلاش کردند در منطقه عملیاتی - شرق عماره - از خط مرز بگذرند. ولی یگانهای سپاه ۴ عراق آنها را عقب راندند. او گفت: جاده فکه - شیب تحت کنترل کامل نیروهای عراقی است. ادامه داد که نیروهای ایران به این گونه حملات ادامه خواهند داد. سرلشکر فخری گفت: نیروهای ایران در یک قسمت کوچک موفق شدند تا عمق ۲۰۰ متری خاک عراق پیشروی کنند. اما همه آنان به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. وی

گفت: هدف حمله اخیر ایران شهر العماره عراق بود، زیرا یک نقشه رنگی از یکی از اسرای ایرانی به دست آمده که این مطلب را نشان می‌دهد.

مرحله دوم عملیات و الفجر در شبانگاه ۲۰ بهمن آغاز شد که شرح آن در مطالب هدایت عملیات بیان گردید. با شروع این مرحله، تلاش خبری خبرگزاری‌های داخلی و خارجی بار دیگر رونقی گرفت و مطالبی درباره پیشروی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مخابره شد. اما همان‌گونه که در شرح عملیات بیان گردید، در این مرحله نیز موفقیت قابل ملاحظه‌ای نصیب نیروهای ایرانی نشد. قبل از آن که بازار خبری داغ شود، نبرد از دور افتاد. از روز ۲۱ بهمن ماه تقریباً بکلی متوقف گردید. رسانه‌های گروهی جهان به تحلیل کلی روند جنگ ایران و عراق ادامه دادند. نتیجه کلی این بررسیها این بود که ایران به حملات پیاپی ادامه خواهد داد و جنگ همچنان جریان خود را طی خواهد کرد و هر گونه تلاش سازمانهای بین‌المللی و شخصیت‌های سیاسی جهان برای پایان دادن این جنگ به نتیجه‌ای نخواهد رسید. از جمله تفسیرهای مفصل مقاله‌ای بود که در روزنامه‌های نشنال تایمز به قلم را جر ماتیوز تحت عنوان پژواک جنگ خلیج در خاورمیانه نوشته شده بود. نویسنده در این مقاله ۴ صفحه‌ای جریان جنگ و هدفهای نهائی حکومت ایران و عراق را مورد بررسی قرار داده و ضمن انتقاد کلی از هر دو طرف گفته بود: بنابراین احتمالاً اشکی برای هیچ یک از دو رژیم که در تلاش برای وارد کردن خسارت به دیگری هستند ریخته نمی‌شود. در قسمتی از این مقاله گفته شد بود که اگر چه راه حل نظامی برای جنگ را نمی‌توان نادیده گرفت. اما ایران در سرمایه‌گذاری بر سر ابتکاری که از اوایل سال گذشته میلادی به دست آورده که نیروهای عراق را به آن سوی مرز عقب براند شکست خورده است. از آن موقع چندین حمله خونین به مواضع دفاعی عراق اجرا کرد، اما روحیه سربازان عراقی قویتر شده است. حمله اخیر ایران نشان داد که امکانات تدارکاتی ایران برای یک عملیات مداوم قابل شک و تردید است، اما رمز بقای عراق نیز در گرو کمکهای اقتصادی و مالی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است.

گرچه عملیات و الفجر مقدماتی به هدف نهائی نرسید اما اثرات روانی و سیاسی را در محافل بین‌المللی بویژه منطقه خلیج فارس برجای گذاشت و حساسیت طرفداران حکومت عراق و مخالفین جمهوری اسلامی ایران را نسبت به سرنوشت جنگ قوی‌تر کرد. اولین آثار این افزایش حساسیت در حکومت فرانسه ظاهر شد و کلود سشون وزیر خارجه فرانسه یک مسافرت اعلام نشده به بغداد کرد تا ضمن تاکید ادامه کمکهای فرانسه به عراق حکومت آن کشور را نسبت به تعهدات فرانسه در قبال

جنگ مطمئن سازد و از اضطراب و نگرانی عراق و پشتیبانان منطقه ای او بکاهد. کلود سشون در مصاحبه مطبوعاتی درباره علت این مسافرت به بغداد گفت: پاریس نگران پیروزی نهائی ایرانیان در جنگ است. افزود تعدادی از کشورهای منطقه خلیج فارس نگران اثرات انقلاب اسلامی ایران در کشور خود هستند. در پایان سخنانش بر حمایت از کشورهای این منطقه تاکید نمود.

روزنامه لوموند چاپ پاریس درباره سفر کلود سشون به عراق واردن نوشت: این مسافرت برای بررسی مسائل مالی بین فرانسه و عراق بوده و ارتباطی با جنگ ندارد. سشون در مقابل کمیسیون امور خارجه فرانسه خاطرنشان ساخته که نبرد اخیر در جریان جنگ، تحولی ایجاد نکرده است. اما اضافه نمود که آنچه تازه و جدید است سمبولی است که {امام} خمینی بیش از پیش عرضه می کند. سمبولی که با ظاهر شدن آن در دنیای عرب و حتی ماورای آن، برای تعداد زیادی از کشورها سبب سؤال و اضطراب می گردد.

از ۲۳ بهمن ماه متوقف شدن حمله نیروهای ایران برای محافل خبری قطعی گردید. دشمنان انقلاب اسلامی نفسی تازه کشیدند و با خوشحالی این خبر را در رسانه های گروهی منتشر ساختند. مقالات نیشداری علیه ایران اسلامی نوشتند. در این تلاش رسانه های خبری، ارتجاع منطقه گوی سبقت را از دیگران ربوده بودند. از آن جمله روزنامه های کویت و عربستان بودند. در اغلب رسانه های گروهی شامل رادیو و نشریات، خلاصه اطلاعیه های نظامی عراق منتشر می شد که در آن کرارا به رقم اعلام شده ۴۸۶۰ نفر کشته و حدود یک هزار نفر اسیر از نیروهای ایران اشاره می گردد. برفرض صحت این ادعا، جمع کل تلفات نیروهای ایران در این نبرد بزرگ از ۶ هزار نفر کمتر بود. در صورتی که در نبرد محرم که دوماه قبل از نبرد والفجر اجرا شد، تعداد اسرای عراقی قریب ۳۵۰۰ نفر بود. حداقل همین تعداد نیز کشته شده بودند. البته عراق در بعضی از اعلامیه ها، تلفات نیروهای ایران را بیش از ۱۵ هزار نفر اعلام کرده بود. به هر حال عدم موفقیت چشمگیر نیروهای ایران در نبرد مورد بحث، سبب آرامش خاطر دشمنان ایران شد. گرچه تمام محافل سیاسی و خبری جهان این حمله و حملات قبل از آن را شروع یک سلسله حملات مداوم نیروهای ایران و کشاندن جنگ به داخل خاک عراق و فشار برای سرنگون شدن حکومت بعثی عراق می دانستند.

در ۲۴ بهمن خبرگزاری یونایتد پرس در بیروت، در تحلیل جنگ ایران و عراق چنین گفت: ایران در آغاز تهاجم در سه شنبه گذشته - ۱۷ بهمن - گفته بود که انتظار دارد با این نبرد به جنگ

۲۹ ماهه خاتمه دهد. اما اکنون وضع جبهه ها به نحوی است که ایران بار دیگر از انهدام چند سنگر عراقی خبر می دهد. خبرگزاری های دیگر نیز از آرام شدن جبهه های نبرد و حملات شدید هوایی عراق به ایران خبر دادند نتایج کلی آن بود که حمله نیروهای ایران متوقف شده و تلفات سنگینی در این نبرد به نیروهای ایران وارد گردیده است. کانال ۲ تلویزیون فرانسه، نمایشی از میدان نبرد و کشته ها و اسرای ایرانی نشان داد که البته به وسیله عراق تهیه شده بود. در آن فیلم قسمتی از مراسم روز ۲۲ بهمن تهران که در آن حجت الاسلام سید احمد خمینی پیام امام را قرائت می کرد، به این جمله امام اشاره شد که ایران شیعه به تنهایی به اندازه همه کشورهای عرب قدرتمند است، مونتاژ شده بود این امر خود نمونه ای از ستیزه جوئی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی ایران بود. بعد از گذشت چند روز از آرام شدن جبهه نبرد، دستگاه تبلیغاتی عراق درباره اعلام تلفات نیروهای ایرانی احساس کمبود کرد و در ۲۴ بهمن اظهار داشت که جمع تلفات نیروهای ایران در ۵ روز نبرد ۱۵۲۵۸ نفر بوده است. در این روز ژنرال عبدالجبار شنسل رئیس ستاد نیروهای مسلح عراق در یک مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت که ۴ لشکر پیاده و چند تیپ زرهی و یک تیپ مکانیزه ایران در حمله اخیر شرکت داشتند در این حمله موفق شده اند در منطقه ای بعرض ۲ تا ۳ کیلومتر در خاک عراق نفوذ کنند، ولی در بامداد روز دوشنبه نیروهای عراق پاتک کردند و تمام نیروهای ایران را از خاک عراق عقب راندند. ژنرال شنسل گفت: ایرانی های در مدت ۵ روز جمعا ۵ بار به نیروهای عراق حمله کردند، ولی نتوانستند به هدفهای خود دست یابند.

بعد از دهه فجر، حجت السلام رفسنجانی در جلسه روز یکشنبه ۲۴ بهمن ماه مجلس شورای اسلامی خطاب به نمایندگان مجلس گفت: اکنون ایران از هر زمان دیگر سرباز بیشتری دارد که هر روز رو به افزایش است. ایران خود را آماده می سازد تا با اجرای عملیات و الفجر و ادامه آن هر چه سریعتر به جنگ پایان دهد و دو ملت ایران و عراق را از دست صدام حسین رها سازد. خبرگزاری یونایتد پرس که این خبر را مخابره کرده بود، اضافه نموده بود: ایران در روز سه شنبه ۱۷ بهمن به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب، عملیات والفجر را آغاز کرد و اعلام نمود که این آخرین عملیات نظامی در جنگ با عراق خواهد بود. و در ادامه آن گفت: اما خبرهای رسیده از هر دو کشور حاکی از متوقف شدن حمله ایران به وسیله نیروهای عراق است.

بعد از آرام شدن میدان نبرد و الفجر، حملات هوایی عراق به تأسیسات اقتصادی ایران رو به افزایش نهاد. طبق ادعاهای ارتش عراق، روزانه بیش از یکصد پرواز عملیاتی هوایی به وسیله

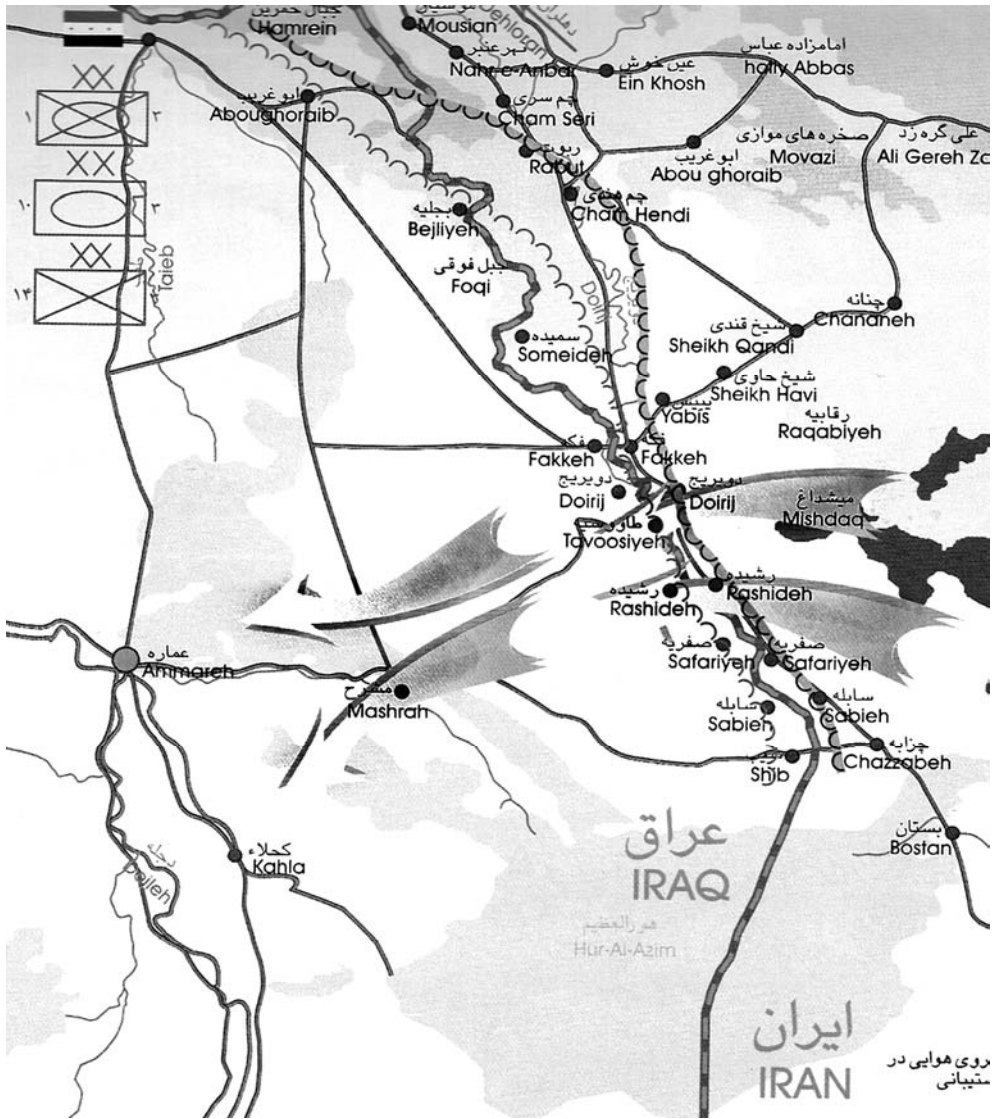
هوایم‌های جنگی عراق علیه هدفهای اقتصادی ایرانی انجام گرفت. در این حملات بیشتر تاسیسات نفتی ایران مورد حملات هوایی واقع شد.

براساس گزارش خبرگزاری خلیج { فارس } صدام حسین از نظامیان فراری عراق خواست به یگانهای خود برگردند و مورد عفو قرار گیرند. - مدت زمان شامل عفو عمومی نظامیان فراری عراق تا ۱۹ اسفند ماه تضمین گردیده بود. -

از جمله مسائلی که بعد از عملیات والفجر مطرح گردید، به کار بردن موشک‌های اگزوست اهدائی فرانسه به عراق و بکار بردن آن علیه کشتی‌های نفت کش در خلیج فارس بود که این امر خود بر شدت مخاصمات افزود و سبب نگرانی بیشتر کشورهای جنوبی خلیج فارس گردید. عراقی‌ها برای بزرگتر نشان دادن موفقیت خود در نبرد والفجر، تعدادی از اسرای ایرانی را سوار بر کامیون کرده و در شهرهای بزرگ از جمله بغداد و بصره به نمایش گذاشتند. در طول ۲۹ ماه جنگ، اولین باری بود که ارتش عراق به چنین اقدامات نمایشی دست می‌زد. نتیجه نهائی آن که حمله نیروهای ایران گرچه از نظر نظامی موفقیت چندانی به دست نیاورده بود، اما از نظر روانی ضربت سختی به حکومت عراق و حامیان او وارد ساخته بود. به نحوی که بعد از این نبرد حکومت عراق و حامیان او برآورد قطعی کردند که این حمله ایران آخرین حمله نخواهد بود. بلکه سرآغاز حملات متناوب در سطحی وسیع‌تر خواهد بود. زیرا موضع رهبران سیاسی ایران بعد از این نبرد نه تنها تضعیف نگردیده بلکه خیلی قوی‌تر شده است. رهبران سیاسی ایران در اعلام خواسته‌های خود مبنی بر سرنگونی حکومت بعثی عراق و احقاق حقوق تضییع شده ملت ایران راسخ تر شده‌اند. اما موقعیت حکومت عراق نیز بعد از این نبرد مستحکم تر شد و حامیان عراق اعتماد بیشتری به قدرت مقاومت عراق در حملات نیروهای ایران پیدا کردند و بر نتایج ادامه پشتیبانیهای خود امیدوار تر شدند به عنوان نمونه خبرگزاری آسوشتید پرس در ۲۴ بهمن گزارش داد: موقعیت عراق در مقابل ایران خوب است و این کشور خیلی محکم در مقابل آخرین تهاجم ایران ایستادگی کرد. اسام البار مشاور رئیس جمهور مصر گفت: جبهه عراق از نظر سیاسی و معنوی بسیار متحد و یکپارچه است و موقعیت عراق قابل اطمینان است.

راديو صدای آمريکا در تحليل جنگ ايران و عراق به سفر کلود سشون وزير خارجه فرانسه به عراق اشاره کرد و از قول مقامات عراقی گفت: مقامات هر دو کشور علاقه خود را برای گسترش مناسباتی که منافع هر دو طرف را در بر داشته باشد اعلام کرده اند.

بالاخره از ۲۵ بهمن ماه، به علت آرام شدن جبهه های نبرد ، به تدریج حساسیت محافل سیاسی و رسانه های گروهی جهان درباره جنگ تحمیلی به حالت معمولی خود بازگشت و جریان جنگ به حالت عادی خود ادامه یافت.



منطقه عملیات والفجر مقدماتی در غرب بستان

نمایه

آ

- آزادی، مهدی؛ سرهنگ پاسدار: ۱۲۴
 اسمعی، محسن؛ سرهنگ پاسدار: ۱۰۹
 اسکندری، احمد؛ سردار: ۱۰۳، ۱۰۲
 اسماعیلیان، سید مهدی؛ سرهنگ پاسدار: ۱۱۹
 العماره؛ شهری در عراق: ۲۲، ۴۲، ۵۳، ۵۸، ۶۰
 ۱۴۰، ۱۲۹، ۱۲۲، ۱۱۹
- تیپ ۵۸ ذوالفقار: ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۴۴، ۵۴، ۷۲، ۱۰۳
 تیپ ۸۴ خرم آباد: ۱۱، ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۴۱، ۵۴، ۵۶
 تیپ ۳۳ المهدی: ۴۱، ۴۴، ۵۸، ۷۳
 تیپ سیدالشهداء: ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۷۷
 تیپ قمر بنی هاشم: ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۴۱، ۹۵

ج

- جبل فوقی؛ ارتفاع: ۱۷، ۱۰۳
 جعفری، عزیز؛ سرلشکر پاسدار: ۴۵، ۴۷، ۵۲، ۸۷
 ۹۱
 جمشیدی، ایرج؛ سرتیپ: ۴۹، ۷۷، ۹۸، ۹۹

چ

- چزابه؛ تنگ: ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۴، ۷۱
 ۷۹، ۸۵، ۸۸، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۳۲، ۱۳۴
 چنگوله؛ رودخانه: ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۴۲، ۴۴، ۵۳، ۷۳، ۷۹، ۱۳۵
 چومو؛ معبر: ۸۱، ۸۵، ۸۷
 چیلات، معبر؛ منطقه: ۳۸، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۶۴، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۹
 جم هندی، پاسگاه؛ منطقه: ۲۹، ۵۷

ب

- باقری، حسن؛ سرلشکر پاسدار شهید: ۵۲
 بیات؛ پاسگاه: ۱۷
 بیت شایه، آبادی؛ منطقه: ۴۷، ۱۱۰

پ

- پل رمیله: ۲۶
 پل غزیله: ۵۱، ۵۴، ۱۱۹، ۱۲۲

ت

- تقوی، عزیز؛ سرهنگ پاسدار: ۱۱۱
 تپه‌های رملی: ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۲، ۵۵، ۷۲، ۷۸، ۷۹، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۰۵
 تیپ ۳۷ زرهی: ۳۰، ۴۱، ۵۶، ۷۳
 تیپ ۵۵ هواپرد: ۱۱، ۳۰، ۴۱، ۴۳، ۷۱

رضایی، محسن، سرلشکر پاسدار: ۴۳، ۴۵، ۶۲،
۷۸، ۸۵، ۸۶، ۹۳، ۹۶، ۹۸

رودک، احمد؛ سرهنگ: ۱۰۳

رودکی، محمدنبی؛ سرتیپ پاسدار: ۴۵

ز

زبیدات، پاسگاه؛ منطقه: ۳۷، ۹۴

س

سمیده، پاسگاه؛ منطقه: ۱۷، ۷۹

سپاه ۴ عراق: ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۶۰، ۱۳۹

سپاه ۷ فجر: ۳۰، ۴۱

سپاه ۱۱ قدیر: ۳۰، ۴۱، ۷۱، ۷۲، ۱۰۹

سپاه ۳ صاحب‌الزمان: ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۷۳، ۹۳

ش

شمخانی، علی؛ دریابان: ۴۹

شیب، پاسگاه؛ منطقه: ۲۲

شیرزادی، محمدحسین؛ برادر بسیجی: ۱۰۵

ص

صفریه، پاسگاه؛ منطقه: ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۳۱، ۱۳۵

صفوی، رحیم؛ سرلشکر پاسدار: ۴۵، ۴۸، ۴۹

۹۰، ۹۴

صیاد شیرازی، علی؛ سپهبد شهید: ۵، ۶، ۸، ۴۴

۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۶۴، ۶۹، ۷۸، ۱۰۱

ح

حسینی‌سعدی، حسین؛ سرلشکر: ۴۴، ۴۵، ۶۳،
۹۰

حلفائیه؛ شهر، پل (عراق): ۲۲، ۳۳، ۴۲، ۴۷،

۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۶، ۷۹، ۸۰، ۸۸، ۹۵، ۹۹

حمرین؛ ارتفاعات: ۱۳، ۱۷، ۲۱، ۳۳، ۵۲، ۷۹

خ

خرازی، حسین؛ سرلشکر شهید پاسدار: ۱۸

د

دژکام، منوچهر؛ سرتیپ: ۱۸، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹

دویرج؛ رودخانه: ۲۰، ۳۷، ۵۲، ۵۴، ۷۲، ۷۹

ذ

ذلیجان، تنگ؛ منطقه: ۴۶، ۴۸

ذاکری، ابوتراب؛ سرتیپ ۲: ۴۹

ر

ربوط؛ پاسگاه: ۲۶، ۲۹

رحیمی، علی‌محمود؛ برادر بسیجی: ۱۱۴

رشید، غلامعلی؛ سرلشکر پاسدار: ۵۱، ۵۲، ۵۳،

۹۶، ۹۷

رشیده؛ پاسگاه: ۸۶، ۸۹، ۹۲، ۱۰۸، ۱۳۱

رشیدیان، محمد؛ نماینده آبادان در مجلس: ۱۰۰، ۱۰۱

قرارگاه قائم: ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۹، ۳۴، ۴۱، ۷۲
قرارگاه کربلا: ۱۹، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۷۱، ۷۲، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۹
قرارگاه نجف: ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۳، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹

ک

کارور، محمدرضا؛ سردار پاسدار: ۱۰۶
کبیری، فضل‌الله؛ برادر بسیجی: ۱۱۸
کیانی، احمد؛ برادر بسیجی: ۱۰۷

ل

لشکر ۱۶ زرهی: ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۹۹
لشکر ۲۱ پیاده: ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۵۳، ۵۷، ۵۸، ۷۳
لشکر ۷۷ پیاده: ۱۱، ۱۷، ۴۵، ۷۳
لشکر ۹۲ زرهی: ۸، ۱۱، ۱۷، ۵۹، ۷۳
لشکر اقدس: ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۴۸
لشکر ۵ نصر: ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۷۲
لشکر ۸ نجف: ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۸۱، ۸۲، ۹۷
لشکر ۱۴ امام حسین (ع): ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۸۲
لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابیطالب: ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۴۴

ط

طاووسیه، پاسگاه؛ منطقه: ۴۸
طیب؛ رودخانه: ۲۶، ۳۷، ۳۸، ۴۲

ع

علی‌غربی؛ شهر: ۱۳، ۱۷، ۵۳، ۷۰، ۷۹، ۸۰، ۸۸
عمار؛ شهر: ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۶۵، ۷۰، ۷۹، ۸۰، ۸۸، ۹۹، ۱۱۹
۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰
عملیات محرم: ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۰، ۴۴، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۴۱
عین خوش؛ منطقه: ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۴۵
عمقر؛ جنگل: ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲

ف

فکه، پاسگاه؛ منطقه: ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۳، ۳۸، ۴۵، ۴۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۸۳، ۱۰۳، ۱۰۴

ق

قاسمی، فریدون؛ سرهنگ پاسدار: ۱۱۶
قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص): ۱۹، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۴، ۵۷، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۸، ۷۹، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۱۰۱، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵

لشکر ۲۵ کربلا: ۱۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۴۱
لشکر ۳۰ زرهی: ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۴۳، ۷۳
لشکر ۳۱ عاشورا: ۳۰، ۳۴، ۴۱
لشکر ۴۱ ثارالله: ۳۰، ۳۴، ۴۱
لشکر ۲۷ محمد رسول الله: ۳۰، ۳۴، ۴۱
لشکر ۱۰ زرهی عراق: ۲۴، ۲۷، ۵۳، ۶۹
لشکر یک مکانیزه عراق: ۲۴، ۶۹
لشکر ۱۴ پیاده عراق: ۲۴، ۶۹، ۸۶
لطفی، سیروس؛ سرتیپ: ۴۴، ۴۵، ۹۱

م

مدرس، محمدرضا؛ سرهنگ پاسدار: ۱۱۰
محمودی نژاد، محمد؛ برادر بسیجی: ۱۱۲، ۱۲۳
مفید، عبدالحسین، سرتیپ ۲: ۶۲
ممقانی، حسین؛ سرتیپ ۲: ۵۶
موسوی قویدل، علی اکبر؛ سرتیپ ۲: ۶۴
میسان؛ استانی در عراق: ۱۳، ۱۶، ۲۱
میشداغ؛ ارتفاعات: ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۴۶،
۴۷، ۷۸، ۷۹، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۹، ۱۰۳

و

وهب؛ پاسگاه: ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۲، ۱۲۵، ۱۳۱



Valfajre Moghadamati Operation

COL . YAGHUB HOSEINI

War Cognizance Committee Of

Martyr Lieutenant *General Ali Sayyad Shirazi*